



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر بتول عطاران
مدیر داخلی: علی محمد بخشوده
هیئت تحریریه:
احمد رضا دوراندیش
بتول عطاران
بهناز مرجانی
علی محمد بخشوده
محسن جعفرآبادی
غلامحسین حسین زاده یوسفی
نصرالله دادار
سید محمد حسین حسینی
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک: علیرضا جواد
نشانی دفتر مجله:
تهران ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۶۵۸۵
تلفن دفتر مجله:
۰۲۱ - ۸۸۳۰۵۸۶۲
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام نگار:
faniherfeievakarodanesh@roshdmag.ir
پیامک: ۳۰۰۸۹۹۵۹۸
roshdmag: @
تلفن پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲ و ۸۸۸۳۹۲۳۲
چاپ: شرکت افست
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

علم بهتر است یا ثروت / دکتر بتول عطاران / ۲

باور غلط / نصرالله دادار / ۴

توانمندسازی دانش آموزان با فناوری اطلاعات / مرتضی خاکزار بفرولی، نسرين اقدم، آسیه ریاحی / ۹

تولید واحد استارت‌آپ برای اولین بار در کشور / نصرالله دادار / ۱۵

مدیریت یادگیری در کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای / مهدی فضلی، میثم احمدلو / ۱۸

هدایت تحصیلی دانش آموزان چگونه انجام می‌شود / نصرالله دادار / ۲۲

کار آفرینی و مدیریت کسب و کار / علی نقی یزدان پناه / ۲۸

ارزشیابی برنامه درسی دوره فنی و حرفه‌ای / امیرمقصود گردوان / ۳۱

سهم آموزش و پرورش در توسعه کار آفرینی / صفر علی یازرلو / ۳۷

ارزشیابی از برنامه کارورزی شاخه کار دانش / دکتر مهدی شریعت‌زاده، دکتر نعمت‌الله متین،

عالیه امینی نسب / ۴۲

راهکارهای ساده و مفید برای افزایش کارآیی هنر جویان و هنر آموزان / سیامک تقی‌پور بروجنی - نگار ستار

بروجنی / ۴۸

حلقه‌ای مهم در برنامه‌ریزی درسی / محمد کفاشان / ۵۶

فقدان پشتوانه‌ای قوی در گرو ده‌داری کتاب‌های آموزشی / محمدحسین معتمد‌راد / ۵۹

شیطنیت کلاغ و شناسائی چند گیاه خوراکی / علی محمد بخشوده / ۶۰

معرفی کتاب / علی محمد بخشوده / ۶۲

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوان و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



بتول عطاران

علمی-فلسفی

پیشینه است

پایان و نتایج

۱) علم و ثروت

۳) نفت ۱۴) هیچ کدام

این سؤالی بود که بارها و بارها ذهن بسیاری از دانش آموزان نسل قدیم را در زنگ انشا به خود مشغول می کرد و هر کدام به آن پاسخی می دادند که آن پاسخ ها اکنون به مرور زمان رنگ باخته اند. زیرا علمی که در جامعه تولید ثروت نکند، بیهوده است و ثروتی که در طول زمان پایدار نباشد و در توسعه به کار گرفته نشود، به زودی کنشش صفر می شود. لذا پاسخ سؤالی فوق در عصر حاضر هیچ کدام است. چرخه دانش و علم، اگر به ارزش تبدیل نشود و ارزش موجود زمینه ساز تغییراتی در توسعه نباشد، و اگر این دو همواره در کنار هم نباشند، صاحب خود را تبدیل به می کنند که کتابی بر او چند.

حلقه مفقود بین علم و ثروت، مهارت تبدیل آن علم به ثروت است. کاربردی کردن علم است در شرایطی که جامعه چنان از علم منتفع باشد که حاضر شود، ثروتی در مقابل علم بپردازد تا علم به تولید برسد و تولید ارزش پیدا کند.

در نظام جدید هنرستان که در سال جاری آغاز شده است، به گونه ای برنامه ریزی ها انجام گرفته اند و کتاب های درسی تنظیم شده اند که هنرجویان سهل تر قادر باشند، درک درستی از تبدیل دانش خود به ارزش پیدا کنند. مهارت و شایستگی کسب شده در این سیستم می باید میانبر سریعی باشد از محیط دانش به محیط کسب و کار. اقدام و عمل به آنچه

در محیط آموزشی می آموزند، باید نشان دهنده جوهره وجودشان در محیط کسب و کار شود که این جز با مهارت حاصل نمی شود. محیط کسب و کار فعلی مملو از رقیبانی است که در بازار کار پیچیده ای، منتظر هنرجویان فعلی اند و برای جذب در این بازار مهارت حرف اول را می زند. تخصص و شایستگی لازمه حضور در این بازار است. آنان که مهارت علمی و عملی را همزمان دارا هستند، بازارهای کار را فوراً در اختیار می گیرند و برای دیگران جای خالی نمی گذارند.

به مناسبت آغاز سال تحصیلی و تغییر نظام آموزشی، در این شماره با یکی از هنرآموزان مصاحبه کرده ایم و پای درددل او نشستیم که چگونگی بازاریابی برای تولیدات هنرستان ها را به نقد گذاشته است. (ص ۴) همچنین گزارشی از گردهمایی کارشناسان دفتر تألیف داریم که نظر خوانندگان را به آن جلب می نماییم. (ص ۵۶). به منظور آگاهی از جایگاه هدایت تحصیلی در نظام نوین آموزش و پرورش کشور خدمت جناب آقای مهندس زرافشان، معاون آموزش متوسطه رسیدیم و ساعتی در خدمت ایشان بودیم که آن را در صفحه ۲۲ مطالعه می فرمایید. امید است صنعت به چنان قوتی برسد که تمام هنرجویان را جذب نماید.

سردبیر

باور غلط

گفت‌وگو با مریم مهران‌راد،

هنرآموز هنرستان‌های کاردانش تهران

نصرالله دادار

با وی گفت‌وگویی داشته‌ام که گزارش آن در ادامه از نظر شما می‌گذرد:

● اولین بار با شما در همایش توسعه و عدالت آموزشی آشنا شدم. بعد از آن در همایش‌های دیگری هم شرکت کرده‌اید؟

○ بله. در کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و همایش ملی اقتصاد آموزش و پرورش با رویکرد اقتصاد مقاومتی.

● در این همایش‌ها، مقاله هم ارائه کردید؟
○ بله. در کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مقاله‌ای با عنوان: «راهکار عملی اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش با الگوبرداری از اقتصاد علوی»، و در همایش ملی اقتصاد آموزش و پرورش، مقاله‌ای با عنوان: «راهکار اقتصاد مقاومتی از آموزش و پرورش می‌گذرد» ارائه کرده‌ام.

● به نظر می‌رسد شما جایگاه ویژه‌ای برای وزارت آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی کشور قائلید. ممکن است دیدگاه خود را در این زمینه توضیح دهید؟

○ من معتقدم مسئولان بلندپایه کشور به جای اینکه برای تأمین مالی و بودجه چشمشان به وزارت نفت باشد، باید چشمشان به وزارت آموزش و پرورش باشد. به نظر من، آموزش و پرورش نقش ویژه‌ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد. نگاه ما نسبت به آموزش و پرورش کشور باید



اشاره

خانم مریم مهران‌راد، هنرآموز معماری در هنرستان‌های کاردانش تهران، با ۱۲ سال سابقه آموزشی است. با او در همایش «توسعه و عدالت آموزشی» آشنا شدم. دیدگاه‌هایش نسبت به مسائل آموزش و پرورش برایم جالب بود.

وی معتقد بود که آموزش و پرورش می‌تواند خلاق‌ترین، کم‌ادع‌ترین و پرجنب‌وجوش‌ترین نیروها را در اختیار بخش اقتصادی کشور قرار دهد، در حالی که متأسفانه بیشتر به این فکر بوده است که دانش‌آموزان را به سمت دانشگاه سوق دهد. در جامعه ما به غلط، به دانش‌آموزان القا شده است که اگر کار خوب می‌خواهید، باید به دانشگاه بروید و

متحول شود. ما طی سالیان درازی تلاش کرده‌ایم که دانش‌آموزان را به سمت دانشگاه سوق دهیم، در صورتی که جامعه به نیروی کار و مولد نیاز دارد. جوانی که به دانشگاه رفت و لیسانس و فوق‌لیسانس گرفت، دیگر به هر کاری قانع نمی‌شود و بیشتر دنبال کارهای پشت میزنشینی است. در صورتی که توسعه کشور به نیروی ماهر، کارآفرین و کارگر نیاز دارد.

ما حتی از دوران ۲۵ سال سکوت حضرت علی (ع) نیز برداشت غلط کرده‌ایم. همیشه گفته‌ایم امیرالمؤمنین (ع) ۲۵ سال خانه‌نشین بود. در صورتی که ایشان خانه‌نشین نبود و روزها می‌رفتند سر زمین و آن را برای کشت آماده می‌کردند؛ و یا در آن درخت نخل می‌کاشتند و بعد آن زمین احیا شده را وقف می‌کردند. اتفاقاً زمین را به کسی واگذار نمی‌کرد که برود و کاربری‌اش را تغییر دهد. شیعیان عراق و مدینه هنوز هم از آن زمین‌ها، خرما تولید می‌کنند و روزی خود را می‌گذرانند و در این شرایط سخت اقتصادی، گذران زندگی می‌کنند.

ببینید ما در همه کتاب‌های درسی بر علم آموزی تأکید می‌کنیم، ولی در هیچ‌یک از کتاب‌های درسی، خطاب خداوند را به حضرت داوود (ع) نیاورده‌ایم. خداوند به حضرت داوود (ع) می‌فرماید: ای داوود تو بهترین بنده من هستی و فقط یک ایراد داری. ایراد تو این است که از بودجه دولتی ارتزاق می‌کنی. تو برو مهارتی یاد بگیر و از آن طریق امرار معاش کن. بعد حضرت داوود (ع) می‌رود و مهارت ساخت زره را می‌آموزد و از آن طریق ارتزاق می‌کند. متأسفانه ما در کتاب‌های درسی مان به اهمیت کارهای تولیدی اشاره نمی‌کنیم. در کتاب‌های درسی فقط به ارزش علم، عالم و دانشمند اشاره کرده‌ایم. به جوانان نگفته‌ایم که پیغمبر دست کارگر را می‌بوسید.

● با این نگاه، نظر شما درباره رشته‌هایی که در حال حاضر در هنرستان‌های کار دانش آموزش داده می‌شود، چیست؟

○ به نظر من برخی از رشته‌های کار دانش، مانند کشاورزی، صنایع چوب و ... خوب و مناسب هستند و بازار کار دارند. ولی برخی از رشته‌ها مورد نیاز کشور نیستند. الان حدود ۷۰ درصد بچه‌های کار دانش در رشته‌هایی مانند حسابداری، رایانه، معماری و ... درس می‌خوانند که بازار کار کمی دارد. من خودم خیلی از اوقات دچار عذاب وجدان

می‌شوم که بچه‌های همین رشته معماری که من آن را تدریس می‌کنم، فردا چگونه می‌توانند با این روش وارد بازار کار شوند! آیا اساساً این رشته یک رشته مهارتی است یا نه؟ سؤال من این است که کدام یک از این رشته‌ها مهارتی است؟ در همه جای دنیا وقتی از مهارت صحبت می‌شود، مربوط به رشته‌هایی است که کار آن‌ها دستی یا یدی است.

به نظر من باید در مورد برخی از رشته‌های کار دانش تجدیدنظر شود و رشته‌های جدید که بازار کار دارند، مانند طراحی کفش را جایگزین آن‌ها کرد. الان کشور به شدت نیازمند آموزش رشته‌هایی مانند بسته‌بندی، طراحی کفش و ... است.

● روش آموزش شما در هنرستان چگونه است؟

○ من در کلاس خودم، سعی می‌کنم از جدیدترین روش‌ها استفاده کنم. گاهی هنرجویان گله می‌کنند و شکایت دارند که شاید هم گلایه‌های آن‌ها درست باشد. آن‌ها می‌گویند ما به هنرستان آمده‌ایم که کار مهارتی یاد بگیریم و نیامده‌ایم که دوباره این قدر درس بخوانیم. اگر می‌خواستیم این همه درس بخوانیم، به رشته ریاضی یا انسانی یا مانند آن‌ها می‌رفتیم. ولی من هنرآموز نمی‌توانم درس‌های رشته‌ای را که تدریس می‌کنم، حذف کنم و کار دیگری انجام دهم.

من مجبور هستم از قوانین تبعیت کنم و کتاب‌های درسی را درس بدهم. اتفاقاً این کار را هم خیلی جدی انجام می‌دهم. ولی در درس‌های عملی مانند «توکد»، سعی می‌کنم ارتباطی با صنعت یا دستگاه‌های اجرایی برقرار کنم و بچه‌ها را با آن‌ها مرتبط سازم. برای مثال، وقتی قرار است بچه‌ها نقشه تهیه کنند، از آن‌ها می‌خواهم که برای نمونه با «دفتر نوسازی بافت‌های فرسوده» تماس بگیرند و از آنجا نقشه بگیرند و ویرایش کنند. رابطه‌ای که بچه‌ها با این دستگاه‌ها برقرار می‌کنند، به حس خود باوری‌شان خیلی کمک می‌کند.

● ارزیابی شما از عملکرد آموزش‌های کار دانش در نظام آموزشی کشور چیست؟

○ اینکه ما بگوییم فارغ‌التحصیلان کار دانش موفق بوده‌اند یا ناموفق بحث غلطی است. هر قدر که فارغ‌التحصیلان کار دانش ما توانسته باشند براساس نوع رشته و کارشان با بازار کار ارتباط بهتری برقرار

آموزش و پرورش
ما بیشتر به این
فکر بوده‌است که
دانش‌آموزان را به
سمت دانشگاه سوق
دهد

در جامعه ما به غلط به دانش آموزان القا شده است که اگر کار خوب می خواهید، باید به دانشگاه بروید

نقطه ضعف کار دانش این است که با دنیای صنعت رابطه قوی ندارد

کنند، موفق ترند؛ مانند رشته های کشاورزی یا سفال. الان نام رشته سفال، کاشی هفت رنگ شده است.

اگر همین کاشی هفت رنگ ما بیاید با کارخانه های چینی سازی ارتباط برقرار کند، می تواند کارهای موفق انجام دهد.

نقطه ضعف کار دانش ما این است که رابطه قوی با دنیای صنعت ندارد. ما فکر می کنیم دانش آموزی تربیت کرده ایم که بازار کار او را می پذیرد، ولی واقعیت این نیست. تنها چند رشته کار دانش است که موفقیت داشته اند و آن هم به خاطر ارتباطی است که با بازار کار داشته اند. نقطه ضعف دیگر کار دانش، نداشتن بازاریاب است.

● منظور شما این است که مدیران هنرستان ها باید بازاریابی کنند؟

○ نه، مدیر مدرسه نباید این کار را بکند. بنده معتقدم مسئولان بالاتر مانند مسئول گروه کار دانش هر شهرستان یا استان باید بازاریابی بدانند و بازاریابی کنند تا بدانند نیاز کشور به آموزش چه رشته هایی است. مسئول باید بازاریابی بداند و بتواند با وزارت خانه ها و صنایع کشور ارتباط بگیرد. آموزش و پرورش باید از این حالت که مسئولانش مثل هم عمل می کنند، خارج شود.

● شما یک طرف مسئله را مطرح می کنید و می گوئید بازاریابی صورت نمی گیرد، ولی آن طرف مسئله را نمی گوئید که بچه های ما مهارت ندارند.

○ این موضوع هم به خود ما برمی گردد. منظورم مسئولان آموزش و پرورش است. ما آمده ایم مهندسی را جذب کرده ایم و به او گفته ایم بیا کارگر تربیت کن؛ بدون آنکه او را در جریان خواسته ها و نیاز بازار قرار دهیم. این هم یکی از نقاط ضعف آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش است. شما برنامه درسی دانشگاه، مثلاً در رشته رایانه را نگاه کنید و برنامه درسی هنرستان ها را هم در همین رشته ببینید. اصلاً شباهتی به هم ندارند.

شما به یک شرکت مراجعه کنید و ببینید آیا کسی حاضر است دیپلم طراحی وب یا دیپلم برنامه نویسی ما را استخدام کند؟ اصلاً این رشته ها با فنی و حرفه ای و کار دانش سنخیتی ندارند؛ خصوصاً با کار دانش. ولی جای نرم افزارهای دیگری مانند طراحی کفش،

طراحی بدلیجات در آموزش های کار دانش خالی است.

● یعنی آموزش هنرستان ها به روز نیست؟

○ نه. بچه های ما هنوز در هنرستان ها با کاتر و چوب پنبه برش می زنند. در صورتی که می توان از فناوری های جدید برای انجام این کارها استفاده کرد. من خودم پیشنهاد کردم که برش لیزری را در اتوکد به بچه ها یاد بدهم.

● چرا آموزش هنرستان ها به روز نیست؟

○ نمی دانم. برای کشف علت آن، باید مطالعه شود.

● امکانات هنرستان ها کم است؟

○ نه، اتفاقاً امکانات هست. انصافاً امکانات و پولی که دولت در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش هزینه می کند، قابل توجه است.

● چرا با توجه به امکاناتی که برای هنرستان ها فراهم می شود، آموزش در هنرستان ها ضعیف است؟

○ یکی از عوامل ضعف آموزش در هنرستان ها،



یکی از مشکلات جامعه ما، طرز فکر خانواده‌هاست که بچه‌ها را به زور می‌فرستند در رشته‌هایی ادامه تحصیل دهند که به آن علاقه ندارند

حدود ۷۰ درصد بچه‌های کار دانش در رشته‌هایی مانند حسابداری، رایانه، معماری و... درس می‌خوانند که بازار کار ندارند. در صورتی که جای برخی رشته‌ها مانند صنایع بسته‌بندی، صنایع تبدیلی و... در هنرستان‌ها خالی است.

آموزش ضمن خدمت ما ضعیف است و به روز نیست

در هنرستان‌های کار دانش، رشته‌هایی مثل خیاطی را کسانی درس می‌دهند که خودشان خیاطی بلد هستند، نه اینکه الزاماً لیسانس خیاطی یا طراحی دوخت داشته باشند. به همین دلیل وقتی به نمایشگاه‌ها هم می‌رویم، بچه‌های خیاطی بهتر عرض اندام می‌کنند.

یکی دیگر از مشکلات ما هم طرز فکر خانواده‌هاست که بچه‌ها را به زور می‌فرستند در رشته‌هایی ادامه تحصیل دهند که به آن علاقه ندارند. من دانش‌آموزی داشتم که هم از نظر اخلاقی خوب بود و هم معدل بالایی (حدود ۱۷) داشت. او اول سال آمده بود و به من می‌گفت: «خانم من دوست دارم بروم رشته خیاطی، ولی به اصرار مادرم به رشته نظری رفتم.» به نظر شما این کار درست است؟

اتفاقاً طرز فکر او هم درست بود و می‌گفت اگر من دیپلم خیاطی‌ام را بگیرم، دو سال دیگر می‌توانم در گوشه خانه، مزون بزنم. ولی شما قول می‌دهید که من بعد از دو سال دیگر که ریاضی خواندم سر کار بروم؟ یعنی چون رشته ریاضی اسم و رسم دارد، خانواده فشار می‌آورد که به این رشته برود.

مشکل دیگر اینکه در همه جای دنیا بچه‌هایی را که از نظر اقتصادی ضعیف هستند، به سمت رشته‌های کار دانش هدایت می‌کنند تا زودتر وارد بازار کار شوند و درآمد کسب کنند. ما در اینجا بچه‌هایی را که از نظر اخلاقی و درسی ضعیف هستند، به سمت رشته‌های کار دانش هدایت می‌کنیم!

● فکر نمی‌کنید یک تحول بنیادین در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش باید صورت گیرد؟ به نظر شما چه رشته‌هایی را باید به فنی و حرفه‌ای و کار دانش اضافه کرد و کدامیک از رشته‌های فعلی را باید حذف کرد؟
○ پاسخ به این سؤال در حیطه وظایف من نیست. من می‌گویم اگر ما بخواهیم یک کار دانش موفق مثل کشور چین داشته باشیم، دقیقاً باید مثل خود چین عمل کنیم. یعنی اول مطالعه‌ای درباره بازار و بازاریابی داشته باشیم و بعد رشته‌ها را انتخاب کنیم. رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش باید براساس نیازهای بازار انتخاب شوند.

شما حتماً خبر دارید که سالانه حدود ۵۰۰ میلیارد تومان وسایل سوغاتی از چین وارد مشهد می‌شود. به نظر شما نمی‌توانیم این نوع سوغات‌ها را در هنرستان‌ها تولید کنیم؟ وسایلی مانند مهره تسبیح،

کلاس‌های ضمن خدمت هنرآموزان است. من معتقدم آموزش ضمن خدمت ما هنرآموزان، نباید به وسیله کسی که مثل خود ما معلم است، برگزار شود. آموزش ضمن خدمت معلمان هنرستان‌ها را باید یک صنعتگر برگزار کند تا من بفهمم که بازار از من چه می‌خواهد. من الان هیچ چیز از بازار نمی‌دانم. آموزش ضمن خدمت ما معمولاً توسط کسانی برگزار می‌شود که مدرک فوق لیسانس دارند. ولی من معتقدم چون ما در حال تربیت کارگر هستیم، باید کسانی آموزش ضمن خدمت را برگزار کنند که خودشان دستی بر آتش داشته باشند و کار و کاری را بشناسند. کارگر را باید کارگر تربیت کند. چرا شفاف صحبت نمی‌کنیم و رودربایستی داریم؟ چرا مطرح نمی‌کنیم که بچه‌های کار دانش می‌خواهند کارگران آینده شوند؟

روزی یکی از دوستان که کار آموزشی می‌کند و به دنبال طراحی یک مجموعه قطعه از سفال بود، از من خواست که با او به همدان بروم. یک مهندس طراح هم همراه ما بود. بچه‌هایی که آنجا دست به گل بودند، خیلی بهتر موضوع را فهمیدند تا این مهندسی که با ما بود.



ندارند! در صورتی که اگر بعد از دو سال بررسی می‌کردند که آیا جای این رشته در آموزش و پرورش است یا نه، قطعاً این همه سال آموزش آن رشته ادامه پیدا نمی‌کرد. من معتقدم اگر همین حالا هم بررسی شود، معلوم خواهد شد که جای برخی از رشته‌ها در آموزش و پرورش نیست. در صورتی که جای یک سلسله رشته‌ها، مانند صنایع بسته‌بندی، صنایع تبدیلی و ... در هنرستان‌ها کم‌رنگ است.

● نظر شما درباره کتاب‌های درسی کاردانش چیست؟

○ بچه‌ها وقتی وارد رشته‌های کاردانش می‌شوند، اولین بحثی که مطرح می‌کنند این است که اگر ما می‌خواستیم باز این همه کتاب بخوانیم، به کاردانش نمی‌آمدیم. ما آمده‌ایم که کار و یا مهارت عملی یاد بگیریم. در همین رشته معماری، ما چهار تا پنج کتاب بالای ۲۰۰ صفحه داریم. در صورتی که یک کتاب کار تعریف نشده است. در آخر بعضی کتاب‌های درسی، یک کار عملی کوچک گنجانده شده است. آن وقت موقع امتحان که می‌شود، می‌گوییم ارزش نمره عملی سه برابر نمره تئوری است که با منطق کتاب هم خوانی ندارد.

● یعنی آموزش‌ها در کاردانش همچنان دانش‌محور است نه مهارت‌محور؟

○ موقع درس دادن و درس خواندن، دانش‌محور است؛ ولی موقع امتحان، مهارت‌محور است!

● چه پیشنهادی برای تقویت انگیزه‌های هنرآموزان دارید؟

○ آموزش ضمن خدمت را جدی بگیریم و به روز کنیم تا هنرآموزان قوی شوند. آموزش ضمن خدمت ما ضعیف است و به روز نیست. اگر معلمان و هنرآموزان قوی داشته باشیم، آن‌ها حتی از کتاب بد هم، ایده نو می‌گیرند. آموزش ضمن خدمت باید مردودی هم داشته باشد.

نکته دوم بی‌توجهی به مهارت حرفه‌ای در آموزش و پرورش است. طرح رتبه‌بندی پارسال اجرا شد. ملاک‌هایی که برای رتبه‌بندی تعیین کرده بودند، هیچ کدام مهارت حرفه‌ای معلم و هنرآموز را محک نمی‌زدند. در صورتی که اگر مهارت حرفه‌ای هنرآموزان را بسنجند، معلم و هنرآموز مجبور می‌شوند مهارت حرفه‌ای خود را بالا ببرند.

لباس‌های مشکلی و ...

شاید یکی از مشکلات هم این است که برخی از ما در مسائل بازرگانی و تجارت دید روشنی نداریم.

● دانش‌آموزان برای ورود به رشته‌های فنی و حرفه‌ای یا کاردانش چقدر علاقه نشان می‌دهند؟ به نظر شما آیا آن‌ها به اجبار وارد این رشته‌ها می‌شوند یا با علاقه؟

○ به این سؤال پاسخ قاطعی نمی‌توان داد. من خودم یک بار بین دختران رشته‌های تجربی و ریاضی نظرسنجی کردم. سؤال اولم این بود که آیا شما حاضرید در رشته‌های کاردانش ادامه تحصیل دهید. پاسخ آن‌ها به این سؤال منفی بود. در سؤال دوم از آن‌ها پرسیده بودم: اگر رفتن شما به رشته‌های کاردانش موجب شود که زودتر به استقلال اقتصادی برسید، علاقه دارید که به این رشته‌ها بروید؟ پاسخ اکثر آن‌ها به این سؤال مثبت بود.

طبق گزارش مدیران مدارس، استقبال از رشته‌هایی مانند تعمیرات آسانسور یا PVC و ... بین دانش‌آموزان خیلی خوب است و بچه‌های خوبی هم وارد این رشته‌ها می‌شوند. ولی استقبال از رشته‌هایی که با صنعت و بازار ارتباط ندارند، بسیار ضعیف است.

● اگر شما به جای وزیر آموزش و پرورش بودید، چه می‌کردید؟

○ شاید من هم با موانعی که سر راه است، همین کارهایی که ایشان انجام می‌دهند، می‌کردم. ولی اگر امکان داشت، اولین کاری که می‌کردم یک آمارگیری دقیقی بود تا نیازهای کشور را شناسایی کنم. متأسفانه در کشور ما آمار خیلی اهمیت ندارد. در صورتی که آمار و اطلاعات صحیح پایه همه برنامه‌ریزی‌هاست. من معتقدم تعیین رشته‌های کاردانش در هنرستان‌ها باید به خود مناطق سپرده شود تا آن‌ها بر اساس نیاز، بازاریابی و دلایل علمی، برای هنرستان‌های مناطق خود رشته انتخاب کنند. در این صورت رشته‌هایی آموزش داده می‌شوند که اولاً به آن‌ها نیاز است و ثانیاً بازار کار دارند.

بازاریابی هم روش منطقی دارد که باید رعایت شود. متأسفانه چون ما پشتوانه نفت داریم، خیلی به این موضوع‌ها دقت نمی‌کنیم. یعنی مجبور نشده‌ایم برای این قبیل موارد راه‌حل پیدا کنیم.

الان ده، پانزده سال است که ما رشته‌هایی را در هنرستان‌ها آموزش می‌دهیم که بازار کار زیادی

**آموزش در
هنرستان‌های
کاردانش، هنگام
درس دادن
دانش‌محور است،
در صورتی که هنگام
امتحان مهارت‌محور
است**

توانمندسازی دانش آموزان با فناوری اطلاعات

مرتضی خاکزار بفرئی

دکترای مهندسی صنایع، پژوهشگر توسعه تکنولوژی

نسرین شنب غازانی اقدام

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

آسیه ریاحی

کارشناس ارشد مهندسی فناوری اطلاعات

اشاره

دستاوردهای دهه گذشته در فناوری های رایانه ای و اطلاعاتی تغییرات زیادی در جامعه ما ایجاد کرد. مسائل اخلاقی مرتبط با فناوری اطلاعات در جامعه امروزی که یکسببه به یک جامعه اطلاعاتی تبدیل شده، از تعدد هر چه بیشتری برخوردار شده است. دسترسی به اطلاعات و نیز انتقال سریع آن تأثیرات مثبت و منفی زیادی روی رشد روانی، اخلاقی و اجتماعی نوجوانان و به طور کلی روی ساختار و کارکرد جامعه داشته و دارد. در این میان، نظام آموزشی ما نیز از تأثیرات مثبت و منفی استفاده از فناوری اطلاعات متأثر شده است.

برای تسهیل و سرعت بخشیدن به تحقق اهداف تعیین شده در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و دیگر اسناد بالادستی کشور، جامعه ما ناگزیر باید به سمت استفاده از «فناوری اطلاعات و ارتباطات» (ICT) قدم بردارد و در این مسیر مشارکت نهادهای گوناگون کشور و برنامه ریزی مناسب از اولویت و اهمیت

کلیدی برخوردار است. آموزش و پرورش به عنوان اصلی ترین ستون آموزشی و پرورشی در کشور وظیفه خطیری به عهده دارد و تنها با برنامه ریزی و پژوهش حساب شده می تواند نقش کلیدی خود را ایفا کند.

در این مقاله از طریق مرور مقالات پژوهشی چاپ شده و بین المللی، برخی از تأثیرات استفاده از ابزار فناوری اطلاعات در نظام آموزشی تشریح شده و جهت گیری تحقیقات بین المللی در حوزه شبکه های اجتماعی و تأثیرات مثبت و منفی آن ها بررسی شده است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که در کشور ما نیز نیاز به سامان دهی و جهت دهی مناسب به تحقیقات در حوزه سیاست گذاری و برنامه ریزی استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش وجود دارد. معلمان ما باید به دانش استفاده درست و بهینه از این ابزار مجهز شوند. آموزش استفاده از فناوری اطلاعات و چگونگی جلوگیری از خطرات آن باید در مدرسه ها به طور جدی مورد توجه برنامه ریزان آموزشی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

فناوری اطلاعات، آموزش، ICT، اینترنت

مقدمه

فناوری اطلاعات موجب تغییراتی بنیادین در نگرش عمومی نسبت به توسعه شده و تأثیر آن به حدی بوده است که اینک فناوری اطلاعات، محور توسعه ملی تلقی می‌شود. نتایج تحقیق انجام شده توسط دکتر رضا منیعی و همکارانش حاکی از آن است که میان نشانگرهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه علمی در سطح کشورها همبستگی معناداری وجود دارد [۱].

فناوری‌ها و رایانه‌ها در فرایندهای آموزشی ادغام می‌شوند و به‌طور روز افزون به بخش جدایی‌ناپذیر از نظام آموزشی تبدیل می‌شوند. این رویه در آموزش ابتدایی و متوسطه رو به گسترش است، اما در حال حاضر در سطح دانشگاهی گسترش بیشتری داشته است [۲].

این موضوع به معنی آن نیست که یادگیری به‌عنوان فرایندی اجتماعی که از طریق ارتباط میان فراگیرندگان، معلمان و دیگران تحقق پیدا می‌کند، می‌تواند به‌طور مؤثر با فناوری جایگزین شود. بلکه در عوض، فناوری می‌تواند فرایند آموزش را به روش‌های متعدد تحت‌تأثیر قرار دهد. تحقیق، ارتباط و همکاری، حل مسئله و خلاقیت، امروزه همه تحت‌تأثیر رایانه‌ها و دیگر فناوری‌هایی هستند که اکنون بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ما شده‌اند. در بسیاری از اسناد بالادستی کشور بر لزوم برنامه‌ریزی

مناسب در جهت ارتقای علم و فناوری در کشور تأکید شده است. بنابراین توجه و برنامه‌ریزی مناسب در جهت آموزش استفاده بهینه از این ابزار از ضروریات پیشرفت جامعه است.

هدف این تحقیق بررسی جهت‌گیری تحقیقات بین‌المللی در حوزه استفاده بهینه از ابزار فناوری اطلاعات بوده است. در ادامه ابتدا روش تحقیق، سپس اهمیت استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش از منظر تحقیقات بین‌المللی و سپس از منظر اسناد بالادستی کشور تشریح شده است. در پایان نتایج تحقیقات بین‌المللی در حوزه آسیب‌های ناشی از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی و مسائل فرهنگی و اخلاقی این حوزه بیان شده و به ضرورت توجه به استفاده از این ابزار در جهت بهبود کیفیت آموزش و پرورش صلاحیت‌های کلیدی دانش‌آموزان پرداخته شده است.

روش تحقیق

هدف این تحقیق بررسی جهت‌گیری تحقیقات بین‌المللی در حوزه استفاده بهینه از ابزار فناوری اطلاعات بوده است. به این منظور از رویکرد کیفی با استفاده از مرور ادبیات استفاده شد و مقاله‌های منتشر شده طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ در پایگاه اینترنتی «Sciencedirect» با کلمات کلیدی اخلاق استفاده

از فناوری اطلاعات،

سایت‌های

شبکه

ارتباط منفی

میان استفاده از

سایت‌های شبکه

اجتماعی و عملکرد

علمی آن‌ها وجود

دارد



اجتماعی، فناوری اطلاعات در آموزش و... جست‌وجو شد. از بین مقالات یافت شده تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها را انتخاب کردیم و نتایج آن‌ها را برای استفاده در آموزش و پرورش کشور ارائه دادیم.

اهمیت و ضرورت استفاده از فناوری اطلاعات

در عصر دیجیتال و در یک جامعه دانش بنیان، فناوری اطلاعات و ارتباطات تقریباً در همه جنبه‌های زندگی مدرن و به‌خصوص در آموزش نقش اساسی ایفا می‌کند [۷-۳]. بسیاری از کشورها به اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش پی برده‌اند. بنابراین سیاست‌های مرتبط با آموزش را ابلاغ کرده‌اند و روی سخت‌افزارهای مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات، نرم‌افزارها و دسترسی به اینترنت در مدرسه‌ها و آموزش معلمان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. حتی برخی از محققان اعتقاد دارند که: «به سختی ممکن است کشوری در جهان وجود داشته باشد که در حال حاضر در فرایند معرفی فناوری اطلاعات و ارتباطات به نظام آموزشی خود متعهد نشده باشد» [۸].

استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش می‌تواند محیط‌های آموزشی جدیدی ایجاد کند، روش‌های تدریس جدیدی فراهم آورد، ارتباطات سنتی معلم - دانش‌آموز را تغییر دهد و در پایان کیفیت آموزش را بهبود بخشد. بنابراین، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند به‌عنوان «ابزارهای بالقوه برای تغییر و نوآوری در آموزش» مطرح شود [۹]. علاوه بر آن، استفاده از ICT در مدرسه‌ها روش مؤثری برای پرورش افرادی است که در ICT متخصص‌اند و پاسخ‌گوی تقاضاهای جامعه اطلاعاتی مدرن هستند. در نتیجه، برخی از مطالعات پیش‌بینی کردند که «اهمیت فناوری آموزشی در کلاس درس افزایش می‌یابد» [۱۰].

امروزه رایانه‌ها نقش فعالی در همه سطوح آموزش دارند و این وسایل از ابعاد مهم و ضروری مدرسه هستند. محیط‌های یادگیری و آموزشی شروع به استفاده مؤثر از رایانه‌ها می‌کنند و به دلیل گسترش استفاده از اینترنت استفاده از رایانه در سطح جهان ابعاد متفاوتی دارد. بسیاری از کشورها در جهت افزایش استفاده از رایانه‌ها در آموزش، سرمایه‌گذاری نسبتاً زیادی برای افزایش استفاده از رایانه در مدارس می‌کنند. دولت استرالیا در سال ۱۹۹۹ و

۲۰۰۰ حدود ۴/۳ میلیارد دلار برای فناوری آموزش خرج کرد. در آمریکا وزارت آموزش و پرورش بیشترین ۷۰۰ میلیون دلار از بودجه‌اش را برای فناوری آموزشی صرف کرد. در انگلیس طبق داده‌های آژانس ارتباطات آموزشی و فناوری انگلیس (۲۰۰۴) یک میلیون پوند برای محصولات فناوری آموزشی در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ پرداخت شد [۱۱].

قوانین و برنامه‌های بلند مدت کشور

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مهم‌ترین سند شناخته شده در حوزه آموزش و پرورش کشور است. در این سند بر «بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» تأکید شده و از آن به‌عنوان یکی از راهبردهای نظام تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ یاد شده است [۱۲].

همچنین در سند زیرساخت‌های فناوری اطلاعات [۱۳]، دانش عصر اطلاعات به‌عنوان یکی از هفت زیرساخت مهم فناوری اطلاعات در کشور تعیین شده است. چشم‌انداز دانش عصر اطلاعات در کشور ما این است که تمامی شهروندان متناسب با جایگاه، نیاز و ویژگی‌های خود مهارت، دانش آکادمیک و تخصص و خبرگی لازم در حوزه فناوری اطلاعات را به‌صورت اثربخش داشته باشند و هم‌زمان با تغییر نیازها و کاربردها، به‌طور مستمر به روز شوند. از سوی دیگر نیز، ساز و کار نهادهای مناسب حاکمیت و مدیریت به‌گونه‌ای جامع و مانع و آینده‌نگرانه وجود داشته باشد. در جلد سوم از مجموعه اسناد این طرح مهم‌ترین قوت‌ها، فرصت‌ها، ضعف‌ها و تهدیدها در این حوزه تشریح شده‌اند. رویکرد مثبت وزارت آموزش و پرورش به هوشمندسازی مدارس و استفاده از فناوری اطلاعات به‌عنوان یکی از فرصت‌ها مطرح شده و از نبود طرح جامع سواد اطلاعاتی کشور، کم‌توجهی به پژوهش در حوزه‌های اخلاق و فرهنگ در استفاده از فناوری اطلاعات و آموزش آن در اسناد بالادستی کشور و نیز ضعف جدی در حوزه آموزش حقوق IT نیز به‌عنوان بخشی از ضعف‌ها و محدودیت‌ها نام برده شده است.

در نقشه جامع علمی کشور [۱۴] نیز بر راهبردهای ترویج فرهنگ کسب و کار دانش بنیان، ارتقای توانایی علمی، فناورانه و مهارتی افراد، بازنگری در برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی به منظور انطباق با تمامی نیازهای واقعی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان، تلفیق آموزش با تربیت،

سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش

مهم‌ترین

سند شناخته

شده در حوزه

آموزش و پرورش

کشور است. در این

سند بر «بهره‌مندی

هوشمندانه از

فناوری‌های نوین در

نظام تعلیم و تربیت

رسمی عمومی»

تأکید شده و از آن

به‌عنوان یکی از

راهبردهای نظام

تعلیم و تربیت در افق

۱۴۰۴ یاد شده است

روند تحقیقات در دنیا نشان می‌دهد، استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند، به افزایش کیفیت آموزش و پرورش مهارت‌های کلیدی دانش‌آموزان منجر می‌شود

پژوهش و مهارت و برون‌مداری نظام علم و فناوری جامعه ایرانی از جهت مشارکت علمی و فناوری فعال با جهان اسلام و سایر کشورها تأکید شده است. در همه این راهبردها، فناوری اطلاعات به عنوان یک راهکار عملی و مؤثر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

برنامه‌ریزی و پژوهش برای بهره‌مندی هوشمندانه از انواع فناوری‌ها

از سال‌های ۱۹۹۰، موضوع اخلاق به عنوان یکی از بخش‌های مکمل و ضروری در برنامه‌های توسعه تخصصی در محیط‌های علمی مطرح شد و از آن پس اصول مفهومی اخلاق توسط دانشمندان رایانه مورد تحقیق قرار گرفت و استانداردهای اخلاقی برای این حوزه ایجاد شد. اصول اخلاقی فناوری اطلاعات موضوعات اخلاقی مرتبط با حقوق نویسنده، مالکیت، دسترسی، محرمانه بودن و امنیت اطلاعات را بررسی می‌کند. یکی از توسعه‌یافته‌ترین مجموعه استانداردهای اخلاقی «کدهای اخلاقی انجمن ماشین‌های رایانه‌ای آمریکا» است که مجموعه اصول اخلاقی استفاده از رایانه، از مسئولیت حرفه‌ای تا نتایج فناوری در جامعه را شامل می‌شود [۱۵].

اخلاق به عنوان انشعابی از فلسفه در ارتباط مستمر با ارزش‌های بنیادی روابط بین انسانی است و کیفیت و اصول عمل یا رفتاری را که از جنبه وجدانی خوب، بد، مناسب یا اشتباه هستند، مطالعه می‌کند [۲].

سایت‌های شبکه اجتماعی (برای مثال Facebook, Tumblr, Pinterest, LinkedIn, Yelp, Yammer و...) میلیون‌ها کاربر از سراسر دنیا را جلب کرده‌اند و امروزه این سایت‌ها جزء زندگی روزانه و کار روزمره افراد بسیاری هستند. اخیراً محققان شروع به بررسی تفاوت‌های فرهنگی نه تنها در استفاده کلی از اینترنت بلکه به طور خاص‌تر، سایت‌های شبکه اجتماعی کرده‌اند. واسالو^۳ و همکارانش (۲۰۱۰) تفاوت‌های فرهنگی در استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی بین آمریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و یونان را شناسایی کردند. طبق نتایج آن‌ها، فرهنگ بر انگیزه کاربران برای استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی، استفاده‌های مؤثر از آن‌ها و زمانی که آن‌ها در این سایت‌ها صرف می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. در مقایسه با آمریکا، زمان صرف شده در فیسبوک در انگلستان بالاتر و در فرانسه پایین‌تر بود.

چاپمن^۴ و لاهار^۴ (۲۰۰۸) تفاوت‌های فرهنگی در الگوهای استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی

(به عبارت دیگر اهداف کاربران، الگوی عمومی معرفی خود و رفتارهای تعاملی عمومی) را از طریق مشاهده و مصاحبه‌های «اتنوگرافیک»^۵ در فرهنگ‌های مختلف (آمریکا، فرانسه، چین و کره شمالی) بررسی کردند. نتایج نشان داد که پاسخ‌دهندگان از آمریکا استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی را برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات فردی (برای مثال عکس‌ها، ویدیوها و موسیقی) ذکر کردند، در حالی که پاسخ‌دهندگان فرانسوی استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی را برای بحث در مورد علاقه‌ها و سرگرمی‌های خود، نه برای موضوعات فردی یا «داده‌های حساس» ذکر کردند.

کیم^۶ و همکارانش (۲۰۱۱) فهمیدند که الگوهای استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی به طور قابل توجهی در مورد دانش‌آموزان کره و آمریکا متفاوت است (به عبارت دیگر، تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان آمریکایی نسبت به هم‌تایان کره‌ای خود تقریباً به طور میانگین پنج برابر بیشتر بود). در پایان کاربینسکی^۷ و همکارانش (۲۰۱۳) تفاوت‌ها بین استفاده دانش‌آموزان آمریکا و اروپا از سایت‌های شبکه اجتماعی و عملکرد علمی آن‌ها را بررسی کردند و فهمیدند که ارتباط منفی میان استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی و عملکرد علمی آن‌ها وجود دارد. مطالعات اخیر که بحث بزرگی را ایجاد کردند، ارتباط منفی یا نبود ارتباط را میان استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی و عملکرد علمی نشان می‌دهند. در کنار تحقیقات ذکر شده، آی پک آزر^۸ و همکارانش (۲۰۱۴) تحقیقی با استفاده از گروه بزرگی از دانش‌آموزان در آمریکا و اروپا انجام دادند. در این تحقیق کیفی تلقی دانش‌آموزان از تأثیر سایت‌های شبکه اجتماعی روی عملکرد علمی‌شان بررسی شد. نتایج این تحقیق تفاوت در نگرش‌های دانش‌آموزان در آمریکا و اروپا را بیان می‌کند. اکثر دانش‌آموزان ادعا کردند که احساس می‌کنند، سایت‌های شبکه اجتماعی روی نمرات آن‌ها تأثیر ندارند. بسیاری از دانش‌آموزان اروپایی (۳۲ درصد) بیان کردند که از سایت‌های شبکه اجتماعی برای ارائه تکالیف مدرسه استفاده می‌کنند، در حالی که دانش‌آموزان آمریکایی دانش‌آموزان مسئول‌تری بودند (۳۱/۷ درصد از دانش‌آموزان).

در نمونه آمریکایی، اکثر افرادی که تأثیر مثبت سایت‌های شبکه اجتماعی را بیان کرده‌اند، گفته‌اند که از آن برای انجام کارهای مدرسه استفاده می‌کنند.

خطرات را تعیین می‌کرد. «انجمن بین‌المللی فناوری در تعلیم و تربیت» در تدوین استانداردهای فناوری آموزشی ملی روی مسئولیت مدیران و معلمان برای مدل‌سازی و اجرای روال‌های اجتماعی، قانونی و اخلاقی به منظور ترویج استفاده مسئولانه از فناوری متمرکز می‌شود. این استانداردها موضوعات حریم خصوصی، امنیت و ایمنی مرتبط با اینترنت و همچنین ایمنی محیطی، قوانین



کپی‌رایت و موضوعات حقوق مالکیت فکری را بررسی می‌کند [۱۷].

در سال ۲۰۱۶، تحقیقی توسط **کوپی‌کی**^{۱۱} و **تومزیک**^{۱۲} با هدف شناخت نوع داده‌های به اشتراک گذاشته شده توسط کاربران جوان اینترنت، شناخت حوزه‌های پرخطر در استفاده از رسانه‌های اجتماعی، شناخت عوامل تعیین‌کننده رفتارهای پرخطر مرتبط با اشتراک داده‌های شخصی فرد و تعیین

اکثر افرادی که تأثیر منفی را بیان کرده‌اند، گفته‌اند که سایت‌های شبکه اجتماعی باعث حواس‌پرتی می‌شوند. در نمونه اروپایی اکثر دانش‌آموزان ذکر کردند که دلیل تأثیر منفی به دلیل وقت‌گیر بودن است [۱۶].

امنیت یک نیاز اساسی برای هر فرد خواه به صورت بر خط یا غیر بر خط است. اصطلاح «ایمنی اینترنتی» گاه به عنوان «امنیت اینترنتی» نیز شناخته می‌شود که به حریم خصوصی، صداقت و کارایی فناوری اطلاعات و ارتباطات اشاره دارد. در مدرسه‌ها، مربیان در مورد هزینه‌ها و منافع استفاده دانش‌آموزان از اینترنت نگران هستند. دانش‌آموزان باید قادر باشند تجارب برخط خود را به گونه‌ای امن مدیریت کنند، بدانند که با اطلاعات ناخوشایند و نامناسب چگونه برخورد کنند و بدانند چه موقع باید از بزرگ‌ترها کمک بگیرند.

مطالعات بسیاری برای شناسایی خطرات ناشی از اینترنت انجام شده است. هنگامی که کودکان با افراد غریبه تعامل می‌کنند، با خطرات خاصی مواجه می‌شوند. در سال ۲۰۰۰ شش نوع از خطراتی که کودکان را در محیط مجازی تهدید می‌کند، توسط **آفتاب**^۹ فهرست شد: افشای اطلاعات نامناسب یا به طور بالقوه خطرناک، تعقیب شدن و سایر اشکال آزار و اذیت، افشای اطلاعات محرمانه و مهم، کلاهبرداری خرید آنلاین و اغفال شدن توسط شکارچیان مجازی که می‌خواهند کودکان را رو در رو ملاقات کنند. سازمان‌ها در انگلیس تاکنون چندین گزارش در مورد فناوری اطلاعات و ارتباطات با تأکید بر ایمنی اینترنتی ارائه کرده‌اند. برای مثال، «آژانس فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی انگلیس» فرمان «بازبینی روال‌های ایمنی اینترنتی در مدارس انگلیس» را صادر کرد و در مورد روال‌های فعلی در تدریس ایمنی اینترنتی در مدارس انگلستان گزارش داد. از میان نگرانی‌های ایمنی رشد یافته، دسترسی به موضوعات نامناسب تنها دلوپسی مهم معلمان بود. برای محافظت از شاگردان در برابر موضوعات نامناسب مدارس به سمت استفاده از تنظیمات فیلترینگ گرایش می‌یابند.

در اواخر سال ۱۹۹۹ دولت استرالیا پروژه «هشدار اینترنتی در مدرسه‌های امن»^{۱۰} را آغاز کرد که تلاش می‌کرد منابع ایمنی اینترنتی را برای مدارس ابتدایی و متوسطه فراهم کند. این پروژه جزوه‌هایی منتشر کرد که خطرات و راهبردهای به حداقل رساندن این

سطح آگاهی کاربران جوان اینترنت از خطرات ناشی از اشتراک داده‌های شخصی انجام شد. آنان در پایان براساس نتایج تحقیقات خود پیشنهادهایی به والدین و معلمان ارائه دادند [۱۸].

پژوهش و برنامه‌ریزی برای آموزش و استفاده از فناوری اطلاعات در مدارس

دانش‌آموزان قرن بیست‌ویکم نیاز دارند مطابق رویکردهای قرن بیست‌ویکم آموزش داده شوند. روش‌های جدید اقتصادی و اجتماعی در مواجهه با توسعه سریع فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده گسترده از آن‌ها در همه زمینه‌های زندگی نیازها و تغییرات جدیدی را در آموزش طلب می‌کند. طی چند دهه، رایانه‌ها از ابزارهایی مرموز به نمادی از نظام اجتماعی و پیشرفت آن تبدیل شدند. مهم‌ترین جزء آموزش معاصر، شکل‌گیری اولیه و توسعه شایستگی‌هایی است که فراهم‌کننده سطح بالایی از تحقق مسئولیت در یک محیط رقابتی نسبت به دانش عمیق فرد، هوشمندی، پویایی، انطباق‌پذیری، کارآفرینی و اطمینان به توانمندی‌های فردی در شخص است. فرد لایق قادر است دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها را با هم ترکیب کند و به کار بندد و از یادگیری قبلی خود (خواه به صورت رسمی یا غیررسمی کسب شده باشد) در موقعیت‌های جدید استفاده کند.

«شایستگی‌های کلیدی» به عنوان ترکیبی از دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها متناسب با موقعیت تعریف شده‌اند. شایستگی‌های کلیدی شایستگی‌هایی هستند که همه افراد برای کامل بودن و توسعه فردی، شهروند فعال بودن، شمول اجتماعی و استخدام نیاز دارند. چارچوب مرجع (Key، ۲۰۰۷، Key competences) هشت شایستگی کلیدی تعیین کرده است: ۱. ارتباط از طریق زبان مادری؛

۲. ارتباط از طریق زبان‌های خارجی؛
۳. خبرگی ریاضی و توانمندی‌های پایه در علوم فناوری؛

۴. صلاحیت دیجیتال؛
۵. یادگیری برای یاد گرفتن؛
۶. شایستگی‌های اجتماعی و مدنی؛
۷. حس ابتکار و کارآفرینی؛
۸. آگاهی فرهنگی و بیان.
به دلیل کاربردهای گسترده فناوری اطلاعات و

ارتباطات در همه فعالیت‌های انسانی، آموزش ICT و آموزش از طریق ICT به همه شایستگی‌ها فرصت می‌دهد درگیر شوند و توسعه یابند. معلمان باید خلاقیت و تلاش خود را برای توسعه مهارت‌های کلیدی دانش‌آموزان امروزه به کار گیرند. با استفاده از ICT، معلمان نه تنها می‌توانند شایستگی‌های کلیدی را شکل دهند، بلکه می‌توانند از اجزای فعالیت‌های ICT و بازی‌های آموزشی رایانه‌ای برای ارزیابی میزان کسب مجموعه صلاحیت‌هایی که اجزای شایستگی‌های کلیدی هستند، استفاده کنند [۱۹].

نتیجه‌گیری

با توجه به روند مطالعات پژوهشی اخیر در سطح دنیا، به نظر می‌رسد در کشور ما نیز باید مطالعات پژوهشی جدی در آموزش و پرورش و سایر نهادهای ذی‌ربط در خصوص نهادینه کردن اخلاق و فرهنگ استفاده از فناوری اطلاعات در کشور و نیز بحث امنیت و استفاده ایمن از اینترنت در مدرسه‌ها انجام شود. به این منظور بهتر است ابتدا فرهنگ، عادت‌ها و رفتار مردم به خصوص نسل کودک و نوجوان در استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و همچنین عوامل تعیین‌کننده رفتارهای پرخطر شناخته شوند. علاوه بر آن، با پررنگ شدن بحث «شبکه ملی اطلاعات» در کشور، بحث سامان‌دهی، تولید و ارائه محتوای آموزشی مناسب در سطح ملی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در حوزه استفاده از ابزار رایانه نیز پژوهش در حوزه محتوا و مشخصات فعالیت‌های مرتبط با سواد فناوری اطلاعات در سطح مدارس ابتدایی و راهنمایی، تعیین ساختار مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات مورد نیاز معلمان و توسعه مهارت‌های فناوری اطلاعات در محیط آموزشی مدارس باید مورد توجه قرار گیرد. امروزه ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت بسیاری از مدرسه‌ها (دولتی یا خصوصی) قرار گرفته، اما آموزش و پرورش نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه برای بهره‌گیری از این ابزار به منظور دستیابی به اهداف تعیین شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. همان‌گونه که روند تحقیقات در دنیا نشان می‌دهد، استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند به افزایش کیفیت آموزش و پرورش مهارت‌های کلیدی دانش‌آموزان منجر می‌شود.

* پی‌نوشت‌ها

1. Information and communications Technology
2. Vasalov
3. chapman
4. Lahar
5. Ethnographic
6. kim
7. Karpinski
8. Ipekozer
9. Aftab
10. Netaalert CyberSafe Schools
11. Kopecky
12. Tomczyk

گفت‌وگو با مهندس عباس فروزان،
فارغ‌التحصیل موفق هنرستان و هنرآموز
هنرستان فنی و حرفه‌ای امام خمینی (ره) گرمسار

اشاره

«واحد استارت موتور» دستگاهی ابتکاری و جدید است که برای اولین بار در کشور با کاربری آموزشی توسط مهندس عباس فروزان، سرگروه آموزشی مکانیک خودرو اداره کل آموزش و پرورش استان سمنان و هنرآموز «هنرستان فنی و حرفه‌ای امام خمینی» و «هنرستان کار دانش امام علی (ع)» گرمسار طراحی و ساخته شده است.

این دستگاه با در برداشتن رادیاتور، فن رادیاتور، صفحه نشانگر، ECU، باک سوخت، باتری، دسته سیم و چند سنسور، به سهولت به موتور متصل می‌شود و موتور را روشن می‌کند. با مهندس فروزان گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه مشروح آن را به مخاطبان گران قدر «رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش» تقدیم می‌کنیم.

طراح و سازنده واحد استارت موتور در یک نگاه

مهندس عباس فروزان در سال ۱۳۴۸ در گرمسار متولد شده است. او پس از گذراندن دوره‌های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی، وارد هنرستان فنی و حرفه‌ای امام خمینی (ره) شد و به‌عنوان هنرجو در این هنرستان ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ مدرک دیپلم فنی در رشته اتومکانیک نظام قدیم شد.

تولید واحد استارت موتور برای اولین بار در کشور

مهندس فروزان در دانشگاه مازندران در رشته مکانیک ادامه تحصیل داد و مدرک کارشناسی خود را در این رشته اخذ کرد. او سپس مشغول تدریس در «هنرستان حاج جاسم بوشهر» در رشته مکانیک موتورهای دریایی شد. پس از دو سال تدریس در این شهر، به زادگاه خویش گرمسار برگشت و به‌عنوان هنرآموز در هنرستانی که خودش در آنجا تحصیل کرده بود، مشغول تدریس شد.



پژو به کارگاه‌های هنرستان‌ها، نیاز به واحد استارت موتور به شدت احساس می‌شد. زیرا سیم‌کشی و تجهیزات برقی این موتور بسیار زیاد بود و طبعاً هزینه زیادی دربرداشت. به همین دلیل، در جلسه سرگروه‌های مکانیک کشور که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ در همدان برگزار شد، ایده این سیستم را با همکاران در میان گذاشتیم. در آنجا، آقای دکتر حسینی مقدم، مدیرکل فنی‌وحرفه‌ای، و آقای مهندس محمدی، مدیریت محترم هنرستان ما این طرح را مفید دانستند و هنرستان از نظر مالی آن را حمایت کرد. در نتیجه یک نمونه از واحد استارت موتور را طراحی کردیم و ساختیم.

پس از تولید این دستگاه، آقای دکتر حسینی را در جریان کار قرار دادیم و ایشان هم آقایان مهندس مددی و بیات، کارشناسان فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش را برای آزمایش دستگاه به گرمسار فرستاد. آن‌ها دستگاه را آزمایش کردند و به تهران برگشتند. در ادامه کار، از دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی برای این دستگاه درخواست صدور اعتبارنامه کردیم. دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی از ما خواست که دستگاه را برای آزمایش و صدور اعتبارنامه به تهران بیاوریم. ما هم دستگاه را به تهران آوردیم و دستگاه در «هنرستان بعثت» تهران توسط مهندس بهادران آزمایش شد و اعتبارنامه آن از طرف دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی صادر شد.

● این دستگاه را در جشنواره‌های علمی مطرح کرده‌اید؟



مهندس فروزان هم‌اکنون با ۲۵ سال سابقه آموزشی در آموزش و پرورش کشور، به‌عنوان سرگروه آموزشی مکانیک خودرو آموزش و پرورش استان سمنان و هنرآموز هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای امام خمینی (ره) و کاردانش امام علی (ع) گرمسار مشغول به کار است.

● آقای فروزان! خوش حال می‌شویم که ابتدا دستگاهی را که طراحی کرده و ساخته‌اید، معرفی کنید.

○ واحد استارت موتور دستگاهی ابتکاری و جدید است که برای اولین بار در کشور با کاربری آموزشی طراحی و ساخته شده است. این دستگاه با داشتن رادیاتور، فن رادیاتور، صفحه نشانگر، ECU، باک سوخت، باتری، دسته سیم و برخی از سنسورها به سهولت به موتور متصل می‌شود و موتور را روشن می‌کند. باید اضافه کنم، استفاده از این دستگاه، علاوه بر تسریع در امر آموزش، ارتقای سطح آموزشی و صرفه اقتصادی را نیز در پی دارد.

● مشخصات فنی واحد استارت موتور چیست؟

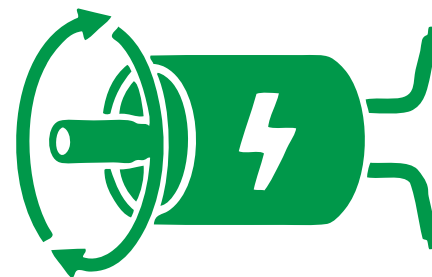
○ واحد استارت موتور دارای مشخصات فنی زیر است:
- باک سوخت ایمن؛
- شیر قطع سوخت؛
- نشانگر کلیه پارامترهای موتور؛
- قابلیت روشن کردن انواع موتورها؛
- قابلیت اتصال به دستگاه دیاگ و عیب‌یابی کامل موتور؛

- سیستم خنک‌کاری کامل با دو فن دو دور؛
- حفاظ ایمن دو طرفه؛
- قیمت مناسب به‌دلیل تولید دستگاه در هنرستان و حذف هزینه‌های سربار.

● براساس چه ضرورت‌ها و نیازی، دست به طراحی و تولید واحد استارت موتور زدید؟

○ کتاب‌های درسی ما مباحثی دارند که یکی از آن‌ها در گذشته آموزش پیکان بود. در سال‌های اخیر، برخی سرفصل‌های کتاب‌های درسی تغییر کرده‌اند. یکی از این سرفصل‌ها پیکان بود که حالا تغییر کرده و «پژو» یا «موتور ملی» شده است. روشن کردن موتور پیکان به علت کم بودن تجهیزات برقی و سیم‌کشی بسیار ساده آن، به راحتی در کارگاه‌ها انجام می‌شد. اما با ورود موتور

واحد استارت موتور برای اولین بار در کشور با کاربری آموزشی توسط مهندس عباس فروزان، هنرآموز هنرستان‌های گرمسار، طراحی و تولید شده است



واحد استارت موتور توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی آزمایش شده و برای آن اعتبارنامه صادر شده است

○ بله. در جشنواره پارک علم و فناوری استان سمنان شرکت کردیم و در بخش دانشجویان، منتخب جشنواره شدیم.

● تاکنون چه تعدادی از واحد استارت موتور تولید کرده و فروخته‌اید؟

○ ما تاکنون هفت دستگاه تولید کرده‌ایم و آماده فروش این دستگاه به هنرستان‌های سراسر کشور هستیم.

● علاوه بر مزایای فنی، این دستگاه از چه مزایای دیگری برخوردار است؟

○ از نظر اقتصادی باعث صرفه‌جویی بسیار زیادی می‌شود. به علاوه سطح آموزش رشته مکانیک خودرو در هنرستان‌ها را ارتقا می‌دهد.

● قیمت آن چقدر است؟

○ ما این دستگاه را به قیمت سه میلیون و هشتصد هزار تومان می‌فروشیم. طبق تبصره ۷۵، ما اجازه داریم که این دستگاه را تولید کنیم و بفروشیم.

● چه کسانی در تولید این دستگاه، شما را یاری کردند و مورد حمایت قرار دادند؟

○ مدیر و معاونان هنرستان، مدیر محترم اداره آموزش و پرورش گرمسار، همکاران گران‌قدرم در هنرستان و هنجویان عزیز هنرستان، حتی برخی از همکاران و هنجویان روزهای پنجشنبه و جمعه می‌آمدند و به من کمک می‌کردند تا این دستگاه



تولید شود.

از نظر مالی، آقای قائمی، مدیر محترم اداره آموزش و پرورش گرمسار و مهندس محمدی، رئیس محترم هنرستان ما را از نظر مالی واقعاً حمایت کردند که جا دارد در اینجا از همه این عزیزان تشکر کنم.

● در تولید این دستگاه با چه مشکلاتی روبه‌رو بوده و هستید؟

○ اولین مشکل من این است که هیچ چشم‌انداز روشنی در مسیر تولید این دستگاه ندارم و مسیر آن مانند همه کارهای جدید، به‌خصوص در زمینه‌های مالی، مشخص نیست و حتی تاریک است. برای نمونه، الان قزوین از ما تقاضای خرید این دستگاه را دارد، ولی امور مالی قزوین، فاکتور هنرستان ما را نمی‌پذیرد و می‌گوید باید کد اقتصادی داشته باشید. هنرستان ما کد اقتصادی ندارد.

مشکل دوم این است که تکلیف توزیع درآمد حاصل از فروش این دستگاه روشن نیست. یعنی ما نمی‌دانیم که چه درصدی از درآمد آن باید به هنرستان برسد و چه درصدی باید به نیروی انسانی فعال در تولید دستگاه اختصاص یابد. اگرچه تبصره ۷۵ در این رابطه راهکار ارائه کرده است، ولی دستورالعمل‌ها شفاف نیست و باید روشن‌تر شود. ما در این زمینه نیازمند همکاری بیشتر وزارتخانه هستیم.

وقتی من هنرآموز می‌کوشم که نیازهای اساسی هنرستان را خودمان تأمین کنیم و آموزش و پرورش را در این زمینه‌ها به خودکفایی برسانیم و از سوی دیگر این تولیدات سبب ارتقای سطح کیفی آموزش هنجویان می‌شود و از بیرون رفتن بودجه آموزش و پرورش به خارج نظام جلوگیری می‌کند و تولیدات هم مورد تأیید آموزش و پرورش است، دیگر دلیلی ندارد که آموزش و پرورش کشور بخواهد این دستگاه‌ها را از بیرون خریداری کند. وزارتخانه باید همه دستگاه‌ها و واحدهای تابعه خود را به خرید این دستگاه‌ها تشویق کند.

مشکل دیگر این است که گرچه از سوی وزارتخانه بخشنامه شده است که کل تجهیزات خریداری شده توسط واحدهای آموزش و پرورش باید اعتبارنامه داشته باشند، اما بخشی از تجهیزاتی که در حال حاضر توسط هنرستان‌ها خریداری می‌شود، دارای اعتبارنامه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نیست و این دفتر هم مانعتی در جهت جلوگیری از این امر به عمل نمی‌آورد.

تولید این دستگاه باعث صرفه‌جویی بسیار زیاد و ارتقای سطح کیفی آموزش رشته مکانیک خودرو در هنرستان‌ها می‌شود



مهم‌ترین مشکل من این است که چشم‌انداز روشنی در مسیر تولید این دستگاه ندارم

مدیریت یادگیری در کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای

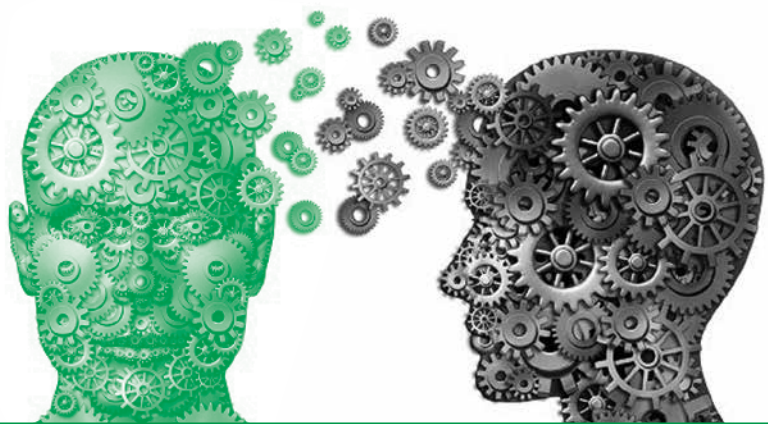
پارهای از موارد نیز از لحاظ انضباطی موارد خاصی بین آن‌ها در مقایسه با دیگران وجود دارد. از سوی دیگر، هنرجویان در درس‌های تخصصی خود با یک هنرآموز خاص در تمام طول روز در کارگاه با یک واحد درسی مشخص حضور دارند که این زمان طولانی باعث کاهش نشاط اولیه می‌شود و روی مقوله یادگیری تأثیر منفی می‌گذارد. یکی دیگر از مشکلات مکان هنرستان‌های موجود است که غالباً مخصوص فعالیت‌های کارگاهی طراحی نشده‌اند. در این مقاله ما به صورت تحلیلی و توصیفی به فرایند یادگیری پرداخته و عوامل مؤثر در آن را مشخص کرده‌ایم. در ادامه نیز به ارائه راهکارهایی در زمینه پاسخ‌گویی به مسائل یاد شده خواهیم پرداخت.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات با مطالعات کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع اصلی و منابع ترجمه صورت گرفته است. قسمتی از اطلاعات هم به صورت میدانی و با تحلیل نمونه‌های موردی جمع‌آوری شده است.

بیان مسئله

چگونه می‌توانیم یک محیط یادگیری امن، مؤثر، محرک، پراکنده و شاداب داشته باشیم؟ و چگونه باید با طرز برخورد و رفتار متفاوتی که در دانش‌آموزان نوجوان وجود دارد، روبه‌رو شویم و آن‌ها را در یک چارچوب مشخص یادگیری مؤثر قرار دهیم؟ یا به عبارت دیگر، مبنای روبه‌رو شدن با مسائل چیست و مدیریت یادگیری شامل چه مواردی می‌شود؟ از سوی دیگر در هنرستان‌ها ما با دو حیطه کاملاً مجزای آموزشی روبه‌رو هستیم که این موضوع بر پیچیدگی این روند می‌افزاید (شکل ۱).



اشاره

ارتباط بین یاددهی و یادگیری غیرقابل انکار است. این دو فرایند قابل جداسازی نیستند و مکمل یکدیگرند. سنجش و ارزیابی هم برای مشخص کردن میزان موفقیت آن‌هاست. در سال‌های اخیر آموزش منجر به یادگیری اهمیت زیادی پیدا کرده و به‌ویژه در محیط هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای که هدف آن‌ها تربیت تکنیسین است، بی‌توجهی به آن پیامدهای ناخوشایندی در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای جامعه خواهد داشت. هدف اصلی و نهایی ساختارهای آموزشی، یادگیری مؤثر است و از وظایف اصلی هنرآموز فراهم آوردن محیط مناسب برای اطمینان از این روند است. از این رو آشنایی با تجربیات دیگران در زمینه یادگیری می‌تواند مفید باشد. در این مقاله، بعد از شناسایی عوامل مؤثر در یادگیری و مرور نظریات، به شرح هریک از عوامل شناسایی شده می‌پردازیم و در نهایت راهکارهایی در این زمینه ارائه می‌دهیم.

کلیدواژه‌ها:

هنرستان فنی و حرفه‌ای، کارگاه آموزشی، هنرجو، آموزش، یادگیری مؤثر

مقدمه

مدیریت یادگیری در هنرستان‌ها با چالش‌های جدی روبه‌روست و به رویکرد متفاوتی، به دلیل داشتن ابعاد گوناگون، نیاز دارد. در اینجا ما با دو حیطه کاملاً مجزا روبه‌رو هستیم: در مرحله اول آموزش‌های تئوری و در مرحله دوم استفاده از این آموزش‌ها برای اجرای فعالیت عملی. مسئله بعدی این است که هنرجویان به صورت معمول از لحاظ بنیه علمی مقداری از دانش‌آموزان دبیرستان ضعیف‌تر هستند. در

ارائه کنترل شده مباحث اهمیت زیادی دارد. در مورد وجود دانش آموزان خاص در کلاس که ظرفیت ایجاد خطر برای سلامتی دیگران را دارند، باید آگاه باشیم و به وسیله اطلاعات و دانشی که داریم، از ایجاد این گونه مشکلات جلوگیری کنیم. رفتار ما باید به گونه‌ای باشد که نه تنها این موارد را تشدید نکند، بلکه تا حد امکان آن‌ها را کاهش دهد و کنترل کند. در اینجا مسئله تعامل با کادر اداری مدرسه برای داشتن سابقه مختصر از هر هنرجو، اعم از انضباطی، آموزشی و خانوادگی، می‌تواند مؤثر باشد.

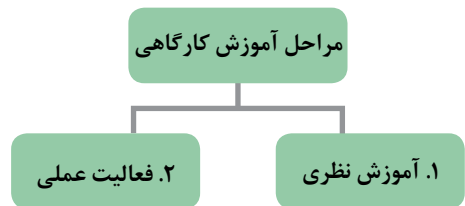
مدیریت فضای فیزیکی کارگاه و نقش آن در یادگیری

مکان آموزش یا کارگاه از نقطه نظر یادگیری اهمیت زیادی دارد. ما امکان تغییر فیزیکی در فضاهای موجود را نداریم، ولی می‌توانیم با انجام پاره‌ای از اصلاحات بدون هزینه، بهینه‌سازی مناسبی برای این فضاها انجام دهیم. مثل طبقه چیدمان تجهیزات شامل میزها و صندلی‌ها و سایر تجهیزات لازم و سامان‌دهی سیم‌ها و تجهیزات شبکه در کارگاه که متضمن فضای کافی برای رفت‌وآمد و ایمنی باشد. از سوی دیگر، زیر نظر گرفتن با دقت مواد، تجهیزات، ابزار و مبللمان مورد استفاده در کارگاه برای انجام فعالیت‌های عملی می‌تواند مفید باشد. برای طبقه‌بندی ابزار و تجهیزات به دو دسته با حساسیت کم و حساسیت بالا براساس ایجاد خطراتی است که می‌تواند برای ما و یا به وسیله استفاده‌کننده ایجاد شود، فهرستی از آن‌ها تهیه کنید. بدین وسیله شما می‌توانید بررسی‌های ایمنی خود را سامان‌دهی کنید و از هدر رفتن وقت برای بررسی جزئیات موارد و ابزاری که دارای اهمیت بالایی نیستند، جلوگیری کنید. وسایل و ابزاری را که در این طبقه‌بندی با حساسیت بالا قرار می‌گیرند، هنگام تحویل دادن و تحویل گرفتن بیشتر مورد توجه قرار دهید. در صورت مهیا نبودن شرایط آسایش فیزیکی که شامل گرمایش، سرمایش، وجود نور کافی و تهویه است، فرایند آموزش امکان‌پذیر نیست. موردی که اصولاً به‌طور کلی نادیده قرار گرفته می‌شود، تهویه است. بدون داشتن تهویه مناسب عملکرد هنرجویان کاهش و میزان خستگی و آهستگی در انجام فعالیت افزایش می‌یابد.

به‌عنوان یک راه‌حل مقطعی و زود بازده، باز گذاشتن پنجره‌ها مناسب است که ترجیح دارد چند مرتبه در هر روز و برای دقایقی، حتی در زمستان‌ها انجام گیرد، به‌ویژه در کارگاه که مدت زمان زیادی به‌وسیله افرادی مشخص مورد استفاده می‌گیرد. بهترین زمان انجام این کار نیز زنگ تفریح است. در غیر این صورت محیط کارگاه می‌تواند در ادامه به‌صورت فرسایشی، به محیطی گرفته و ناخوشایند تبدیل شود. محیط مؤثر یادگیری که در آن فرصت‌های یادگیری به حداکثر می‌رسند، محیطی است که در آن آسایش فیزیکی و جسمانی دانش‌آموز نیز مورد توجه باشد. زیرا اگر دانش‌آموزان شما خسته، سرمازده، بی‌حال و خلاصه فاقد آسایش فیزیکی باشند، میزان یادگیری به شدت افت می‌کند.

رعایت الزامات مؤثر در یادگیری

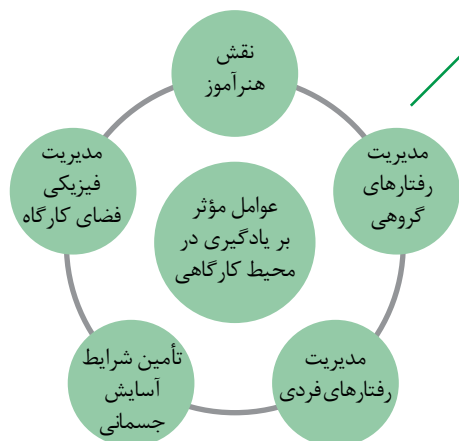
الزامات دیگری نیز در این فرایند وجود دارند. یکی



شکل ۱. مراحل آموزش کارگاهی

بررسی عوامل مؤثر بر یادگیری

از سوی دیگر، عواملی هم بر روند یادگیری مؤثرند؛ عواملی که کارکرد درست و فرایند مناسب هر یک از آن‌ها مانند یک چرخه روی دیگری و در نهایت روی روند یادگیری تأثیر می‌گذارد و عملکرد درست هر یک می‌تواند ضامن اجرای یادگیری مناسب باشد. در ادامه به بررسی تأثیر هر یک از موارد اشاره شده می‌پردازیم (شکل ۲).



شکل ۲. عوامل مؤثر بر یادگیری کارگاهی

نقش هنرآموز در فرایند یادگیری مؤثر

معلم تنها شخصی است که باید محیط کلاس درس و کارگاه را از نظر آموزشی، انضباطی و سایر موارد مدیریت کند و این نقش اهمیت زیادی دارد. ما نباید نقشی به‌عنوان حاکم مطلق برای معلم تعریف کنیم و او را به‌عنوان کسی که آزادی تفکر منطقی را از دانش‌آموز می‌گیرد و او را به‌طور کامل تحت‌الشعاع دانش و معلومات خود قرار می‌دهد و نقش متکلم وحده را دارد، در نظر بگیریم. بلکه بیشتر باید نقش خودمان را در زمینه به عهده گرفتن مسئولیت اداره کلاس و هدایتگر بودن پررنگ کنیم. جلسات بحث را در چارچوب مطالب مورد نظر آموزشی اداره کنیم و روند یادگیری را به‌صورت منطقی و همراه با مشارکت دانش‌آموزان و ایجاد انگیزش هدایت کنیم.

آموزش

فنی و حرفه‌ای به‌طور

کلی شامل سه جنبه

مادی (محتوایی)،

صوری (روش) و

اخلاقی (ارزشی)

است. بر این اساس

سه اصل آموزشی

استنتاج می‌شود که

عبارت‌اند از: اصل

کسب تخصص، اصل

پرورش قوا و اصل

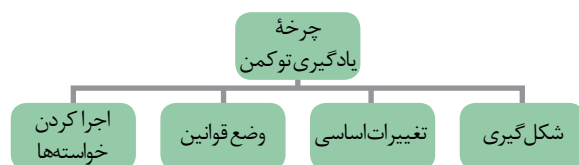
رشد شخصیت

یادگیری خود واکنش نشان می‌دهند، به صورت مداوم شکل خود را تغییر می‌دهد. از این‌روست که رفتار گروه متغیر و غیر قابل پیش‌بینی است. رفتار آن‌ها متشکل از شبکه پیچیده‌ای از تعاملات با محیط و تجربه‌های شخصی گوناگون و صفات شخصیتی متفاوت است.

برای درک بهتر فرهنگ گروه‌های هنجریان و مؤثرتر بودن فرایند یادگیری، به تشخیص و شناسایی مراحل چرخه یادگیری نیاز است. یکی از نظریات قابل تأمل در مورد مراحل توسعه و شکل‌گیری گروه در طول چندین دهه مورد بحث و بازبینی بسیاری قرار گرفته، نظریه «توکمن»^۱ است (شکل ۳).

در مرحله شکل‌گیری، اعضا با یک هدف مشخص کنار هم جمع شده‌اند و خواهان تعامل هستند. این مرحله به وضوح در ابتدای سال تحصیلی که هنجریان با انگیزه در کارگاه حضور می‌یابند، قابل مشاهده است. در مرحله تغییرات اساسی باید اهداف آموزشی برای هنجریان به صورت انفرادی و گروهی مشخص شود و به گونه‌ای این مرحله انجام شود که اهداف مدنظر شما به اهداف انفرادی هر یک از هنجریان تبدیل شود. در نهایت، افراد گروه به تیمی با کار گروهی تبدیل می‌شوند.

براساس نظرات توکمن، این واقعیت به آن‌ها گفته شود که به عنوان یک تیم در راه رسیدن به اهداف یادگیری فراز و نشیب‌هایی را تا زمان رسیدن به مرحله ارزشیابی و در روند یادگیری تجربه خواهند کرد. در تمام مدت این مرحله، با مسائل مشکل‌زا



شکل ۳. مراحل توسعه و شکل‌گیری یک گروه آموزشی از نظر توکمن

مانند درگیری‌های شخصی، اظهار ناراضی از حضور دیگران در گروه، نگرانی در مورد دستیابی به اهداف و یا میزان کاری که باید در راستای رسیدن به آن انجام شود، روبه‌رو می‌شویم. از این‌رو به حداقل رساندن مشکلات، ارائه اطمینان مجدد در مورد اهداف و در بعضی موارد، وارد بحث‌های چالشی، باز و صادقانه شدن با دانش‌آموزان ضرورت دارد. باید به آن‌ها اجازه و فضا داده شود تا شکایات

از این موارد آن است که ما چگونه کارگاه را به مکانی تبدیل کنیم که در آن حد و مرزها بین هنجرو با هنجرو و هنجرو با هنجرو کاملاً مشخص باشد. ما باید بتوانیم این احساس را در هنجریان ایجاد کنیم که هنجرو به عنوان یک ناظر کاملاً بی‌طرف روی کار هنجریان قضاوت می‌کند. او سعی دارد امکان استفاده از فرصت‌های برابر را برای همه هنجریان ایجاد کند. اگر کسی دارای ضعف در قسمتی از فعالیت است، با سرزنش و نکاتی از این دست از سوی هنجریان و هنجرو روبه‌رو نمی‌شود، بلکه از حمایت و پشتیبانی آن‌ها در انجام مجدد فعالیت تا دستیابی به نتیجه مطلوب برخوردار خواهد بود. این مشخصه تعهد در هنجریان را تقویت می‌کند. انجام فعالیت در چنین محیط کارگاهی احساس مثبتی در آن‌ها به وجود می‌آورد. یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه «پیمان یادگیری» است. پیمان یادگیری شامل مجموعه‌ای از قوانین است که از سوی هنجریان طی فرایند یادگیری باید رعایت شود. مشخص کردن خواسته‌ها و انتظارات هنجرو از هنجریان و برعکس در کارگاه، بر روند یادگیری مؤثر است. کارگاه ذاتاً محیط فعال و پویایی است و از این‌رو انعطاف‌پذیری معقول در مورد قوانین کارگاهی این احساس را در فراگیرندگان به وجود می‌آورد که می‌توانند به صورت آزاد مسائلی را که مورد توجه و نگرانی آن‌ها در سراسر روند ارزشیابی و سایر موارد است، اعلام کنند. آن‌ها باید بدانند که موضوع ارزشیابی به دقت مورد توجه هنجرو قرار می‌گیرد و امکان ندارد که هیچ نکته‌ای در این میان نادیده گرفته شود و بدون اثرگذاری فراموش شود.

مدیریت رفتارهای فردی و گروهی در فرایند یادگیری مؤثر

یکی از جنبه‌های مدیریت یادگیری برخورد مناسب با گوناگونی ویژگی‌های رفتاری است که هنجریان از خود نشان می‌دهند. هر گروه هنجریان یک فرهنگ منحصر به فرد برای خود به وجود می‌آورند. فرهنگ گروه مخلوق تعامل، تقابل و هم‌بستگی میان اعضای گروه و اعتقادات، احساسات، جهت‌گیری‌ها، شخصیت و تجربیات زندگی آن‌هاست که با خود به درون گروه منتقل می‌کنند. گروه ماهیتی ساکن و ایستا ندارد و می‌تواند براساس شیوه‌ای که هر کدام از اعضا به محیط

**غالباً بنیۀ علمی
ضعیف هنجریان
روند یادگیری را
با مشکل روبه‌رو
می‌کند**

برنامه‌ریزی مناسب و داشتن طرح درس مناسب برای هر جلسه کارگاهی، می‌تواند بر تحقق یادگیری مؤثر تأثیر بگذارد

بعضی از نقش‌ها برای کارکرد مناسب گروه خوب هستند. برای مثال، گاه وجود یک فرد شوخ‌طبع داخل گروه مفید است، اما کنترل این نقش‌ها و در بعضی مواقع فرصت دادن به آن‌ها برای ایجاد نشاط و شادابی در گروه لازم است. به‌طور کلی باید سعی کنیم تا جای ممکن احساس نارضایتی موجود در هنرجویان را کاهش دهیم و جای آن را با حس خشنودی از حضور در گروه عوض کنیم.

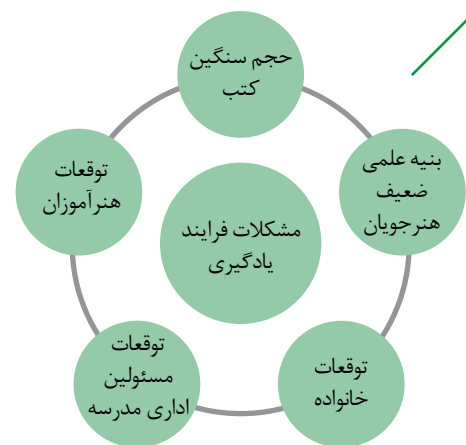
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آموزش فنی و حرفه‌ای به‌طور کلی شامل سه جنبه مادی (محتوایی)، صوری (روشی) و اخلاقی (ارزشی) است. بر این اساس سه اصل آموزشی استنتاج می‌شود که عبارت‌اند از: اصل کسب تخصص، اصل پرورش قوا و اصل رشد شخصیت. باید به این سه اصل که در برگیرنده هر سه جنبه مادی، صوری و اخلاقی نیز هستند، توجه و عنایت جدی داشته باشیم (میرلوحی، ۱۳۸۸). در کارگاه‌ها ما با دو حیطه کاملاً مجزا روبه‌رو هستیم: در وهله اول آموزش‌های تئوری و در مرحله دوم استفاده از این آموزش‌ها برای اجرای فعالیت عملی و کارگاهی. غالباً بنیه علمی ضعیف هنرجویان، حجم زیاد بعضی از کتاب‌ها، توقعات هنرآموزان و مسئولان مدرسه و خانواده‌ها، و بعضاً وجود تعداد بیشتر دانش‌آموزان دارای مشکلات انضباطی نسبت به محیط دبیرستان‌ها، روند یادگیری را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

از این‌رو عوامل یادگیری مؤثر که باید مورد توجه قرار گیرند عبارت‌اند از:

۱. نقش هنرآموز در فرایند یادگیری مؤثر؛
 ۲. مدیریت فضای فیزیکی کارگاه و نقش آن در یادگیری؛
 ۳. تأمین شرایط آسایش فیزیکی؛
 ۴. مدیریت رفتارهای فردی در فرایند یادگیری؛
 ۵. مدیریت رفتارهای گروهی در فرایند یادگیری.
- تمام عوامل سهیم در یادگیری مؤثر که در بالا فهرست شده‌اند، به یکدیگر وابسته‌اند و روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در کنار این عوامل، مواردی مانند برنامه‌ریزی مناسب و داشتن طرح درس مناسب برای هر جلسه کارگاهی، می‌تواند بر تحقق یادگیری مؤثر تأثیر بگذارد. مدیریت مؤثر یادگیری در کلاس حول محور برنامه‌ریزی مناسب می‌چرخد و ایجاد ارتباط بین این موارد و مدیریت آن‌ها می‌تواند به یادگیری مؤثر در کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای منجر شود.

و اعتراضات خود را بیان کنند و سپس یک برنامه کاری برای بهبود شرایط گذاشته شود. از سوی دیگر، در این مرحله هنرجو از چند جهت تحت فشار است: اول توقعات همکاران است که حتی با اینکه آن‌ها را به حداقل رسانده‌اند، همچنان پاسخی از سوی دانش‌آموزان نمی‌بینند. موارد دیگر توقعات و انتظارات خانواده و مسئولین و حجم سنگین کتاب‌های مدرسه است (شکل ۴).



شکل ۴. مشکلات فرایند یادگیری در مرحله تغییرات اساسی

بعضی از افراد گروه متمایل به نادیده گرفتن قوانین گروه دارند. به‌نظر می‌رسد که آن‌ها در کلاس‌های قبلی این قوانین را نادیده گرفته‌اند، اما برخورد مناسبی با آن‌ها صورت نگرفته است و لذا بر حسب عادت قبلی به تکرار نادیده گرفتن قوانین می‌پردازند. از سوی دیگر، براساس مقتضای سنی، مواردی مثل اینکه چطور در چشم دیگران به‌نظر می‌رسند و نیز نیازهای عاطفی و معنوی و فشارهای درسی و غیردرسی، به چنین رفتارهایی دست می‌زنند. رفتار هنرجویان در گروه، به‌صورت ناخودآگاه برای آن‌ها نقش‌هایی را در نگاه سایرین به‌وجود می‌آورد. براساس تجربیات و مشاهدات، معمولاً تعدادی از هنرجویان ممکن است گمنامی را ترجیح دهند و بعضی دیگر میل دارند که نقش رهبری در گروه را بپذیرند. نقش‌های دیگری هم وجود دارند؛ مثل آرام، پرخاشگر، عامل حواس‌پرتی، شوخ‌طبع، فداکار و افرادی که سعی می‌کنند تمام این نقش‌ها را هم‌زمان بپذیرند.

* پی‌نوشت

1. Tuckman

* منابع

۱. میرلوحی، سیدحسین (۱۳۸۸) «اصول آموزش در مدارس فنی و حرفه‌ای». فصل‌نامه رشد فنی و حرفه‌ای. دوره پنجم، شماره ۱.
۲. نصرآبادی، آمنه (۱۳۹۲)؛ «تحلیلی بر مؤلفه‌های زیباشناختی در معماری فضاهای آموزشی با توجه به رویکرد اسلامی». فصل‌نامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی. شماره ۱۷.
3. Ainley, P. (1993) Class and Skill: Changing Divisions of Knowledge - and Labour. London: Cassell.
4. Ainscow, M. and Tweddle, D. (1998) Preventing Classroom Failure. London: David Fulton Publishers Ltd.
5. Alexander, T. (1997) Family Learning: Foundation of Effective Learning. London: Demos.
6. Bruce W. Tuckman (1965) Developmental Sequence in Small Groups: American Psychological Association, Volume 63, Number 6, Pages 384-99.

هدایت تحصیلی دانش‌آموزان چگونه انجام می‌شود؟

رسیدیم و با ایشان در این باره گفت‌وگو کردیم. ضمن تشکر از ایشان که در این روزهای پرکار و واقعاً شلوغ از لحاظ کاری، محبت کردند و وقت خود را در اختیار ما گذاشتند، توجه شما را به این گفت‌وگو جلب می‌کنیم.

● با توجه به تحولات جدیدی که در ساختار آموزش و پرورش صورت گرفته است، هدایت تحصیلی از چه جایگاهی برخوردار است؟

اولین تغییری که اتفاق افتاده، تغییر در ساختار نظام آموزشی است. با توجه به تغییر در ساختار و تبدیل آن به ۳-۶ و ۹ پایه شدن دوره آموزش عمومی و اینکه مطابق برنامه درسی ملی دانش‌آموزان باید در پایان پایه نهم شاخه و رشته تحصیلی خودشان را تعیین کنند، اولین تغییر این است که هدایت تحصیلی از دوره دوم متوسطه به دوره اول متوسطه منتقل شده است. در گذشته، در پایه اول دوره دوم متوسطه، یک پایه مشترک بین تمام دانش‌آموزان بود. وقتی دانش‌آموزان این پایه را می‌گذراندند، برای ورود به پایه دوم، هدایت تحصیلی انجام می‌شد. یعنی هدایت تحصیلی در خود دوره دوم متوسطه اتفاق می‌افتاد. اما الان با این اتفاق، هدایت تحصیلی یک امر مشترک شده است بین دوره اول متوسطه و دوره دوم. اصل کار هدایت تحصیلی شامل انجام آزمون‌های استعداد و علاقه، و همچنین امتیازات مربوط به دانش‌آموز، اولیا و معلم است که ۶۵ امتیاز را در برمی‌گیرد و ۳۵ امتیاز نیز به عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مربوط است.

از سال تحصیلی ۹۵-۹۴، با استقرار پایه نهم و تخصیص مشاور به دوره اول متوسطه، کار هدایت تحصیلی به این دوره منتقل شد. این موضوع هم از بعد از سال ۷۲ که تغییر نظام آموزشی اتفاق افتاد و هدایت تحصیلی به دوره دوم رفت، مجدداً در حال برگشت است. لذا یکی از مسائل مهم پیش روی هدایت تحصیلی این است که همکاران ما در دوره اول متوسطه، اولیای محترم و دانش‌آموزان عزیز باید با هدایت تحصیلی آشنا

پای صحبت مهندس
علی زرافشان،
معاون آموزش
متوسطه وزارت
آموزش و پرورش



اشاره

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش موجب تحولاتی در ساختار آموزش و پرورش کشورمان شده است.

بدون شک، یکی از این تغییر و تحولات، موضوع هدایت تحصیلی دانش‌آموزان براساس شرایط نوین است.

به منظور آگاهی از جایگاه هدایت تحصیلی در نظام نوین آموزش و پرورش کشور، خدمت آقای مهندس علی زرافشان، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش،

و نسبت به آن توجیه شوند و کمک کنند که این امر به شکل صحیح اتفاق بیفتد. این نکته بسیار مهمی است. به همین جهت در مجموعه برنامه‌هایی که امسال برای آموزش و پرورش در دوره اول داشتیم، بحث توجه ویژه به درس کار و فناوری مطرح است؛ چون می‌تواند به هدایت تحصیلی بچه‌ها کمک کند. درس هنر نیز با رویکرد آشنایی با رشته‌های هنری تنظیم شده است. پودمان آخر درس کار و فناوری نیز که یکی آشنایی با رشته‌های شغلی است و یکی هم پروژه انتخاب رشته تحصیلی و ما به خصوص بر آن‌ها تأکید کرده‌ایم. علاوه بر آن، امسال پروژه‌ای با عنوان آشنایی با هنرستان‌ها داشتیم که در اکثر استان‌ها تحت عنوان «یک روز با هنرستان‌ها» این کار را انجام دادند. به این ترتیب که دانش‌آموزان پایه نهم یک روز را به هنرستان می‌رفتند و با محیط هنرستان، دروس هنرستانی، کارگاه‌ها، نوع فعالیت‌ها، نوع آموزش‌ها و مسائل مربوط به رشته‌های هنرستانی آشنا می‌شدند تا بتوانند رشته انتخاب کنند. لذا ما در دوره اول متوسطه در بحث هدایت تحصیلی یک تغییر عمده داریم. این مسئله به این خاطر مهم است که همکاران ما در دوره اول متوسطه باید شناخت خوبی نسبت به دوره دوم متوسطه داشته باشند و بدانند چه شاخه‌ها و رشته‌هایی وجود دارد. آینده شغلی این شاخه‌ها و رشته‌ها چیست؟ نیازهای امروز و فردای کشور کدام‌اند و چگونه باید بچه‌ها را با این موارد آشنا کنند که بعدها دانش‌آموزان از دوره دوم متوسطه آشنایی داشته باشند. لذا هدایت تحصیلی کار مشترکی است بین دوره‌های اول و دوم متوسطه.

اتفاقی که امسال در این جهت افتاد، این است که در دوره دوم متوسطه بحث توسعه متوازن خواهیم داشت.

● منظور از توسعه متوازن چیست؟

توسعه متوازن این است که دانش‌آموزان در شاخه‌ها و رشته‌ها به صورت متوازن تقسیم شوند.

بنابر ماده ۱۲ قانون وظایف شورای عالی آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش موظف است نسبت توزیع دانش‌آموزان بین شاخه‌ها و رشته‌ها را تعیین کند. این قانون قانونی قدیمی است که از ابتدا در شرح وظایف شورای عالی آموزش و پرورش بوده است. علاوه بر این، در قانون برنامه پنجم توسعه هم وزارت آموزش و پرورش موظف شده است بین شاخه‌ها و رشته‌ها توازن ایجاد کند. در مواد ۹۶ تا ۱۰۰ آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه دوم، بعد از تعریف هدایت تحصیلی، آمده است: هدایت تحصیلی براساس

چهار عامل انجام می‌شود که عبارت‌اند از: استعداد، علاقه، نیاز و امکانات کشور.

از این چهار عامل دو عامل آن به دانش‌آموز مربوط است که استعداد و علاقه است. این استعداد و علاقه در ۱۰۰ امتیاز هدایت تحصیلی که قبلاً گفته شد، حاصل عملکرد تحصیلی دانش‌آموز و حاصل آزمون‌های استعداد و رغبت حتی توصیه مشاوران مدرسه و ارزیابی آن‌هاست. حتی ارزیابی معلمان درباره علاقه‌مندی دانش‌آموزان نسبت به رشته‌ها است. در مجموع، همه این موارد امتیازات دو عامل استعداد و علاقه می‌شوند. اما دو عامل دیگر که به دولت و جامعه مربوط است، شامل امکانات و نیازهاست.

نیاز یعنی نیازهای شغلی آینده کشور. به جهت اینکه تعریف دوره دوم متوسطه این است که دانش‌آموزان را برای پاسخگویی به نیازهای شغلی جامعه آماده می‌کند. این پاسخگویی در شاخه نظری برای پاسخ به نیاز تحصیلات دانشگاهی است. به همین دلیل، شاخه نظری این گونه تعریف شده است که دانش‌آموزان در این شاخه برای ورود به دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی آماده می‌شوند تا بتوانند در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد مسئولیت‌هایی را در جامعه بپذیرند. در شاخه کار دانش این گونه تعریف شده است که دانش‌آموزان بعد از پایان دوره متوسطه دوم باید برای ورود به بازار کار آماده شوند. معنایش این است که دانش‌آموزان در این شاخه تربیت می‌شوند، آموزش می‌بینند، مهارت‌هایی یاد می‌گیرند و شایستگی‌هایی را کسب می‌کنند که آن‌ها را آماده می‌کند بلافاصله بعد از دیپلم مسئولیت شغلی را در جامعه عهده‌دار شوند. برای دانش‌آموزان رشته فنی و حرفه‌ای هم در تعریف آمده است که اینان تربیت می‌شوند برای اینکه بتوانند در پایان دوره کاردانی به عنوان تکنسین وارد بازار کار شوند.

برنامه درسی ملی، در حوزه یادگیری کار و فناوری، دانش‌آموزان را به سه گروه تقسیم کرده است: گروه اول همان‌هایی هستند که بلافاصله بعد از دیپلم باید وارد بازار اشتغال شوند؛ یعنی همان کار دانش.

گروه دوم دانش‌آموزانی هستند که بعد از دریافت مدرک کاردانی وارد جامعه می‌شوند؛ یعنی همان فنی و حرفه‌ای.

گروه سوم دانش‌آموزانی هستند که برای ورود به دانشگاه تربیت می‌شوند؛ یعنی همان شاخه نظری. به همین جهت، در قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش که در سال ۶۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، ذکر شده است که دوره

**هدایت تحصیلی
براساس چهار عامل
انجام می‌شود
که عبارت‌اند از:
استعداد، علاقه، نیاز
و امکانات کشور**

**هدایت تحصیلی
براساس نمره چند
درس خاص مثل
ریاضی، زیست و
حرفه و فن انجام
نمی‌شود، بلکه
براساس نمره همه
درس صورت
می‌گیرد**



متوسطه دوم دوره‌ای نیمه تخصصی است. به این معنا که افراد در این دوره باید با مجموعه تخصص‌هایی آشنا شوند تا بتوانند در آن‌ها ورود و اشتغال پیدا کنند.

● منظور شما از امکانات چیست؟

منظور امکاناتی است که در اختیار آموزش و پرورش قرار دارد. ما با توجه به امکاناتی که داریم، دانش‌آموز را به رشته‌ها هدایت می‌کنیم.

لذا انتخاب رشته تحصیلی که عنوانش هدایت تحصیلی است، نه‌صد درصد انتخاب رشته است و نه‌صد درصد توجه به نیازها و امکانات. بلکه نقطه مطلوبی بین این دو است که نشان می‌دهد بین علاقه‌ها و استعداد دانش‌آموز و نیاز و امکانات. کدام شاخه‌ها و رشته‌ها به مجموع این چهار عامل نزدیک‌تر است و ما باید به آن‌ها پاسخ بدهیم.

توجه داشته باشیم که براساس مواد ۹۶ تا ۱۰۰ آیین‌نامه دوره دوم متوسطه، وزارت آموزش و پرورش سیاست‌های توسعه متوازن را تعیین می‌کند و ادارات کل آموزش و پرورش براساس سیاست‌های تعیین شده، سهم مناطق را تعیین می‌کنند. مناطق هم سهم مدارس را تعیین می‌کنند که چه تعداد دانش‌آموز به شاخه نظری، چه تعداد به شاخه فنی و حرفه‌ای و چه تعداد به شاخه کار دانش بروند. در عین حال، تعیین می‌کند که در شاخه نظری هم چه تعداد در رشته تجربی، چه تعداد در رشته ریاضی و چه تعداد در رشته علوم انسانی و چه تعداد هم در رشته مهارتی شرکت کنند؛ همین‌طور است در سایر شاخه‌ها و رشته‌ها.

امسال خوشبختانه با طراحی سامانه هدایت تحصیلی توانستیم چهار عامل را با هم مشاهده کنیم. یعنی براساس عامل استعداد و علاقه، صدامتیاژ برای دانش‌آموزان تعیین می‌شود و آن‌ها براساس این امتیاز گروه‌بندی می‌شوند. بعد بر مبنای آن درصدی که سهم هر شاخه و رشته است و ما به آن بُرش استانی می‌گوییم، و براساس امتیازات دانش‌آموز، اولین انتخاب دانش‌آموز شکل پیدا می‌کند و به او می‌گویند که براساس صد امتیازش به انتخاب اولش می‌رود که بر مبنای هدایت تحصیلی است. لذا همین سامانه دستاورد نو و جدیدی است برای آموزش و پرورش که اولین بار است طراحی شده است و ان‌شاءالله بحث هدایت تحصیلی ما از طریق آن سامانی پیدا می‌کند.

نکته دوم که امسال جزو نوآوری‌هاست، این است که در فرم هدایت تحصیلی همه دروس حضور و اثر دارند. به همین جهت، هدایت تحصیلی براساس چند درس خاص مثل علوم تجربی، ریاضیات و حرفه و فن صورت نمی‌گیرد. بلکه بر مبنای همه دروس است و دروس در رشته‌ها و شاخه‌های مختلف وزن پیدا می‌کنند. یعنی درس ادبیات فارسی نمره‌اش در همه شاخه‌ها و رشته‌ها یکسان نیست، بلکه بر مبنای ضریبی که به این درس داده می‌شود، مثلاً برای رشته انسانی، ضریب نمره‌اش بالا می‌رود و برای رشته دیگری که ادبیات در آن اهمیت کمتری دارد، نمره‌اش پایین می‌آید.

● در هدایت تحصیلی چه نکات دیگری اهمیت دارند؟

از جمله نکات مهم دیگر که اتفاقاً خوب است همکاران مدارس و اولیای محترم از آن مطلع باشند، مصوبه‌ای است که در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده

است.

شورای عالی آموزش و پرورش به تدوین شاخص‌هایی برای آموزش و پرورش اقدام کرده است که ملاک ارزیابی عملکرد، بر مبنای این شاخص‌ها است و اگر قرار است هدف‌گذاری صورت بگیرد، بر مبنای این شاخص‌ها صورت پذیرد.

این موارد خوشبختانه با امضای جناب آقای دکتر روحانی، رئیس محترم جمهور، برای اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ شده است.

یکی از شاخص‌هایی که به تصویب رسیده است، شاخص توزیع دانش‌آموزان بین شاخه‌ها و رشته‌هاست. براساس این مصوبه، قرار است ۴۸/۲۶ درصد دانش‌آموزان در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش تحصیل کنند که از این نسبت باید ۲۸/۲۶ درصد در شاخه کار دانش و ۲۰ درصد در شاخه فنی و حرفه‌ای تحصیل کنند. این مصوبه در مجموعه مصوبه‌های شورای عالی آموزش و پرورش است.

● پس سهم کار دانش بیشتر از فنی و حرفه‌ای است؟

بله. سهم کار دانش در حال حاضر هم بیشتر است. چون شما وقتی هرم شغلی را ملاحظه می‌کنید، قاعده هرم که نیروهای کار هستند، درصدشان بیشتر است. میانه هرم که تکنسین‌ها هستند و بر کار نیروهای کار (قاعده هرم) نظارت و به بهتر شدن کار کمک می‌کنند، نسبت به قاعده هرم کمتر است و رأس هرم نیز که نیروهای کارشناس و مهندس هستند، سهمشان کمتر از بقیه است.

الان در جامعه ما هرم برعکس شده است. قاعده هرم شامل افراد فارغ‌التحصیل دانشگاهی است که تعدادشان هم بسیار زیاد است. میانه هرم تکنسین‌ها هستند که تعدادشان کمتر است و آن‌هایی که باید کار کنند، تعداد بسیار اندکی هستند که در رأس هرم قرار گرفته‌اند. لذا این شاخص می‌تواند هرم شغلی جامعه را هم به محل و جایگاه صحیح خودش برگرداند. براین اساس، ۵۱/۷۴ درصد دانش‌آموزان باید در شاخه نظری مشغول تحصیل شوند. در شاخه نظری هم این تعداد (۵۱/۷۴ درصد) بین سه رشته توزیع می‌شوند که حدوداً هر رشته ۱۷ درصد کل دانش‌آموزان را شامل می‌شود و در داخل خودشان هر کدام حدود ۳۰ تا ۳۳ درصد می‌شود. لذا ما بر مبنای قانون مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش موظف هستیم دانش‌آموزان را بین این شاخه‌ها و رشته‌ها توزیع کنیم. همین درصدها مبنای

خوشبختانه
امسال با طراحی
سامانه هدایت
تحصیلی توانستیم
هر چهار عامل را با
هم مشاهده کنیم.
این سامانه دستاورد
نو و جدیدی است
که اولین بار است
طراحی شده است

براساس شاخص
توزیع دانش آموزان
بین شاخه ها و
رشته ها، مقرر
شده است که
۴۸/۲۶ درصد
دانش آموزان در
شاخه فنی و حرفه ای
و کار دانش تحصیل
کنند. از این نسبت،
۲۸/۲۶ درصد به
شاخه کار دانش
مربوط است. ما به
سمت تحقق این
نسبت ها در حال
حرکت هستیم

سازمان فنی و حرفه ای اعلام کرده است ۷۰ درصد کسانی که برای یادگیری یک مهارت ثبت نام می کنند، مدرک لیسانس و بالاتر دارند. عددش را چون نقل قول از آن هاست نمی گویم، ولی درصد بالایی از کسانی که به سازمان آموزش فنی و حرفه ای مراجعه می کنند تا مهارتی یاد بگیرند، مدرک لیسانس و بالاتر دارند و سن هم در این باره مطرح نیست.

لذا اینان افرادی هستند که تازه می خواهند کار دانش آموز کار دانش را که در سن ۱۵ سالگی انجام می دهد، انجام بدهند.

دانش آموزان به این نتیجه رسیده اند که چرا باید بعد از اینکه ۲۳ یا ۲۴ سال از عمرشان را صرف درس خواندن کردند، به یادگیری یک مهارت بپردازند!

به همین جهت دو سه سال اخیر سعی کردیم با وجود اینکه در گذشته بچه ها با برخی از اجبارها به این شاخه ها هدایت می شدند، با فرهنگ سازی و نشان دادن جایگاه این رشته ها، آن ها را ترغیب کنیم که رشته های خودشان را انتخاب کنند.

نکته ای که باید گفت این است که برای فرهنگ سازی سعی کردیم از نکته ای که مقام معظم رهبری امسال در دیدار با معلمان در ارتباط با دانش آموزان فنی و حرفه ای گفتند، استفاده کنیم.

ایشان فرمودند: «همان طور که ما به ذهن های توانا نیازمندیم به نخبگان مهارتی نیز نیاز داریم.»

نخبگان مهارتی را هم فارغ التحصیلان رشته های فنی و حرفه ای دانستند.

ایشان در سال های قبل هم به ذهن ها و پنجه های توانمند اشاره کرده و گفته بودند: همان طور که ما به ذهن های توانمند نیاز داریم، به پنجه های توانمند هم نیاز داریم و باز پنجه های توانمند را هم پنجه های شاخه فنی و حرفه ای و کار دانش عنوان کردند.

ما در جامعه فعلی براساس هوش های چندگانه یا ساحت های شش گانه سند تحول، می گوئیم تنها کسانی که IQ بالایی دارند آدم های موفقی نیستند، بلکه کسانی که هوش های دیگری هم دارند، از جمله دانش آموزان شاخه فنی و حرفه ای و کار دانش، در جایگاه خودشان انسان های برجسته و موفقی هستند.

لذا اینان می توانند کارآفرینان آینده باشند. می توانند کسانی باشند که در صحنه اقتصادی، اجتماعی و صنعتی و خدماتی افراد ارزشمندی بشوند؛ کسانی که می توانند کارهای بزرگی انجام بدهند.

آن چیزی که سال هاست در کشورهای غربی تحقق پیدا کرده، این است که توانمندی های افراد بیانگر

ماست. البته در حال حاضر ما به سمت تحقق این نسبت ها در حال حرکت هستیم. به همین جهت، توزیع متوازن ما در هر سال تحصیلی بر مبنای عملکرد وزارت آموزش و پرورش در سال قبل و هدف گذاری برای سال آینده صورت می گیرد. برای مثال، اگر پوشش تحصیلی ما در شاخه فنی و حرفه ای و کار دانش ۳۸ درصد باشد، ما برای سال تحصیلی آینده هدف گذاری مثلاً ۳۸/۵ درصدی انجام می دهیم؛ با ۰/۵ درصد افزایش. این ۰/۵ درصد به استان ها هم ابلاغ می شود و همه استان ها باید خودشان را تا همین حد افزایش بدهند. استان ها این ۰/۵ درصد را بین مناطق توزیع می کنند و مناطق هم بین مدارس. مدارس موظفاند این درصدها را رعایت کنند تا سر جمع کشوری به ۳۸/۵ درصد برسد.

نکته ای که قابل ذکر است، خوشبختانه دانش آموزان عزیز، اولیای محترم آن ها و فضای عمومی جامعه به حدی از هوشمندی و خردمندی رسیده است که دیگر مانند گذشته نیست. آن غلبه ای که در گذشته وجود داشت و خیل عظیم دانش آموزان پشت کنکور می ماندند و هر سال مدام کنکور می دادند و امید و آرزویشان ورود به دانشگاه بود، تا حد زیادی تعدیل شده است. این موضوع به دو دلیل است: یک دلیل بحث اشتغال در جامعه است. مردم آمارهای اشتغال را می بینند. وقتی وزارت کار اعلام می کند از حدود یازده میلیون فارغ التحصیل دانشگاهی حدود ۵۰ درصد بیکار هستند، دانش آموزان فکر می کنند اگر بروند دانشگاه و چهار سال هم درس بخوانند و فارغ التحصیل بشوند و بعد بیکار بشوند، فایده ای ندارد. پس به جای آن تصمیم می گیرند از ابتدا سراغ اشتغال بروند. به همین جهت در آموزش و پرورش با این نکته مواجه هستیم که برخی از دانش آموزان در دوره دوم متوسطه و در پایه سوم نظری، بعد از اخذ دیپلم، وارد دوره پیش دانشگاهی نمی شوند و دنبال کار می روند. اگر به جمعیت دانش آموزان در سال تحصیلی جاری نگاه کنیم، می بینیم در پایه سوم شاخه نظری، در کل کشور، ۵۴۲۰۶۶ نفر دانش آموز داریم. این جمعیت سه سال برای رفتن به دوره پیش دانشگاهی درس خوانده اند که از طریق پیش دانشگاهی وارد دانشگاه بشوند. ولی در پایه پیش دانشگاهی با ۴۱۳۳۲۶ دانش آموز مواجه هستیم. یعنی حدود ۱۳۰ هزار دانش آموز رشته نظری که قرار بود به دانشگاه بروند، بعد از گرفتن دیپلم، دیگر به پیش دانشگاهی نیامده اند. این دانش آموزان چه می شوند و کجا می روند؟ اینان همان کسانی هستند که انتخاب کرده اند با دیپلمشان مهارتی را یاد بگیرند و بعد مشغول کار شوند.

**سازمان
فنی و حرفه‌ای اعلام
کرده است: ۷۰ درصد
کسانی که برای
یادگیری یک مهارت
در این سازمان
ثبت نام می‌کنند،
مدرک لیسانس و
بالا تر دارند**

**باطراحی نظام
جامع هدایت
تحصیلی، کار
هدایت تحصیلی را
به عنوان یک فرایند
در طول دوره‌های
تحصیل، حتی
از پیش دبستانی
خواهیم داشت**

موفقیت آن‌هاست نه مدرک تحصیلی به همین جهت، در آنجا آموزش‌ها بر مبنای مهارت انجام می‌شود. لذا دانش‌آموز خوب، مکانیک خوب یا آشپز خوب، یا عکاس خوب و یا باطری‌ساز خوبی می‌شود که می‌تواند آدم موفق باشد.

● سند تحول بنیادین چه نگاهی به هدایت تحصیلی دارد؟

بحث هدایت تحصیلی در سند تحول با یک بازنگری بسیار اساسی مواجه است. در آنجا در دو راهکارها، وزارت آموزش و پرورش مکلف شده است با تدوین نظام جامع هدایت تحصیلی زمینه‌شناسایی استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان را از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه فراهم کند.

در واقع، هدایت تحصیلی باید به عنوان فرایندی مستمر برای هدایت دانش‌آموزان از دوره ابتدایی شکل بگیرد که به جهت تدوین نظام جامع هدایت تحصیلی است. در واقع، همان کاری که آموزش و پرورش تحت عنوان طرح شهاب در حال انجام آن است، باید به تمام دوره‌های تحصیلی توسعه پیدا خواهد کرد.

طرح شهاب فعلاً در دوره ابتدایی اجرا می‌شود تا براساس آن استعدادهای دانش‌آموزان از ابتدایی شناسایی شود. به همین جهت، آقای دکتر کفاش، معاون محترم پرورشی که مسئولیت مشاوره و هدایت تحصیلی را عهده‌دار است، و جناب دکتر شجاعی، مسئول مرکز ستاره درخشان، با هم همکاری می‌کنند تا از تجربه طرح شهاب برای تدوین نظام مشاوره استفاده کنند. اگر این اتفاق بیفتد، بر مبنای این نظام، از همان دوره ابتدایی باید برای هر دانش‌آموز پرونده مشاوره‌ای تحصیلی - شغلی داشته باشیم. همان کاری که در برخی از کشورها انجام می‌شود.

استحضار دارید که در نظام‌های آموزشی که از نظام آموزش آلمان تبعیت می‌کنند، در پایان پایه چهارم ابتدایی شاخه‌ها و رشته‌های بچه‌ها تعیین می‌شود و هدایت تحصیلی اتفاق می‌افتد. این نشان‌دهنده آن است که آن‌ها از دوره پیش دبستانی استعدادسنجی می‌کنند و توانمندی‌ها، علاقه و رغبت بچه‌ها را می‌سنجند و می‌توانند بر این اساس برای بچه‌ها رشته تعیین کنند. دو تا از راهکارهای ذیل هدف عملیاتی ۲۱ سند تحول که عنوانش «بازنگری و باز مهندسی ساختارها، رویه‌ها و روش‌ها» است، مربوط به هدایت تحصیلی است. یکی راهکار ۳ - ۲۱ است که در آنجا آمده است: «طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی

به منظور هدایت دانش‌آموزان به سوی رشته‌ها و حرف و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور متناسب با استعدادها، علاقه‌مندی و توانایی آن‌ها یعنی اولویت با تأمین نیازهای کشور متناسب با علاقه‌های آن‌هاست. اما با طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی، این نظام باید بتواند از دوره ابتدایی کار هدایت تحصیلی بچه‌ها را انجام بدهد.

خوشبختانه با اضافه شدن درس کار و فناوری به پایه ششم در دوره ابتدایی، یک گام برای آشنایی بچه‌ها با شغل‌ها و هدایت تحصیلی برداشته شده است. در راهکار ۴ - ۲۱ هم که مکمل راهکار ۳ - ۲۱ است، این طور آمده است: استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی، مبتنی بر مبانی اسلامی و افزایش نقش معلمان در این زمینه و به کارگیری مشاوران متخصص برای ایفای وظایف تخصصی در تمام پایه‌های تحصیلی است. یعنی دیگر هدایت تحصیلی مختص پایه نهم نیست و باید همه پایه‌های تحصیلی را در بر بگیرد. لذا ما در فرم جدید هدایت تحصیلی، عملکرد تحصیلی سه پایه دوره متوسطه اول را آوردیم؛ یعنی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم را.

در حال حاضر هدایت تحصیلی دارای یک مرجع سیاست‌گذاری شده تا بتواند به صورت یک فعالیت فرابخشی، به عنوان اقدام بعدی که صورت خواهد گرفت، انجام شود.

ایجاد و استقرار سامانه هدایت تحصیلی جزو اقدامات جدیدی است که در دولت یازدهم اتفاق افتاده است و از نوآوری‌های دوره وزارت آقای دکتر فانی، برای سامان دادن به این امر بسیار مهم است که به سرنوشت جامعه و سرنوشت دانش‌آموزان مربوط می‌شود.

● شما فرمودید در مسیری حرکت می‌کنیم که باید ۴۸/۲۶ درصد دانش‌آموزان در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش تحصیل کنند. نسبت دانش‌آموزان در این شاخه‌ها در حال حاضر چگونه است؟ برخی از استان‌ها مانند سمنان می‌گویند این رقم در این استان بیش از ۴۰ درصد است. میانگین کشوری این رقم در حال حاضر چقدر است؟

مادامینای محاسباتی داریم. یکی از میناها که معمولاً در آمارها بیان می‌شود، نسبت تعداد کل دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم فنی و حرفه‌ای و کار دانش به کل دانش‌آموزان متوسطه در پایه‌های دوم و سوم است. بر

مهم ترین دغدغه امروز جامعه ما اشتغال و توسعه اقتصادی است

ما نمی توانیم یکمتر به تعداد زیادی دانش آموز را در یک رشته به تحصیل مشغول کنیم

ما علاوه بر این نکته، تقریباً از دو سال قبل با یک نگاه آینده‌گرا به تغییرات دوره دوم و تغییر ترکیب جمعیت دانش‌آموزی دوره دوم متوسطه توجه کرده‌ایم. در حال حاضر، نزدیک به ۳/۵ میلیون دانش‌آموز در دوره دوم متوسطه تحصیل می‌کنند. از این تعداد ۷۰۰ هزار دانش‌آموز در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش درس می‌خوانند و دومیلیون و ۸۰۰ هزار نفرشان در شاخه نظری؛ اعم از پایه اول که مشترک است و کاملاً نظری است و پایه‌های دوم و پایه سوم و پیش‌دانشگاهی. این ترکیب با استقرار ساختار جدید، یعنی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم، تغییر می‌کند. تغییر به این شکل است که حدود یک میلیون و پنجاه هزار دانش‌آموز در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش و حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار دانش‌آموز در شاخه نظری مشغول به تحصیل خواهند شد. لذا همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، سهم نظری به شدت کاهش پیدا کرده است و از آن طرف سهم فنی و حرفه‌ای و کار دانش به میزان ۵۰ درصد افزایش پیدا می‌کند. لذا از دو سال قبل، از جناب آقای دکتر رئیسی، ریاست محترم سازمان نوسازی، درخواست کردیم دیگر برای شاخه نظری ساختمان نسازند، بلکه به جای آن برای هنرستان ساختمان بسازند؛ خیرین نیز همین‌طور. خوشبختانه خیرین به‌طور جدی به ساخت هنرستان اقدام کرده‌اند. پیشنهاد من این است که شما برای مجله خودتان گزارشی از این مدارس تهیه کنید.

یکی از خیرین هنرستانی را در استان اصفهان ساخته است که تجهیزات آن کامل است؛ حتی خوابگاه و سوئیت ملاقات با اولیا دارد. یعنی زمانی که اولیا برای دیدن فرزندشان که در مدرسه شبانه‌روزی در حال تحصیل است می‌آیند، می‌توانند با بچه‌هایشان در یک سوئیت بمانند.

خیر دومی در حال ساخت هنرستان بسیار مجهز و بزرگی در استان مرکزی است. ایشان فضایی بسیار وسیع را به این کار اختصاص داده است.

این خیر محترم خودش صاحب یکی از صنایع بزرگ کشور است و برای تأمین نیروی انسانی برای صنعت خودش - یعنی آموزش و اشتغال را خودش تضمین خواهد کرد - مجموعه‌ای بسیار بزرگ را که ساختمان آموزشی بسیار مجهز و شیک دارد، طراحی کرده و در حال احداث آن است.

● جناب آقای زرافشان از اینکه وقت خود را به مجله اختصاص دادید بسیار سپاسگزارم.

این مبنا، چیزی در حدود ۳۸/۵ درصد دانش‌آموزان در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش هستند.

اما مبنای مرکز آمار و نیروی انسانی برای محاسبه، نسبت دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم مدارس دولتی به کل دانش‌آموزان مدارس دولتی است. این درصد معمولاً بین یک تا یک و نیم درصد با روش اول تفاوت دارد. به همین دلیل، اگر این مبنا را بسنجیم، بین ۳۹/۵ - ۴۰ درصد است. البته چون هنوز دفتر آمار امسال آمار جدید را اعلام نکرده، ما همان آماری را که مبنای محاسبه خودمان است اعلام می‌کنیم.

لذا ما باید در هدف‌گذاری در طی یک یا دو برنامه به این عدد ۴۸/۲۶ درصد برسیم، اگر مبنا را ۳۸ درصد بگیریم، یعنی حدود ده درصد تفاوت که ده درصد یک هدف دست نیافتنی است. اگر چه در دولت قبل و در دوره وزارت قبل این کار اتفاق افتاد. یعنی در ابتدای برنامه پنجم، پوشش تحصیلی شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش ۳۵ درصد بود و برای پایان برنامه ۴۶/۲ درصد بود؛ یعنی ۱۱ درصد هدف‌گذاری شده بود.

با توجه به اینکه توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش به لحاظ منابع بسیار هزینه‌بر است، یعنی تأسیس یک هنرستان هزینه بسیار زیادی لازم دارد، معمولاً این‌گونه است که هزینه لازم برای تأسیس فضای فیزیکی، در برخی از رشته‌ها با هزینه تجهیزات آن رشته برابری می‌کند.

لذا توسعه هنرستان‌ها به این راحتی اتفاق نمی‌افتد. در دولت قبل، در عرض دو سال، ۱۶۶۰ هنرستان ضمیمه ایجاد شد که اکثرشان ضمیمه دبیرستان‌های نظری بودند. همین باعث شده بود که ترکیب دانش‌آموزان در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش به هم بخورد و الان تراکم دانش‌آموزان در سه رشته حسابداری، کامپیوتر و نقشه‌کشی معماری است.

لذا برای اینکه توسعه متوازن درون شاخه‌ها هم رعایت شود، ما نمی‌توانیم یکمتر به تعداد بسیار زیادی از دانش‌آموزان را در یک رشته مشغول به تحصیل کنیم و با تورم عرضه و کمبود تقاضا در جامعه مواجه شویم و پیامدش بیکاری دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای و کار دانش باشد؛ بلکه ما باید در داخل شاخه‌ها هم رشته‌ها را به‌صورت متوازن توسعه بدهیم.

● آقای زرافشان! اشاره کردید برای توسعه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای به منابع زیادی نیاز است. آیا نمی‌توان خیرین مدرسه‌ساز را برای ساخت این‌گونه مدارس ترغیب کرد؟

کارآفرینی و مدیریت کسب و کار

علی نقی بزدان پناه

ایجاد سازمان در جهت ارضای نیاز است. درحالی که مدیریت کسب و کار کوچک، فرایند مداوم تصاحب و اداره یک کسب و کار ثبات یافته است.

ارتباط کارآفرینی و مدیریت کسب و کار

کارآفرینان منابع را از جایی که بهره‌وری پایین دارد، به جایی که بهره‌وری بالایی دارد منتقل می‌کنند. این یکی از عوامل موفقیت آن‌ها به‌شمار می‌رود، زیرا تخصیص مناسب ابزار، تجهیزات، پول، مواد خام و نیروی انسانی سبب رشد سازمان می‌شود. اما این امکان‌پذیر نیست مگر اینکه کارآفرین بتواند مهارت‌ها، توانایی‌ها و خصوصیات فردی و جمعی را در راستای اهداف سازمان به کار گیرد و هدایت دیگران را عهده‌دار شود و این‌ها همه از وظایف مدیریت کسب و کار است.

وظایف کارآفرین در مدیریت کسب و کار

۱. شرح وظایف شغلی: کارآفرین باید با آماده کردن شرح وظایف شغلی نقش کارمندان را مشخص

مقدمه

موفقیت هر کسب و کار رابطه نزدیکی با چگونگی صحیح کنترل کردن امور آن دارد، در واقع مدیریت صحیح کسب و کار موجب رشد آن می‌شود. بین دو مفهوم «کارآفرینی» و «مدیریت کسب و کار» تفاوت چندان و یا مشخص نمی‌توان قائل شد و این دو مفهوم را به‌طور مستقل از هم بررسی کرد. معیار تعریف کسب و کار در کشورهای مختلف برحسب شرایط و نیازهای هر کشور متفاوت است، ولی غالباً براساس تعداد کارکنان یا میزان درآمدهای سالانه تعریف می‌شود. «کمیته توسعه اقتصادی آمریکا» کسب و کار را چنین تعریف می‌کند. کسب و کار باید حداقل دو شرط از این چهار شرط را داشته باشد: ۱. مدیریت مستقل؛ ۲. تأمین سرمایه از طریق یک نفر یا جمع محدود از افراد؛ ۳. انجام فعالیت‌ها به‌صورت عملی؛ ۴. کوچک بودن در برابر بزرگ‌ترین رقیب.

تفاوت کارآفرینی و مدیریت کسب و کار

کارآفرینی فرایند شناخت فرصت‌هایی است که برای آن‌ها بازار وجود دارد و پذیرش ریسک برای

کلیدواژه‌ها:

کارآفرینی، کسب و کار، شغل مدیریت

کند. شرح وظایف شغلی جزئیات کار را که اجرا می‌شود و مهارت‌ها و شرایط ویژه‌ای را که متضمن اجرای کار است، مشخص می‌کند، شرح وظایف شغلی باید حاوی خلاصه‌ای از شغل‌ها، مهارت‌ها یا تجربه‌های لازم و خلاصه‌ای از وظایف و مسئولیت‌ها، توانایی افراد و استانداردهای اجرایی باشد. شرح وظایف شغلی برای داوطلبان استخدام مشخص می‌کند که چه انتظاراتی از آن‌ها می‌رود. بنابراین شرح وظایف شغلی عبارت است از بیان واقعیت درباره کیفیت وظایف و مسئولیت‌های مربوط به شغل‌ها.

۲. تفویض اختیار: با توجه به این واقعیت که هیچ‌کس بهتر از کارآفرین یا مدیرعامل، اصول اولیه کسب‌وکار را درک نمی‌کند، کارآفرینان باید تا حد امکان تمام تصمیمات را هم خود اتخاذ کنند و تسلط کاملی بر افرادی داشته باشند که تصمیمات مالی بیش از مبلغی معین را به عهده دارند. شرکت هرچه بزرگ‌تر شود، تصمیماتی که برعهده کارآفرینان است بیشتر می‌شود.

هرچند که کارآفرین در امور جزئی، مثل تعیین کاغذهایی که شرکت می‌خرد، دخالت ندارد، ولی به‌طور قطع باید از قیمت و توانایی رایانه‌ای که قرار است خریداری شود، آگاه باشد.

۳. نقش هیئت مدیره و مشاوران: کارآفرینان و یا مدیرعامل در مدیریت کسب‌وکار ممکن است به ضرورت وجود هیئت مدیره یا هیئت مشاوران در سازمان خود اذعان نمایند.

۴. بازاریابی: یکی از مهم‌ترین نقش‌های کارآفرینان ترکیب دانش فنی و تکنولوژی یا نیازهای بازار است بنابراین بازاریابی عبارت از فعالیتی انسانی به‌منظور تأمین نیازهای خریداران از طریق فرایند مبادله است.

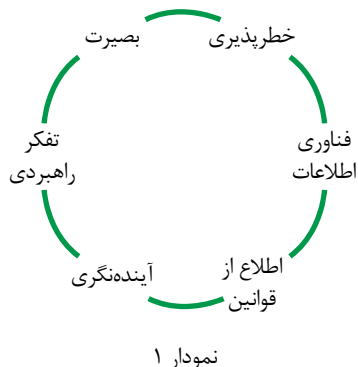
مدیریت بازاریابی

مدیریت بازاریابی عبارت است از تجزیه و تحلیل، طرح‌ریزی اجرا و کنترل برنامه‌های تعیین شده برای فراهم آوردن مبادلات مطلوب با بازارهای موردنظر به‌منظور دستیابی به هدف‌های سازمان. وظایف اصلی مدیریت بازاریابی شامل منظم کردن سطح تقاضا و زمانبندی آن و ارائه مشخصات تقاضا برای دستیابی به اهداف سازمان است. به عبارت

دیگر، مدیریت بازاریابی مدیریت تقاضاست. در گرایش بازاریابی، سازمان رسالت خود را در ارضای خواسته‌های مشتریان می‌داند و باور دارد که این رضایت باعث ایجاد وفاداری و اعتقاد و تکرار معامله و تجارت در نهایت سبب برآورده شدن هدف‌های سازمان می‌شود و البته از ملزومات آن تحقیقات بازاریابی است.

تحقیقات بازاریابی عبارت است از فعالیت‌هایی که ارتباط بازاری بین مصرف‌کنندگان، خریداران، عامه مردم و مدیران بازاریابی از طریق تبادل اطلاعات را بررسی می‌کنند. آنچه که کارآفرینان را از دانشمندان و مخترعان جدا می‌سازد، تمرکز شدید آن‌ها بر بازار و نیازهای آن است که این مهم جز در سایه داشتن مهارت و دانش شناخت بازار و مدیریت بازار امکانپذیر نخواهد بود.

توسعه کسب‌وکار و مؤلفه‌های تأثیرگذار



خطرپذیری: بعضی مسائل بر توسعه کسب‌وکار ارجحیت دارند. اگر بخواهید تجارت خود را توسعه بخشید یا حتی در همان اندازه کوچک خود به موفقیت برسید، عامل رشد و ترقی یکی از مهم‌ترین عوامل است. جرعه این رشد از همان شروع کار در مراحل اولیه زده می‌شود. در حقیقت گشودن بال‌ها و جست‌وجوی یک افق تجاری جدید یک دوره محسوب می‌شود. در هر صورت همانند مراحل اولیه توسعه، رشد تجاری نیازمند تدارکات اولیه، تعهدات جدی و تمایل برای محاسبه خطرات موجود است. منابع زیادی در توسعه و رشد تجارت به شما کمک خواهند کرد.

**کارآفرینی
فرایند شناخت
فرصت‌هایی است
که برای آن‌ها بازار
وجود دارد**

**درحالی‌که
مدیریت کسب‌وکار
کوچک، فرایند
مداوم تصاحب و
اداره یک کسب‌وکار
ثبات یافته است**

فناوری اطلاعات: پیت‌ر دراگر در اوایل دهه ۱۹۶۰ گفته است: «دانش، در زمانی که ما از اقتصاد کالایی به اقتصاد اطلاعاتی تغییر وضعیت داده‌ایم، اساس اقتصاد نوین را تشکیل می‌دهد.» بهره‌برداری کارآمد از اطلاعات مهم‌ترین عامل پیشرفت و کارایی کسب‌کارها در عصر حاضر است. به‌طوری که چگونگی و روش جمع‌آوری اطلاعات و مدیریت کاربرد اطلاعات، سرنوشت شکست و یا بقای یک شرکت یا سازمان را رقم می‌زند.

امروزه اطلاعات فراتر از مواد اولیه، سرمایه، نیروی انسانی و ماشین‌آلات به اساسی‌ترین رکن تولید تبدیل شده است. کسب‌وکار موفق، کسب‌وکاری است که اطلاعات را به‌عنوان منبع تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز در تصمیم‌گیری تلقی می‌کند و مدیریت بهینه اطلاعات را برای فعالیت‌ها ضروری می‌داند.

اطلاع از قوانین: باید مطمئن شوید هنگام پیشنهاد قوانین تأثیرگذار در کسب‌وکار کوچک، صدای شما شنیده می‌شود. معمولاً در خصوص کسب‌وکارهای کوچک انتقادهایی از نظر قانون‌گذاری وجود دارد. با یادگیری چگونگی ایجاد قوانین، پیگیری قوانین مطرح شده، مطالعه تحلیل‌های صورت گرفته توسط متخصصان و توضیح قوانین طرح شده، سعی کنید صدای خود را در زمان انجام فرایندهای قانون‌گذاری به گوش افراد برسانید. در خصوص قوانین به درک بهتری دست پیدا کنید که بر تجارت کوچک شما تأثیر بگذارد. با یادگیری چگونگی و دلیل ایجاد وضع قوانین شروع کنید.

آینده‌نگری: پیش‌بینی و برنامه‌ریزی در موفقیت مستمر شما تأثیر حیاتی دارد. بررسی میزان و مقدار حرکت به‌معنای آینده‌نگری است؛ حتی اگر شما به زمان حال توجه داشته باشید.

تفکر راهبردی: برای آنکه رهبر نافذی باشید، باید مهارت‌های خود را از طریق تفکر راهبردی توسعه دهید. این تفکر فرایندی است که با آن دید تجاری شما توسعه می‌یابد و توانایی‌های خود را در کار تیمی و حل مشکلات تقویت می‌کنید. همچنین به شما در مواجهه با تغییرات کمک می‌کند تا برای معاملات خود طرح‌ریزی داشته باشید و فرصت‌ها و احتمالات موجود را در نظر بگیرید.

تفکر راهبردی شما را ملزم می‌کند که به یک پیامد ایده‌آل در خصوص کسب‌وکار برسید و آن‌گاه از طریق توجه به چگونگی دست یافتن به این دیدگاه و توسعه دید راهبردی برای عملکردهای تجاری، روی

در جوامع امروزی

هر شهروند

به‌عنوان انسان

عصر اطلاعات،

نیازمند سلسله

توانایی‌هایی

است که با کمک

آن‌ها بتواند، یک

کسب‌وکاری را شروع

کرده و ضمن هدایت

درست آن، موجبات

پیشرفت کسب‌وکار را

نیز فراهم آورد

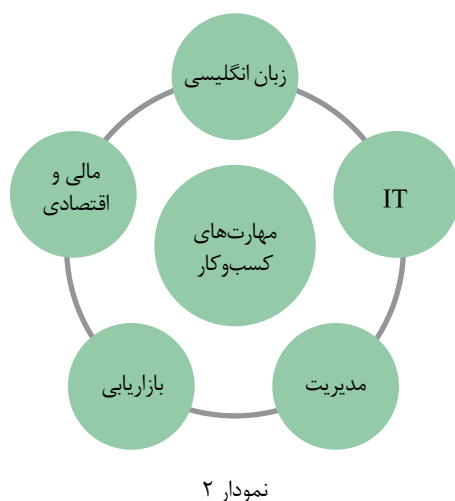
* منابع

۱. دفت، ریچارد ال. (۱۳۷۴). مبانی تئوری و طراحی سازمانی (ج ۱). ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران: چاپ چهارم.
۲. رابینز، استیفن (۱۳۸۰). تئوری سازمان (ساختار، طراحی، کاربرد). ترجمه مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران: چاپ دوم.
۳. هوی، وین کی و میسکل، سیسل (۱۳۸۲). تئوری، تحقیق و عمل در مدیریت آموزشی. ترجمه میرمحمد سیدعباس‌زاده انتشارات دانشگاه ارومیه.

نکات عقب‌مانده کار کنید.

بصیرت: موفقیت در کسب‌وکار هیچ‌گاه به‌صورت خودبه‌خودی و یا براساس شانس به‌دست نمی‌آید. همان‌طور که گفته شد، موفقیت اصولاً به سازمان‌دهی و بصیرت فرد راه‌انداز کسب‌وکار بستگی دارد و تضمینی برای آن وجود ندارد. شروع هر کسب‌وکار همیشه ریسک‌پذیر است و شانس موفقیت اندک است.

مهارت‌های کسب‌وکار آینده‌ساز



در جوامع امروزی هر شهروند به‌عنوان انسان عصر اطلاعات، نیازمند سلسله توانایی‌هایی است که با کمک آن‌ها بتواند، یک کسب‌وکاری را شروع کرده و ضمن هدایت درست آن، موجبات پیشرفت کسب‌وکار را نیز فراهم آورد. پنج عامل عنوان شده در نمودار ۲ در اصل بیش از اینکه مهارت و توانایی به‌شمار بیایند، نیازهای ضروری انسان امروز به‌نظر می‌رسند و هر یک را به شرح زیر می‌توان توضیح داد:

- **زبان انگلیسی:** توانایی به‌کارگیری زبان انگلیسی؛
- **IT:** توانایی کار با رایانه، توانایی استفاده از اینترنت، آشنایی با روش‌ها و قوانین تجارت الکترونیکی؛
- **مدیریت:** توان سرپرستی و راهبری؛
- **بازاریابی:** آشنایی با خرید، فروش و تبلیغات؛
- **مالی و اقتصادی:** حسابداری، مفاهیم هزینه و درآمد و آشنایی با مسائل اقتصادی.

ارزشیابی برنامه درسی دوره فنی و حرفه‌ای

مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی کشورها به میزان قابل توجهی از رشد و توسعه آموزشی تأثیر می‌پذیرد و مطالعات اقتصادسنجی شواهد محکمی برای این مدعا فراهم کرده‌اند. در چنین شرایطی، کشورهایی که به اهمیت آموزش و نقش آن در اقتصاد آینده پی برده‌اند و هم‌زمان دغدغه توسعه‌یافتگی نیز دارند، کیفیت‌بخشی به نظام آموزش را محور رسالت‌های بنیادین و اولویت‌های خود می‌دانند (زین‌آبادی، پرند و صالحی، ۱۳۸۸).

یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام آموزشی هر کشور، نظام آموزش فنی حرفه‌ای است و توجه به آن از جمله خط‌مشی‌های اساسی کشورها برای تربیت نیروی انسانی کارآمد در سطح پیش از دانشگاه به‌شمار می‌آید. الگوی اول همان مراکز حرفه‌آموزی هستند که در مؤسسات تولیدی و خدماتی مستقر شده‌اند و کشورهایی مانند انگلستان، آمریکا و ژاپن از آن استفاده می‌کنند. در الگوی دوم، آموزش عملی و نظری به‌طور مشترک ارائه می‌شود و یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های آن، ارتباط ضعیف با بازار کار است. کشورهایی مانند فرانسه، اسپانیا و ایران از این الگو تبعیت می‌کنند. در الگوی سوم که کشورهایی مانند آلمان، استرالیا و سوئیس بر اساس آن رفتار می‌کنند، تحصیلات و حرفه‌آموزی در دو محیط مدرسه و کار صورت می‌گیرد (هادلستون، ۲۰۰۴).



کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، برنامه درسی، برنامه درسی دوره فنی و حرفه‌ای

بیان مسئله

کشورهای مختلف برای مطرح شدن در جهان به‌عنوان یک تولیدکننده باید به تربیت و آموزش نیروی انسانی ماهر و واجد شرایط ارزش بدهند (leitzel, 1991). به عبارت دیگر، کشورهای پیشرفته در فرایند توسعه اقتصادی، پرورش نیروی مهارتی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند. (oketch, 2007) به‌منظور تحقق چنین هدفی زیرساخت‌های آموزش و پرورش دستخوش تغییر و تحولاتی شده‌اند و آموزش فنی و حرفه‌ای در بطن نظام آموزشی کشورها شکل گرفته است (uzmanoglu, et al., 2010).

«ارزشیابی» یکی از مؤلفه‌های مهم و درعین حال محوری در برنامه درسی است و ضرورت دارد تمام ابعاد و عناصر برنامه‌های درسی مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار گیرند و بر پایه این بررسی، اصلاحات لازم در برنامه درسی یا اجزای آن صورت پذیرد.

همچنان که در عصر دانش ما عمیق‌تر متحول می‌شویم، این دگرگونی‌های اجتماعی عظیم نیازهای آموزشی بسیار متفاوت از آنچه را که نظام آموزشی و کارآموزی ما برای برآوردن آن طراحی شده‌اند، خلق می‌کند. برای ثبات و موفقیت جامعه‌مان ضروری است که نظام‌های یادگیری را دوباره طراحی کنیم. نشانه‌های عمده دگرگونی‌های جامعه ما راهنمایی‌هایی را در این مورد که چگونه نظام‌های یادگیری را دوباره طراحی کنیم، فراهم می‌کنند. راهنمایی‌های بیشتری را می‌توان در سایر تغییرات نزدیک‌تر به نظام‌های یادگیری یافت: رشد پیچیدگی وظایف، افزایش مشارکت در انجام کارها، رشد یادگیری مبتنی بر وب، افزایش قدرت نظام‌های پشتیبانی از عملکرد و ظهور نظام‌های خودآموز شخصی.

دگرگونی اجتماعی عمیق‌تری که ما با آن مواجه هستیم، جامعه ما را در وضعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. این آسیب‌پذیری مستلزم ایجاد نظام‌های یادگیری مؤثری است که بتواند به ما در برآورد نیازهای یادگیری جدید کمک کنند. روشن است که نظریه‌پردازان آموزشی شروع به توسعه دانش برای راهنمایی دگرگونی نظام‌های یادگیری با توجه به این نیازهای آموزشی کرده‌اند، اما هنوز کارهای زیادی باقی مانده‌اند (reigelvth & lee, 2003).

تعریف آموزش فنی و حرفه‌ای

طبق مصوبات موجود، آموزش فنی و حرفه‌ای انجام آن نوع فعالیت‌هایی است که فرد را برای احراز شغل و حرفه و کسب و کار آماده می‌کند، یا کارایی وی را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهد و یا باعث ایجاد مهارت‌هایی می‌شود که به کاهش مخارج و افزایش کیفیت زندگی او می‌انجامد (امیری، ۱۳۸۴). آموزش حرفه‌ای برنامه‌های آموزشی سازمان داده شده‌ای هستند که به‌طور مستقیم به آماده‌سازی افراد برای پرداختن یا نپرداختن به اشتغال، یا آماده‌سازی آن‌ها برای حرفه‌ای بدون نیاز به لیسانس یا مدرک پیشرفته، مرتبطاند (کاکس گلاسون، ۱۹۷۹). هاتیسارو و کاکوک توران^۱ (۲۰۰۸) آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای را به عنوان آموزش افرادی که بتوانند دانش را درون تولید تغییر دهند، تعبیر و تفسیر کنند، مسائل را حل کنند، مسئولیت بپذیرند و در تولید محصول و مواد و ارائه خدمات ابتکار داشته باشند، شرح داده‌اند. بنا به تعریف «یونسکو»، آموزش فنی و حرفه‌ای علاوه بر دانش عمومی تمام اشکال و سطوح فرایند آموزشی، شامل مطالعه فناوری و علوم مربوط به آن، کسب مهارت‌های عملی، توانایی و نگرش را دربر می‌گیرد و مسائل مرتبط با اشتغال را در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی برعهده دارد (سوتاپین^۲، به نقل از خلاقی، ۱۳۹۰).

هدف آموزش فنی و حرفه‌ای

هدف کلی آموزش فنی و حرفه‌ای «اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و شناخت بهتر استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان و ایجاد زمینه مناسب برای هدایت آنان به سمت اشتغال مفید و احراز آمادگی نسبی برای ادامه تحصیلات در رشته‌های کاربردی - علمی (فناوری) است» (موسی‌پور، ۱۳۸۵: ۷۶).

برنامه‌های آموزش حرفه‌ای به‌منظور آماده‌سازی دانش‌آموزان و به‌منظور کمک به آن‌ها برای ورود به دنیای کار بعد از آموزش متوسطه طراحی شده‌اند (plank, et al., 2008). به‌زعم آگودینی و دیک^۳ (۲۰۰۴) نیز از نظر تاریخی، تعلیم و تربیت حرفه‌ای تمایل دارد نیازهای دانش‌آموزانی را که قصد ندارند به دانشگاه راه یابند و همچنین افرادی را که موفقیت تحصیلی کمتری دارند - گروه‌هایی که در معرض خطر ترک تحصیل هستند - برآورده کند. به‌زعم اسکات و سارکیز و کنسکی^۴ (mfadi, 2001) آموزش فنی و حرفه‌ای شامل تعدادی برنامه‌های طراحی

شده به منظور آماده سازی دانش آموزان برای اشتغال و زیستن است. بول^۵ (همان) گزارش کرده است که هدف اساسی برنامه آموزش فنی و حرفه ای قادر ساختن دانش آموزان برای ورود و ماندن در اشتغال مفید و پرمفعت است.

ویژگی های برنامه آموزشی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور

الف) تخصصی بودن برنامه آموزشی سازمان: اگرچه آموزش و پرورش عمومی با محتوایی به صورت مقدماتی و پایه برای پرورش استعدادها لازم است، لیکن در جامعه ای که در حال تغییر و تحول است، نمی توان از جهش در زمینه محتوا و برنامه های آموزشی و سوگیری در جهت تخصصی کردن آنها برکنار ماند. ضمناً جامعه ای می تواند در انجام وظایف خود در سطح کلان موفق باشد که:

اول، تقسیم کار در آن جامعه صورت گیرد. دوم، هر یک از اعضای جامعه وظیفه خود و آن کاری را که به او محول شده است، به خوبی انجام دهد.

اما تقسیم کار و اجرای صحیح آن مستلزم تخصص است و برای تأمین اقتصادی سالم، اصل تخصص مورد قبول قرار گرفته است. امروزه دیگر کارگران غیرمتخصص پاسخگوی نیازهای صنعتی نیستند و مسئله تخصص افراد در کارخانه ها و مؤسسات صنعتی و خدماتی مورد توجه قرار گرفته است.

از طرف دیگر، تربیت و تأمین نیروی انسانی برای جوابگویی به نیازهای توسعه کشور، آموزش برای تولید و همراه با تولید را طلب می کند و نارسایی هر برنامه آموزشی در تربیت افراد سازنده و تولیدکننده، برنامه های توسعه را با شکست روبه رو می سازد. لذا، نه تنها باید آموزش را با کار تولید توأم ساخت، بلکه باید نظام آموزشی را در جهت حل مسائل و مشکلات رشد کشور مرتبط با تولیدات ملی، تغییر داد و با نیازهای جامعه سازگار ساخت.

ب) ارتباط برنامه آموزشی سازمان با رشد اقتصادی در کوتاه ترین زمان: از هدف های مهم برنامه توسعه، رشد اقتصادی در کوتاه ترین مدت و همزمان با حفظ ارزش های فرهنگی است. رابطه ای که بین رشد و آموزش وجود دارد، حداقل کوششی را که بایستی در فعالیتهای آموزشی به عمل آید تا به میزان رشد مورد نظر دستیابی پیدا کرد، تعیین می کند و بیش از این حداقل، بستگی به

حفظ ارزش های فرهنگی دارد. زیرا در یک اقتصاد توسعه نیافته، صرف وقت زیادی از انسان ها برای آموزش های مازاد بر نیاز، فرا گرفتن آموزش های صرفاً نظری که کاربرد آنها مشخصاً معلوم نیست و بازداشتن از اشتغال به کار و فعالیتهای تولیدی، از جنبه اقتصادی صحیح نیست.

ج) ارتباط برنامه آموزشی سازمان با نیاز حرف و مشاغل:

برنامه ریزی آموزش برای اشتغال فرایندی است که باید به نیازهای حرف و مشاغل پاسخ دهد. جامعه ای در انجام وظایف خود در سطح کلان موفق است که هر یک از اعضای آن وظیفه خود و کاری را که به او محول شده است، به خوبی انجام دهد. لذا برنامه ریزی آموزشی برای کسب دانش و مهارت که لازمه اجرای وظایف شغلی است، نمی تواند به صورت مجرد و برای رده های خاصی از مشاغل و افراد انجام گیرد.

اهمیت و ضرورت آموزش فنی و حرفه ای

آموزش های فنی و حرفه ای می تواند با انتقال مهارت و شایستگی مورد نیاز و پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر بازار کار، برابری فرصت ها را برای همه افراد در بخش های دولتی و غیردولتی محقق سازد، به طور چشم گیری از هزینه های تولید بکاهد و قدرت رقابت در بازارهای جهانی را ایجاد کند (صفا حیدری و خاوری، ۱۳۸۱).

در توصیه نامه دومین کنگره جهانی آموزش فنی و حرفه ای «یونسکو» (سئول، ۱۹۹۹) با عنوان «آموزش و تربیت فنی و حرفه ای: چشم انداز قرن بیست و یکم» چنین آمده است: «ما چالش های پیش روی قرن بیست و یکم و اطلاعات و ارتباطات را در نظر گرفته ایم. جهانی شدن و انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات، نیاز به الگوی (پارادایم) توسعه مبتنی بر منابع انسانی را آشکار ساخته است. ما به این نتیجه رسیده ایم که آموزش فنی و حرفه ای در این عصر، به عنوان ابزاری مؤثر برای تحقق هدف های فرهنگ صلح، توسعه پایدار مبتنی بر محیط زیست سالم، همبستگی اجتماعی و شهروندی جهانی، نقش حیاتی بر عهده خواهد داشت (نفیسی، ۱۳۸۲).

ضرورت و اهمیت آموزش های فنی حرفه ای از آنجا درک می شود که یکی از عوامل اساسی رشد و

تنها راه مجهز کردن نیروی انسانی به توانمندی ها و مهارت های مورد نیاز برای افزایش بهره وری کار که در کشورهای در حال توسعه لزوماً باید به شیوه های مؤثر و در زمانی کوتاه صورت پذیرد، از طریق آموزش فنی و حرفه ای است

تفاوت بین برنامه درسی طراحی شده و برنامه درسی اجرا شده، دقیق نبودن حدود و ثغور برنامه درسی، اجرای متمرکز، اختیار معلم در دستکاری برنامه، مشکل تعدیل برنامه اجرا شده، روشن نبودن اهداف برنامه و برنامه درسی پنهان، از مشکلات ارزشیابان در بررسی برنامه های درسی است

هر قدر مسئولان از بصیرت و باور آموزشی برخوردار باشند، حساسیت و علاقه بیشتری به اعمال نتایج ارزشیابی در برنامه درسی نشان می دهند

توسعه اجتماعی و اقتصادی هر جامعه منابع انسانی آن است. بدیهی است، سرمایه گذاری آموزشی به ویژه آموزش های فنی و حرفه ای روی منابع انسانی و اشتغال به کار آن ها نیز یکی از شاخص های اصلی تعیین توسعه یافتگی جامعه محسوب می شود. ایجاد هر گونه ناهماهنگی بین این نوع از آموزش ها و اشتغال موجب بحران خواهد شد (پیشین). آموزش های فنی و حرفه ای در جوامع پیشرفته جزء لاینفک نظام آموزشی محسوب می شوند (نوابخش، ۱۳۸۸)، به گونه ای که امروزه در کشور سوئیس تنها ۱۶ درصد از جمعیت محصل جامعه در دانشگاه ها تحصیل می کنند و بقیه افراد در آموزشگاه های فنی کوتاه مدت مهارت های مورد نیاز بازار کار را فرا می گیرند (حسینی، ۱۳۸۵).

● نقش آموزش های فنی و حرفه ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
نظام های آموزشی در اثربخشی و کارایی نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و در نتیجه توسعه کشورها نقش اساسی دارد. زیرا توسعه فرایندی هدفدار است که انسان آغازگر آن است. بیشتر صاحب نظران و کارشناسان توسعه معتقدند که ما در مقطعی از تکامل بشری قرار گرفته ایم که منابع انسانی اساسی ترین نقش را در توسعه جوامع ایفا می کنند. به طوری که کمیت و کیفیت نیروی انسانی نقش اساسی در توسعه جوامع دارد. در واقع یکی از کارکردهای مهم نظام های آموزشی تربیت منابع انسانی با کیفیت است.

آموزش نه تنها یکی از حقوق اولیه و اصلی انسان است، بلکه جزء اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست. **آدام اسمیت، جان استوارت میل و کارل مارکس** به اهمیت و نقش تولیدی آموزش از طریق افزایش بازدهی کار اشاره کردند و آلفرد مارشال، یکی دیگر از پیشکسوتان علم اقتصاد، بر سرمایه گذاری در آموزش تأکید کرده و گفته است: با ارزش ترین سرمایه گذاری، سرمایه گذاری انسانی است. از سوی دیگر، ایالت متحده آمریکا، آلمان و ژاپن پیشرفت اقتصادی خود را مدیون سرمایه گذاری انبوه آموزشی می دانند که در گذشته در این جوامع صورت پذیرفته است.

مقدار کمی کار و حتی ترکیب مناسب آن با ابزار و ماشین آلات مدرن در جریان تولید و یا هر گونه فعالیت اقتصادی، همیشه ضرورتی برای رشد و

افزایش بهره وری کار نیست، بلکه در این زمینه کیفیت نیروی انسانی کار حائز اهمیت است. چرا که این نیرو است که چنانچه توانمندی اش افزایش یابد، می تواند کیفیت و کمیت کار خود را ارتقا دهد، طرح های جدید ارائه دهد، با خلاقیت خود مشکلات را از سر راه بردارد و راه های کاهش هزینه را بیابد. در حقیقت، تنها عاملی است که می تواند تغییرات مثبت در محیط کار به وجود آورد. تنها راه مجهز کردن نیروی انسانی به توانمندی ها و مهارت های مورد نیاز برای افزایش بهره وری کار که در کشورهای در حال توسعه لزوماً باید به شیوه های مؤثر و در زمانی کوتاه صورت پذیرد، از طریق آموزش فنی و حرفه ای است.

برنامه درسی و در آموزش فنی و حرفه ای

تربیت نیروی انسانی باید مبتنی بر برنامه ریزی آموزشی و درسی باشد. بدین منظور ابتدا در حوزه برنامه ریزی آموزشی، مشاغل مورد نیاز بازار کار مورد شناسایی قرار می گیرند و سپس مشاغل شناخته شده برای تعیین دانش، نگرش و مهارت های شغلی به متخصصان برنامه ریزی درسی سپرده می شود (عسگری و یادگارزاده، ۱۳۹۰).

برنامه های درسی آموزش های فنی و حرفه ای بنا به ماهیت فنی و مهارتی آن بر اساس نیازهای نیروی انسانی در سه گرایش صنعت، خدمات و کشاورزی تهیه می شود (محمودی، ۱۳۸۷).

برنامه های درسی فنی و حرفه ای باید پاسخگوی نیازها و علاقه های دانش آموزان باشد و سبب و توسعه فردی، تقویت هویت ملی و دینی، ایجاد انگیزش، و نیز ارتقای مهارت های شهروندی، خودباوری، خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی شود. از همه این ها مهم تر، برنامه های آموزش فنی و حرفه ای باید به گونه ای طراحی شوند که فرصت های لازم را برای کسب دانش و مهارت و ایجاد نگرش و شاستگی در جهت آموزش های مادام العمر مهیا سازند و قابلیت ها و شایستگی های لازم را برای رویارویی با چالش های فرارو در عرصه های ملی، منطقه ای و جهانی در فراگیرندگان به وجود آورند. به علاوه، با توجه به نگرش جامعه نسبت به ادامه تحصیل هنرجویان در دوره های عالی، در این زمینه نیز پاسخگو باشند (صدری، ۱۳۸۸).

اهداف آموزشی در رشته های گوناگون



ارزشیابی برنامه درسی

ارزشیابی برنامه درسی در دو حوزه متمایز و پیچیده «برنامه ریزی درسی» و «ارزشیابی آموزشی» ریشه دارد که اگرچه ظهور آن به عنوان حوزه مطالعاتی مستقل به دهه ۱۹۶۰ برمی گردد، لیکن نمونه هایی از کارهای اولیه در این خصوص را نیز می توان در سال های قبل از آن مشاهده کرد. برای مثال، مادائوس (Alkin, 1986) تعریف «ارزشیابی برنامه درسی» را

حد زیادی تابع تعریفی است که از برنامه درسی می پذیریم. ارزشیابی برنامه درسی عبارت است از فرایند بررسی ارزش و شایستگی برنامه درسی. بررسی و مطالعه ارزش و شایستگی هم شامل عناصر و جنبه های خاص برنامه درسی و هم کل برنامه درسی می شود (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۱).

بررسی های انجام شده در سطح ملی و بین المللی نشان می دهد، درک نادرست از کارکرد ارزشیابی برنامه درسی و تأکید صرف بر نرخ پیشرفت تحصیلی در برخورد با برنامه های درسی، باعث غفلت از نقاط قوت و ضعف برنامه ها می شود و برنامه ریزان از دسترسی به اطلاعات موثق و دقیق برای تصمیم گیری در مورد برنامه درسی باز می مانند. تفاوت بین برنامه درسی طراحی شده و برنامه درسی اجرا شده، دقیق نبودن حدود و ثغور برنامه درسی،

فنی و حرفه ای در سه حیطه شناختی، روانی - حرکتی و عاطفی تهیه می شوند و اهداف آموزشی درس ها نیز به دو بخش اهداف کلی و اهداف رفتاری تقسیم می شوند (دفتر برنامه ریزی و تألیف آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش، ۱۳۸۸). در فرایند طراحی برنامه درسی، هنگامی که از تبیین هدف های غایی، کلی و جزئی دوره ها و پایه های تحصیلی، به تدوین اهداف مواد و رسانه های درسی و تربیتی می رسمیم که به صورت اهداف ویژه در بخش یا واحد یادگیری مطرح می شوند، هدف ها به طور فزاینده ای تخصصی و ویژه می شوند. معمولاً طراحی هر واحد یادگیری بر اساس انتخاب و سازمان دهی محتوا و تعیین نحوه ارزشیابی بر مبنای اشارات مربوط به هدف صورت می پذیرد (رون، ۱۳۹۰). هر اندازه هدف های نظام آموزش فنی و حرفه ای و نقش آن ها در ساختار جوامع کنونی و انتظارات جامعه شفاف تر مطرح شوند، بهتر می توان درباره آن ها برنامه ریزی کرد (یعقوبی نجف آبادی، ۱۳۸۹). اهداف آموزشی در برنامه های درسی فنی و حرفه ای باید قابل فهم باشند و با نیازهای کارآموزان و جامعه محلی، و رغبت ها و تمایلات شخصی افراد تناسب داشته باشند (عبداللهی و سعادت مند، ۱۳۹۰).

ضرورت ارزشیابی در نظام فنی و حرفه ای

آموزش فنی و حرفه ای در مقایسه با آموزش عمومی بسیار گران و هزینه بر است و مطالعات تطبیقی هزینه های این دو نظام، این مدعا را تأیید می کند. گذشته از هزینه های زیاد، مسائلی از قبیل اشتغال نداشتن دانش آموختگان، مطابقت نداشتن شغل و تخصص، میزان پایین انتقال از مدرسه به کار دانش آموختگان ناکارآمد، انطباق نداشتن مهارت های دانش آموختگان با نیازهای بازار کار، تزریق دانش آموزان ناکارآمد به مدارس فنی حرفه ای، پیشرفت تحصیلی نامناسب، مشارکت نداشتن و یا مشارکت ناچیز صنعت، تأسیس هنرستان های فنی حرفه ای بدون توجه به نیازهای منطقه ای، برنامه های درسی متمرکز و میزان پایین علاقه مندی به ثبت نام در هنرستان های فنی حرفه ای، بازاندیشی و اصلاح این نظام را بسیار ضروری کرده است. این نظام باید در جهتی حرکت کند که کارایی و اثربخشی آن در مقایسه با هزینه هایش افزون تر باشد (میرزاییگی، ۱۳۸۰).

**آشنایی هنرجو
با مفاهیم و
اصطلاحات مرتبط
با رشته و گرایش
تحصیلی خود
می تواند به موفقیت
او در امتحانات
نظری بینجامد**

اجرای متمرکز، اختیار معلم در دستکاری برنامه، مشکل تعدیل برنامه اجرا شده، روشن نبودن اهداف برنامه و برنامه درسی پنهان، از مشکلات ارزشیابان در بررسی برنامه‌های درسی است (Alkin, Menill, 2001).

مراحل ارزشیابی

به نظر محمدی مهر و ملکی (۱۳۸۸) مراحل ارزیابی به صورت زیر است:

۱. **تعیین اطلاعات لازم:** ارزشیابی به اطلاعات نیاز دارد. هر قدر اطلاعات موثق تر باشد، ارزشیابی از کیفیت بهتری برخوردار خواهد بود. نباید فراموش کرد که به علت کثرت و وسعت اطلاعات مجبور به انتخاب هستیم. برای انتخاب نیاز داریم که ماهیت موضوع ارزشیابی را به خوبی بشناسیم و ضرورت‌ها را تشخیص دهیم. مثلاً باید معلوم کنیم که آیا قصد داریم همه عوامل و مؤلفه‌های برنامه درسی را ارزشیابی کنیم؟ آیا در هر یکی از عناصر برنامه درسی به جنبه‌ها و نکات خاصی توجه داریم؟ به طور کلی، وسعت و حدود قضاوت‌های خود را باید تعیین کنیم تا بتوانیم اطلاعات ضروری را گردآوری کنیم و از گردآوری اطلاعات وسیع بی‌فایده بپرهیزیم.

۲. **جمع‌آوری اطلاعات:** این کار از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه یا روش‌های مربوط انجام می‌گیرد. درباره عناصر برنامه درسی داوری می‌شود تا نسبت به اصلاح، تکمیل و یا تغییر آن‌ها اقدام شود. این کار در دو سطح و از طریق ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی تراکمی انجام می‌گیرد. در ارزشیابی برنامه درسی اطلاعات مربوط به اهداف برنامه درسی، محتوای برنامه درسی، روش‌های یاددهی - یادگیری، امکانات اجرایی برنامه، اعلام حمایت یا مخالفت با برنامه و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی جمع‌آوری می‌شود.

۳. **تجزیه و تحلیل:** آنچه از ارزشیابی در مرحله گردآوری اطلاعات به دست می‌آید، اطلاعات خام است و باید تجزیه و تحلیل و به اطلاعات قابل استفاده و کاربردی تبدیل شود. سؤالاتی که در طرح ارزشیابی منظور نشده‌اند، در تبدیل اطلاعات خام به اطلاعات مفید و قابل استفاده می‌توانند مؤثر باشند.

۴. **نتیجه‌گیری و قضاوت:** پس از دستیابی به اطلاعات مفید، داوری درباره ابعاد گوناگون برنامه مطرح می‌شود. داوری صدور حکم در خصوص مطلوب بودن یا نبودن عناصر برنامه است و با

توجه به هر بخش از اطلاعات می‌توان درباره بُعدی از اهداف قضاوت کرد. قابل ذکر است که هر قدر اطلاعات به نحو بهتری تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی شود، قضاوت آسان‌تر انجام می‌پذیرد.

۵. **گزارش نتایج ارزشیابی:** پس از انجام همه مراحل، گزارش نهایی تنظیم و به تصمیم‌گیرندگان و مخاطبان ارزشیابی ارائه می‌شود. ممکن است لازم باشد به تناسب نیازهای مخاطبان گزارش‌های متعدد با حجم کم تهیه شوند. برنامه‌ریزان عمدتاً به اطلاعات و گزارش‌های مربوط به عناصر اصلی برنامه، شامل اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی نیاز دارند.

۶. **تصمیم‌گیری و اقدام:** وظیفه گروه ارزشیابی ارائه گزارش نهایی به مسئولان است تا با بررسی گزارش، اصلاحات لازم را در بخش‌های متفاوت به عمل آورند هر قدر مسئولان از بصیرت و باور آموزشی برخوردار باشند، حساسیت و علاقه بیشتری به اعمال نتایج ارزشیابی در برنامه درسی نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری

با عنایت به اینکه نظام آموزشی فنی‌وحرفه‌ای نقشی بی‌بدیل در رشد و توسعه همه جانبه کشور و به خصوص بعد اقتصادی دارد، لذا برنامه‌های درسی این نظام آموزشی نیازمند بررسی و ارزشیابی هستند. ارزشیابی از این نظام آموزشی می‌تواند نتایج مفید و قابل توجهی در زمینه آموزش فنی‌وحرفه‌ای در بر داشته باشد. از آنجا که هدف اصلی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه است، به نظر می‌رسد یکی از روش‌های مؤثر در افزایش توفیق این مراکز در این مسیر، ارتباط تنگاتنگ محتوای برنامه‌های درسی ارائه شده با نیازمندی‌های جامعه است.

همچنین، محتوای کتاب‌های درسی به گونه‌ای است که هنرجویان را در احراز آمادگی نسبی برای ادامه تحصیل در رشته‌های کاربردی - علمی (تکنولوژی) یاری کند. آشنایی هنرجو با مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با رشته و گرایش تحصیلی خود می‌تواند به موفقیت او در امتحانات نظری بینجامد. موفقیت در مباحث نظری، موفقیت در مباحث عملی و عملکرد هنرجویان را در پی خواهد داشت و این دو عامل باعث می‌شوند که هنرجویان نگرش مثبتی نسبت به رشته تحصیلی خود داشته باشند و به لحاظ عاطفی در زمینه تحصیلی مشکلی نخواهند داشت.

موفقیت در مباحث نظری، موفقیت در مباحث عملی و عملکرد هنرجویان را در پی خواهد داشت و این دو عامل باعث می‌شوند که هنرجویان نگرش مثبتی نسبت به رشته تحصیلی خود داشته باشند و به لحاظ عاطفی در زمینه تحصیلی مشکلی نخواهند داشت

* بی‌نوشت‌ها

1. Hatisaru & Kucukturan
2. Sue Toppin
3. Agodini & Dake
4. Seott, Sarkyz and Kinski
5. Borel

سیر تحول آموزش و پرورش در توسعه کارآفرینی

مقدمه

عصر ما عصر شتاب و سرعت و عصر دگرگونی و تغییر است. موج این تغییرات زندگی همه ما را نیز خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو جامعه‌ای در جهت سازگاری با تغییرات و شرکت در رقابت جهانی پیش‌تاز خواهد شد که از نیروی انسانی ماهر و متخصص، خلاق و خودباور برخوردار باشد. در شرایط کنونی یکی از عواملی که سبب دگرگونی چهره اقتصادی، اجتماعی و صنعتی کشور می‌شود، فعالیت‌های کارآفرینانه، برخورداری از روحیه کارآفرینی و در نهایت کارآفرینی انسان است [صمدی و شیرزادی، ۱۳۸۶].

کارآفرینی در جامعه می‌تواند سه منفعت اصلی ایجاد کند که عبارت‌اند از:

- افزایش رشد اقتصادی؛
- ارتقای بهره‌وری؛

کلیدواژه‌ها:

کارآفرینی،
آموزش و پرورش، کار
و فناوری، سند تحول
بنیادین آموزش و پرورش

• پدید آمدن فناوری‌ها، محصولات و خدمات جدید. نقطه آغازین تحولات در این زمینه باید نظام آموزشی و به‌ویژه آموزش و پرورش باشد تا زمینه رشد و شکوفایی در دانش‌آموزان فراهم شود. رشد و پرورش روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان، رخوت و سستی و یأس و ناامیدی حاکم بر دانش‌آموز را به جنبشی فکری برای آفریدن ایده‌ها و اندیشه‌های نو و سالم تبدیل می‌کند. این مقاله کوشیده است، نسبت آموزش و پرورش با آموزش کارآفرینی را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

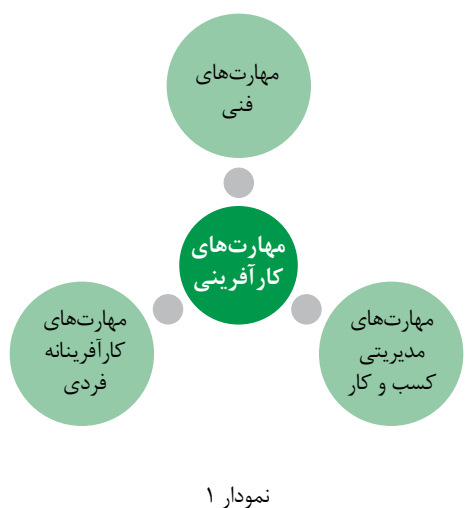


مفهوم کارآفرینی

از آنجا که مفاهیم مطرح در علوم انسانی، برخلاف مفاهیم مطرح در علوم تجربی، قطعی نیستند، لذا ارائه تعریف قطعی و مشخصی برای آن‌ها دشوار یا غیرممکن است. کارآفرینی هم که از واژه‌های مطرح در علوم انسانی است، از این قاعده مستثنا نیست. دانشمندان و محققان علوم اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناسی و مدیریت که در مورد کارآفرینی مطالعه و نظراتی ارائه داده‌اند، تعاریف مختلفی از کارآفرینی مطرح کرده‌اند که تفاوت‌های گاه مغایر و متناقضی دارند و ما در این مقال قصد تحلیل آن‌ها را نداریم. اما آنچه از مجموع تعاریف می‌توان دریافت کرد این است که: کارآفرینی فرایندی است که طی آن، ایده‌های نو و خلاق با شناسایی فرصت‌های جدید و بسیج منابع، به ایجاد کسب و کار و شرکت‌های نو و سازمان‌های جدید، نوآور و رشدیابنده توأم با پذیرش مخاطره و ریسک می‌انجامد و با معرفی محصول و یا خدمت جدید به جامعه ظهور می‌یابد. نکته مهم این است که در تمام تعاریف ارائه شده در منابع مختلف سه عنصر بنیادین دیده می‌شود که عبارت‌اند از: فرصت‌شناسی؛ جمع‌آوری و کاربرد منابع؛ ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و شخصی.

آموزش مهارت‌های کارآفرینی

مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینان را به سه گروه اصلی مهارت‌های فنی، مهارت‌های مدیریتی کسب و کار و مهارت‌های کارآفرینانه فردی می‌توان تقسیم کرد.



- مهارت‌های فنی عبارت‌اند از: مهارت‌های نوشتاری، مهارت شنیداری، ارتباطات کلامی، سازمان‌دهی، مربیگری، مدیریت فنی کسب و کار، تعامل با محیط کار، هدایت گروه، فناوری و روابط اجتماعی.
- مهارت‌های مدیریتی کسب و کار عبارت‌اند از: تصمیم‌گیری، بازاریابی، مدیریت، امور مالی، حسابداری، تولید، کنترل و فنون مذاکره، روابط انسانی، برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، رهبری آینده‌نگر و مدیریت توسعه.
- مهارت‌های فردی کارآفرینانه عبارت‌اند از: کنترل درونی، خطرپذیری، نوآوری، تغییرمحوری، مقاومت، و توانایی مدیریت تغییرات.

آموزش و پرورش و آموزش کارآفرینی

نظام آموزشی در هر جامعه‌ای وظایف ویژه‌ای بر عهده دارد که از آن جمله می‌توان آزادسازی و رهایی افراد جامعه از ناتوانی و آموزش و هدایت آنان به بازار کار را برشمرد. بررسی نتایج مطالعات تجربی نشان می‌دهد، مقوله کارآفرینی را می‌توان آموزش داد یا حداقل به وسیله آموزش، آن را توسعه و بسط بیشتری بخشید. تجربه کشورهای نظیر هند، ژاپن، کره جنوبی و مالزی در زمینه آموزش و ترویج روحیه و فعالیت کارآفرینی این نظریه را تأیید می‌کند که کارآفرینی قابل آموزش است و می‌توان روحیه کارآفرینی را از دوره ابتدایی تا دوره‌های بالایی جامعه در افراد تشویق کرد و ترویج داد.

در همین راستا آموزش و پرورش به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان متولی تربیت نسل آینده و نیروی انسانی بازار کار کشور، نقش حیاتی در کاهش نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف دارد. در واقع آموزش و پرورش، با ارائه آموزش‌های لازم در زمان مناسب، علاوه بر انتقال اطلاعات و مفاهیم کارآفرینی به دانش‌آموزان، زمینه رشد بسیاری از خصوصیات و مهارت‌های لازم کارآفرینی را در آن‌ها فراهم می‌کند.

کارآفرینی در نظام آموزشی ایران برای اولین بار از طریق گنجانند درس‌های کارآفرینی در شاخه کار و دانش نظام جدید آموزش متوسطه مطرح شد. علاوه بر آن، مفهوم کارآفرینی در جای جای «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» آمده است. چنان‌که در بندهای ۴ و ۲۴ بیانیه ارزش‌ها به کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و روحیه کارآفرینی اشاره شده است و در بخش «مدرسه در افق

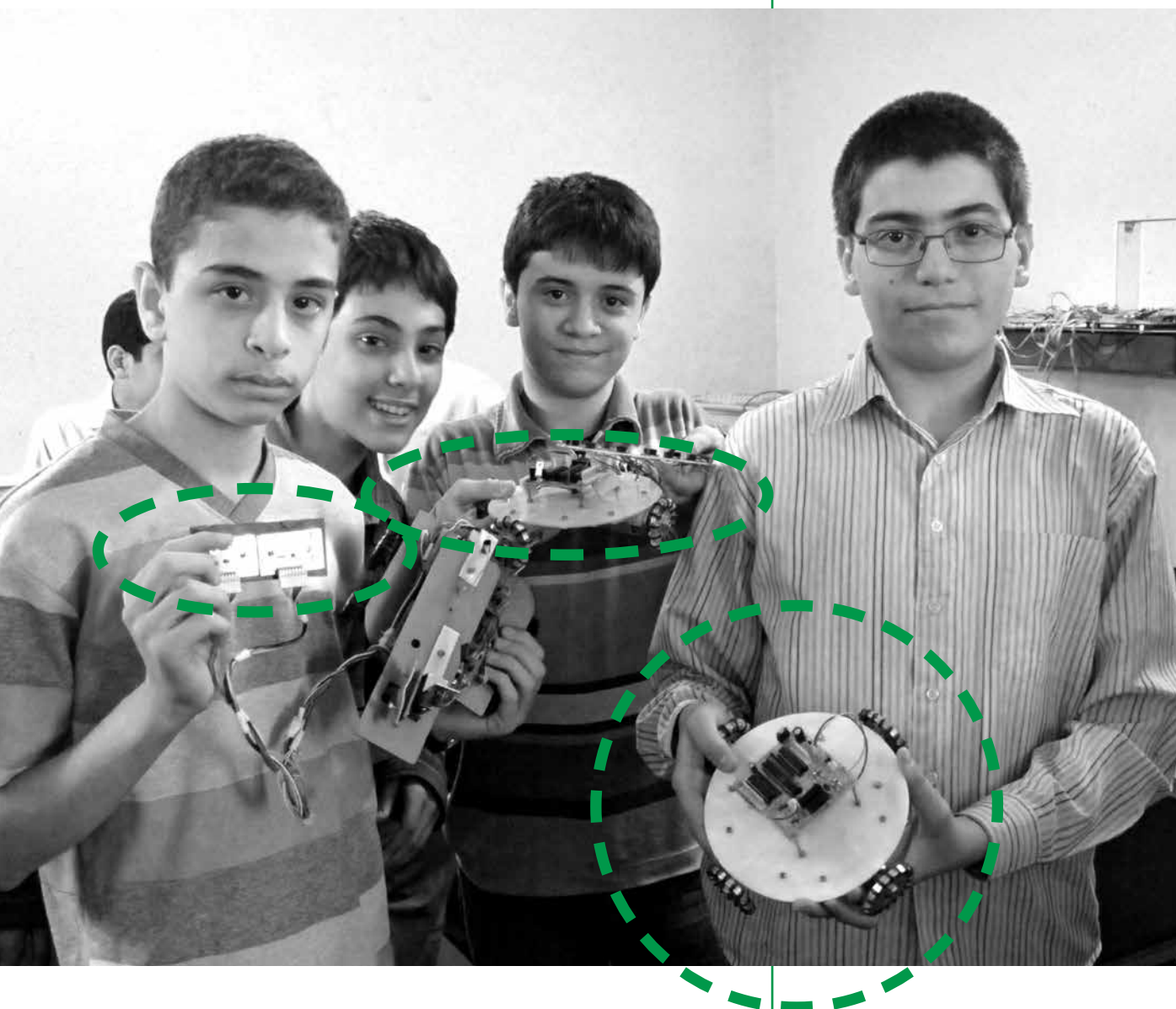
هدف درس کارآفرینی فراهم آوردن شرایطی است که در آن، افراد به جای کار برای دیگران، علاقه‌مند به اشتغال‌زایی و فراهم آوردن زمینه‌هایی برای ایجاد یک کار مولد برای خود و دیگران شوند. مدرسه باید بتواند در شکوفایی ویژگی‌هایی چون خلاقیت، خودباوری، آینده‌نگری، خطرپذیری و تمایل به کامیابی (روحیه کارآفرینی) در دانش‌آموزان مؤثر باشد

**درس «کار و فناوری»
دانش آموزان را با
کارها و مشاغل
گوناگون آشنا نموده
و به آن‌ها در انتخاب
رشته تحصیلی در
سال‌های بعد کمک
می‌کند**

از سال ۱۳۹۱ با تغییر نظام آموزشی در راستای اجرای سند تحول بنیادین و ساختار جدید نظام آموزشی، دوره ابتدایی از پنج سال به شش سال افزایش یافت و به تبع آن، واحد درسی «کار و فناوری» با هدف ترویج فرهنگ کارآفرینی، به درس‌های پایه ششم ابتدایی اضافه شد. نویسندگان کتاب درسی کار و فناوری، در بخش سخنی با خوانندگان، آشنایی با دنیای کار و کسب و بعضی از مهارت‌ها را به عنوان هدف برشمرده و اظهار امیدواری کرده‌اند، با تکمیل تدریجی آن، وقتی که دوره متوسطه به پایان می‌رسد، دانش‌آموزان توانایی کار و استفاده از رایانه و طراحی و انجام فعالیت‌های ساده فنی و هنری را در حد مناسب فرا گرفته باشند.

چشم‌انداز ۱۴۰۴» و نیز اهداف عملیاتی ۱، ۵ و ۲۱ و راهکارهای مربوط به هر یک از این اهداف، به روشنی بر توسعه مفاهیم کارآفرینی در حوزه آموزش تأکید شده است.

یکی از سیاست‌های اصلی وزارت آموزش و پرورش در سال‌های اخیر، پیگیری و اجرای سیاست «هر دانش‌آموز یک مهارت» بوده که از چند سال پیش به‌طور مرتب پیگیری شده و به اجرا درآمده است. همچنین، در هدف‌گذاری‌های برنامه پنجم توسعه در خصوص توازن رشته‌ای (نظری و فنی)، رسیدن به عدد ۴۶/۲ درصد در رشته‌های فنی در برابر رشته‌های نظری مدنظر بوده که آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۳ به عدد ۳۸/۷۴ درصد هم دست یافته است.

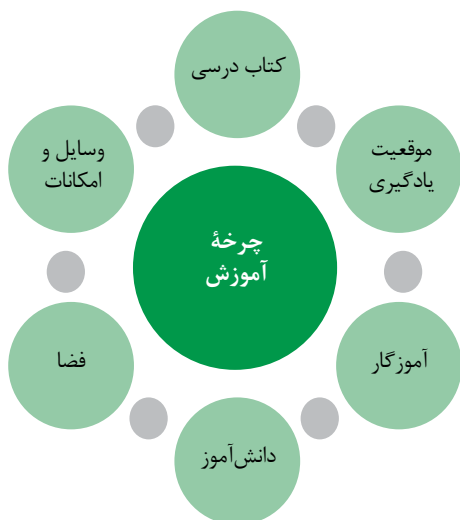




این درس علاوه بر کمک به رفع بعضی از نیازهای روزمره زندگی شخصی و خانوادگی، زمینه اشتغال آینده دانش‌آموزان را هم فراهم می‌آورد. در ادامه می‌افزاید: فایده مهم دیگر این درس آشنا شدن دانش‌آموزان با کارها و مشاغل گوناگون است که به آن‌ها در انتخاب رشته تحصیلی در سال‌های بعد کمک می‌کند. دانش‌آموزان با گذراندن درس کار و فناوری و کشف علاقه‌های خود می‌توانند تصمیم بگیرند که در چند سال بعد به هنرستان بروند یا دبیرستان و چه رشته‌ای را انتخاب کنند.

اقدامات فوق نشان می‌دهد توجه به کارآفرینی و ضرورت پرداختن به آن توسط آموزش و پرورش به درستی درک شده است و می‌توان ادعا کرد، آموزش و پرورش مسیری صحیح را انتخاب کرده و در آن گام نهاده است. اما می‌دانیم تولید کتاب درسی و درج مفاهیم کارآفرینی در آن به تنهایی ما را به مقصد نخواهد رساند. اگر مؤلفه‌های آموزش را در چرخه‌ای به شکل نمودار ۲ در نظر بگیریم، لازم است این مؤلفه‌ها به قدر کافی از توانمندی و اثرگذاری برخوردار باشند تا به صورت کارآمد تأثیر بگذارند.

معلمان باید در زمینه کارآفرینی اطلاعات کافی داشته و با اهداف کتاب و محتوای آموزشی ارتباط برقرار کرده باشند تا بتوانند روحیه کارآفرینی را در مدرسه و در میان دانش‌آموزان بگسترانند



نمودار ۲

در تعاریف مختلف کارآفرینی در منابع مختلف سه عنصر بنیادین دیده می‌شود که عبارت‌اند از: فرصت‌شناسی؛ جمع‌آوری و کاربرد منابع؛ ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و شخصی

کارآفرینانه بر کل جامعه حاکم شود و کشور به سمت و سوی کارآفرینی پیش رود.

معلمان باید در زمینه کارآفرینی اطلاعات کافی داشته و با اهداف کتاب و محتوای آموزشی ارتباط برقرار کرده باشند تا بتوانند روحیه کارآفرینی را در مدرسه و در میان دانش‌آموزان بگسترانند. آنان باید از روش‌های تدریس مناسب استفاده کنند تا دستیابی به اهداف تعیین شده میسر شود. عارفی و همکارانش (۱۳۸۹) معتقدند: چنانچه اهداف یک برنامه درسی متناسب بیان شده باشند و محتوا نیز اهداف را کاملاً پوشش دهند، اما از روش‌های تدریس متناسب با محتوا استفاده نشود، برنامه درسی مورد نظر اثربخشی لازم را نخواهد داشت. لذا انتخاب روش‌های تدریس مناسب یکی از راه‌های تحقق اهداف و در نتیجه افزایش اثربخشی برنامه درسی است.

در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از کلاس‌های پایه ششم ابتدایی فاقد رایانه هستند و تعداد زیادی از معلمان دوره ابتدایی، به‌ویژه معلمان پایه ششم، دوره‌های آموزش کارآفرینی را طی نکرده‌اند. در حقیقت باید توجه داشت که علاوه بر ارائه آموزش، کیفیت، چگونگی و میزان اثربخشی آن نیز بسیار مهم است و به بررسی دقیق و شناسایی کامل عوامل مؤثر در آن، از قبیل مدت زمان برگزاری، دوره آموزشی مناسب، متون و محتوای کتاب‌ها، ویژگی‌های دبیران و وسایل کمک‌درسی نیاز دارد. توجه نداشتن به چنین مواردی نتیجه‌ای جز اتلاف منابع انسانی، زمان، امکانات و سرمایه و در نتیجه بی‌کاری بیشتر نخواهد داشت.

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که اقدامات آموزش و پرورش در راستای آموزش کارآفرینی و هدایت نسل جوان به سوی رشته‌های فنی و حرفه‌ای اگرچه خوب است، اما تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله وجود دارد و باید اقدامات انگیزشی و توجیهی زیادی برای ورود درصد بیشتری از دانش‌آموزان به رشته‌های فنی و در ادامه کارآفرینی صورت پذیرد.

در چرخه آموزش، هر یک از مؤلفه‌ها علاوه بر اینکه به تنهایی باید پاسخ‌گوی نیاز باشند، باید در مجموع هم بتوانند با هم‌افزایی برای تعمیق بیشتر به یکدیگر کمک کنند و براینده مجموع مؤلفه‌ها می‌باید تحقق اهداف را میسر سازد.

محتوای کتاب درسی نیز باید با اهداف تعیین شده مطابقت داشته باشد و طوری طراحی شود که اهداف را محقق سازد. هدف درس کارآفرینی فراهم آوردن شرایطی است که در آن، افراد به جای کار برای دیگران، علاقه‌مند به اشتغال‌زایی و فراهم آوردن زمینه‌هایی برای ایجاد یک کار مولد برای خود و دیگران شوند. لذا برنامه درسی با هدف آشنا ساختن دانش‌آموزان با مفاهیم کارآفرینی و شناسایی فرصت‌ها در بازار کار و مهارت‌هایی که آن‌ها برای ورود به بازار کار نیاز دارند، شکل گرفته است.

صمدی و شیرزادی (۱۳۸۶) معتقدند: مدرسه در حکم جامعه‌ای کوچک است و به دلیل حاکمیت شبکه پیچیده‌ای از تعاملات انسانی، فضای اجتماعی معینی را به‌وجود می‌آورد که در رشد و پرورش همه‌جانبه شخصیت دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. بنابراین مدرسه باید بتواند در شکوفایی ویژگی‌هایی چون خلاقیت، خودباوری، آینده‌نگری، خطرپذیری و تمایل به کامیابی (روحیه کارآفرینی) در دانش‌آموزان مؤثر باشد.

دانش‌آموزان نیز باید در یادگیری کوشا باشند و با قرار گرفتن در موقعیت‌های یادگیری، به خوارتقایی برسند. **لوتان** و همکارانش (۲۰۰۰) بر این مطلب تأکید دارند که مدیران و معلمان می‌توانند به طریق مناسب با بهبود بخشیدن به محیط آموزشی و ایجاد فضای سازمانی مطلوب در مدارس، فرصتی مناسب و مقتضی برای رشد روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان ایجاد کنند تا از این طریق روحیه کارآفرینی و رفتار

* منابع

۱. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۷). مبانی کارآفرینی. انتشارات فراندیش. تهران. چاپ پنجم.
۲. سعیدی کیا، مهدی (۱۳۹۳). کارآفرینی. انتشارات شریعتی. تهران. چاپ سوم.
۳. صمدی، پروین و هما شیرزادی اصفهانی (۱۳۸۶). «بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۱۶. سال پنجم.
۴. عارفی، محبوبه و کوروش فتحی و اجارگاه و سعید نساج (۱۳۸۹). «بررسی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی». فصل‌نامه مشاوره شغلی سازمانی. دوره دوم. شماره ۴.

ارزشیابی از برنامه کارورزی شاخه کاردانش

چکیده

هنرستان‌های شاخه کاردانش استان‌های نمونه آماری، والدین هنرجویان و کارفرمایانی که هنرجویان در مراکز و مؤسسات آن‌ها به کارورزی مشغول بودند، تشکیل می‌داد. نتایج مطالعه بر مبنای سؤالات پژوهشی نشان می‌دهد، مدیران، کارشناسان و برنامه‌ریزان مورد مطالعه وضعیت و کیفیت اجرای برنامه کارورزی را مثبت ارزیابی نمی‌کنند، اما کارفرمایان و هنرجویان و والدین آن‌ها از نحوه اجرای برنامه کارورزی احساس رضایت دارند.

هدف از اجرای این پژوهش، ارزشیابی از نحوه و کیفیت اجرای برنامه کارورزی هنرجویان سال سوم شاخه کاردانش، شناسایی مشکلات (نقاط ضعف) اجرای برنامه و راه‌های ارتقای کیفیت آن بوده است. جامعه آماری این پژوهش را تمامی هنرجویان پایه سوم هنرستان‌های شاخه کاردانش در سه استان خراسان جنوبی، همدان و شهر تهران، کارشناسان و برنامه‌ریزان حوزه ستادی و استانی کاردانش، مدیران



بیان مسئله

مطالعات انجام شده در داخل و خارج از ایران نشان می‌دهند، برنامه‌های کارورزی علی‌رغم تأثیر قابل توجهی که در مهارت‌آموزی دارند، اما در اجرا و عمل با چالش‌های مهم و جدی مواجه هستند (www.journals.sfu, 2010). آیسیت^۱ (۲۰۰۴) می‌نویسد: هدف مهارت‌آموزی بر مبنای کارآموزی، ایجاد جاذبه در کارفرمایان برای استخدام کارآموزان یا زمینه‌سازی برای خوداشتغالی آنان است. نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که انجام کارآموزی احتمال اشتغال افراد را ۲۲ درصد در کل زنان و مردان افزایش داد.

گلاندا^۲ (۲۰۰۷) درباره اهمیت کارآموزی می‌نویسد: «کارآموزی و نظام دوال به‌طور سنتی در اتریش، دانمارک، آلمان و سوئیس باعث شده است که جوانان آغاز خوبی در بازار کار داشته باشند». **اکرام‌نیا^۳** (۱۳۸۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی مشکلات کارورزی و کارآموزی دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش از دیدگاه مربیان، مدیران، دانش‌آموزان و دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط در استان اصفهان»، اجرای فعلی درس کارورزی از نظر زمان، نحوه اجرا و مکان اجرا با مشکل مواجه است. از نظر دانش‌آموزان پسر شاخه کاردانش، بزرگ‌ترین مشکل کارورزی، طول دوره کارورزی و مشکل بعدی پیدا نکردن محل کارورزی است. از نظر مربیان بازدید کننده مرد وزن، مهم‌ترین مشکلات کارورزی دختران و پسران، زمان اجرای دوره، صلاحیت نداشتن بعضی از کارگاه‌ها، کافی نبودن آگاهی دانش‌آموزان، پراکندگی کارگاه‌ها برای بازدید و عدم پذیرش دانش‌آموزان دختر از سوی مراکز دولتی و کارخانجات بزرگ است. از نظر مدیران کارگاه‌ها و صنایع، مهم‌ترین مشکلات کارورزی، کم بودن نظارت بر کار دانش‌آموزان، جدی نگرفتن دوره کارورزی برای یادگیری، ناتوانی فیزیکی و جسمی بعضی از دانش‌آموزان است.

عزیزی^۴ (۱۳۹۱) پیشنهاد می‌کند، با توجه به اهمیت کارآموزی در محیط کار و خارج از مدرسه، کارورزی و تمرین مشاغل، به منزله راه‌های هم‌سو کردن آموزش و نیازهای اقتصادی جامعه، در تعامل با مراکز صنعتی و کارفرمایان صورت پذیرد تا دانش‌آموزان بتوانند در زمینه مشاغل موردنظر خود به تجربه‌اندوزی بپردازند.

پیریائی^۵ (۱۳۸۱)، در پژوهش خود با عنوان

کلیدواژه‌ها:

کارورزی، کاردانش، ارزشیابی کارورزی

«بررسی میزان اثربخشی دوره‌های کارآموزی و کارورزی بر مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش استان لرستان» نتیجه می‌گیرد: زمان و مدت دوره و محل دوره کارورزی بسیار مناسب و کافی است.

شوخی^۶ (۱۳۸۷) می‌نویسد: «مشکلات کارورزی شامل موارد مختلفی است که از مهم‌ترین آن‌ها ضعف قوانین و مقررات است که کارفرمایان کارگاه‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات را موظف به پذیرش کارآموزان نمی‌کند. همچنین، تفاوت زیاد بین محیط مراکز آموزشی و محیط کار، طرح‌های آموزشی توأم با کار در مدارس متوسطه و نظایر آن را با شکست مواجه ساخته است. با گذشت بیش از ۱۸ سال از اجرای شاخه کاردانش و برگزاری دوره‌های کارورزی، مدیران، برنامه‌ریزان و مجریان شاخه کاردانش از روند اجرای برنامه کارورزی، کیفیت اجرا و نقاط قوت و ضعف آن اطلاع دقیق و مستندی در اختیار ندارند و مشخص نیست که برنامه در حال اجرای کارورزی تا چه حد با برنامه قصد شده آن منطبق است. اینک با در نظر گرفتن مسائل فوق لازم است از برنامه کارورزی ارزشیابی به عمل آید تا به‌طور دقیق‌تری مسائل و مشکلات برسر راه تحقق اهداف آن مشخص شوند.

پرسش‌های پژوهش

۱. برنامه‌ریزان، کارشناسان و مدیران هنرستان‌های شاخه کاردانش تا چه اندازه از اهداف و ضوابط اجرای برنامه کارورزی آگاهی دارند؟
۲. برنامه‌ریزان، کارشناسان و مدیران هنرستان‌های شاخه کاردانش نحوه و کیفیت اجرای برنامه درسی کارورزی را تا چه حد متناسب با اهداف پیش‌بینی شده در برنامه ارزیابی می‌کنند؟
۳. مشکلات و مسائل اجرای برنامه از دیدگاه برنامه‌ریزان، کارشناسان و مدیران هنرستان‌های شاخه کاردانش کدام‌اند؟
۴. کارفرمایان تا چه حد از اهداف برنامه و ضوابط اجرای آن آگاهی دارند و تا چه حد اجرای آن را در مهارت‌آموزی کارورزان مؤثر می‌دانند؟
۵. مشکلات و مسائل اجرای برنامه کارورزی از دیدگاه کارفرمایان کدام‌اند؟
۶. والدین هنرجویان درباره کیفیت اجرای برنامه کارورزی و میزان رضایتمندی فرزندان خود در انجام آن چه نظری دارند و در اجرای برنامه با چه مشکلاتی مواجه بوده‌اند؟

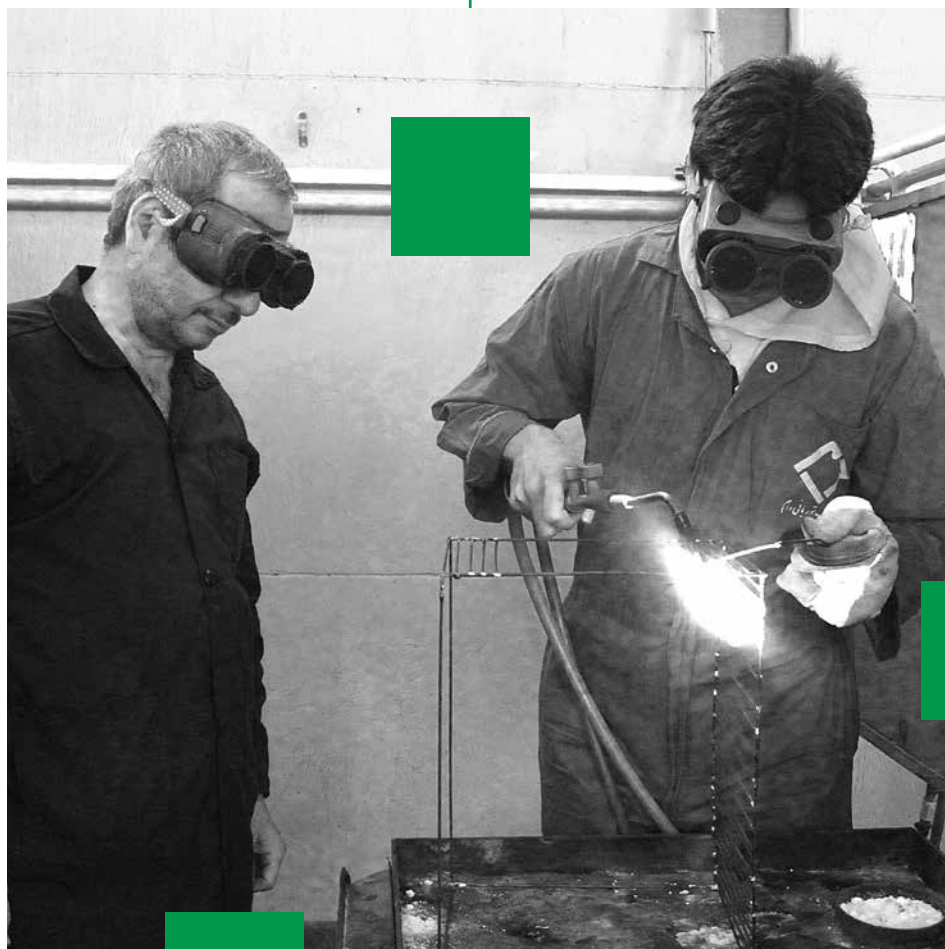
روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات ارزشیابی است که داده‌های آن از طریق مطالعات میدانی جمع‌آوری و به روش «مثلث‌سازی» با یکدیگر ترکیب شده‌اند. لازم به ذکر است که مثلث‌سازی انواع متفاوتی دارد که یکی از انواع آن مثلث‌سازی داده‌هاست. ابزارهای مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش عبارت‌اند از پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

تعداد نمونه‌های هنرجویان ۲۳۲ نفر، تعداد نمونه مدیران، برنامه‌ریزان و کارشناسان ۶۶ نفر، تعداد نمونه کارفرمایان ۶۷ نفر، تعداد نمونه والدین ۶۲ نفر، و تعداد مشاهدات از محل‌های کارورزی ۵۴ مورد بود. برای تعیین نمونه از بین مجریان و برنامه‌ریزان شاخه کاردانش در سطح ستاد وزارت آموزش و پرورش و ادارات کل، ۶ نفر از افراد فوق که

۷. ارزیابی کارورزان شاخه کاردانش از برنامه درسی کارورزی در حال اجرا چیست؟
۸. کارورزان تا چه حد اجرای کارورزی را در تقویت مهارت‌های فنی و تخصصی خود مؤثر می‌دانند؟
۹. کارورزان تا چه حد از نحوه اجرای کارورزی رضایت دارند؟
۱۰. کارورزان تا چه حد کارورزی را مرتبط با رشته تحصیلی خود می‌دانند؟
۱۱. کارورزان با چه مشکلاتی در ارتباط با شرکت در برنامه کارورزی مواجه بوده‌اند؟
۱۲. نحوه ارزشیابی از برنامه درسی کارورزی در حال اجرا چگونه است و تا چه حد با ضوابط مربوط هماهنگی دارد؟
۱۳. مشکلات و کاستی‌های برنامه درسی کارورزی در حال اجرا کدام‌اند؟
۱۴. برای ارتقای اثربخشی برنامه درسی قصد شده و برنامه درسی در حال اجرای کارورزی چه اصلاحاتی باید در آن اعمال شوند؟



هنرجویان
(کارورزان) ارزیابی
مثبتی از اجرای
برنامه کارورزی دارند

دارای تجربه بیشتری بودند، به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری برای تعیین استان‌های مورد مطالعه، به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام شد.

نتایج پژوهش

جمع‌بندی نظرات برنامه‌ریزان، کارشناسان و مدیران هنرستان‌های کار دانش در مورد پرسش اول پژوهش نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها ۵۶ درصد هدف انجام کارورزی را آشنایی با بازار کار، ۲۶ درصد عملی کردن مهارت‌های آموخته شده در هنرستان دانسته‌اند و ۱۸ درصد سایر موارد را مطرح کرده‌اند. این دو هدف بخشی از اهداف پیش‌بینی شده برای برنامه کارورزی هستند که در دستورالعمل کارورزی بیان شده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌ریزان، کارشناسان و مدیران هنرستان‌های کار دانش با هدف کلی برنامه کارورزی آشنا هستند، اما از اهداف کارورزی به طور تفصیلی آگاهی لازم را ندارند. با توجه به اینکه هدف برنامه درسی، مهم‌ترین مؤلفه برنامه محسوب می‌شود که جهت‌گیری برنامه درسی را تعیین می‌کند، عدم اطلاع و آگاهی لازم و کافی گروه‌های فوق‌الذکر (برنامه‌ریزان و مجریان) از اهداف برنامه، به آسانی می‌تواند مسیر اجرای برنامه را منحرف کند، برنامه درسی در حال اجرا را با چالش‌های زیادی مواجه سازد و کارایی و اثربخشی آن را کاهش دهد.

پرسش دوم پژوهش، در مجموع نظرات آن‌ها حاکی از نبود تناسب لازم بین نحوه و کیفیت اجرای برنامه کارورزی با اهداف و ضوابط در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، برنامه درسی در حال اجرا هم‌خوانی لازم را با اهداف برنامه قصد شده ندارد و همین امر سبب می‌شود که اجرای برنامه کارورزی از اثربخشی لازم برخوردار نباشد.

در مورد پرسش سوم پژوهش نشان می‌دهد که آن‌ها نقاط ضعف و مشکلاتی نظیر محدود بودن محل‌ها و مراکز کارورزی و پراکندگی آن‌ها، عدم همکاری لازم مؤسسات و کارفرمایان در پذیرش کارورزان، نپرداختن به موقع حق‌الزحمه کارورزی و توجه نبودن هنرجویان، والدین هنرجویان و کارفرمایان را به عنوان اهم مشکلات و نقاط ضعف اجرای برنامه کارورزی معرفی می‌کنند.

پاسخ پرسش چهارم پژوهش مبنی بر این است که: کارفرمایان نیز مانند برنامه‌ریزان، کارشناسان و

مدیران با اهداف تفصیلی برنامه کارورزی آشنایی لازم را ندارند. با توجه به اینکه کارفرمایان در اجرای مهارت‌آموزی نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کنند، ناآگاهی آنان از اهداف برنامه، به کیفیت اجرای برنامه آسیب جدی وارد خواهد کرد. در مشاهدات به عمل آمده از محل‌های اجرای کارورزی و از مصاحبه با کارفرمایان، یکی از موضوعاتی که ادراک و استنباط می‌شد، این بود که بخشی از کارفرمایان هدف از اجرای کارورزی هنرجویان را کسب مدرک تحصیلی تلقی می‌کردند و لذا جنبه مهارت‌آموزی از طریق انجام کارورزی را جدی نمی‌گرفتند.

جمع‌بندی نظرات کارفرمایان در مورد اینکه تا چه حد اجرای کارورزی را در مهارت‌آموزی کارورزان مؤثر می‌دانند، نشان می‌دهد که آنان انگیزه و علاقه هنرجویان را برای شرکت در اجرای برنامه کارورزی در سطح بالایی معرفی می‌کنند. یعنی رقی در حدود ۷۶ درصد آن‌ها، علاقه و انگیزه هنرجویان را از سطح متوسط تا بسیار زیاد اظهار داشته‌اند. همچنین، اکثر آن‌ها (۶۴ درصد) توان مهارتی هنرجویان را در سطح متوسط تا خوب عنوان کرده‌اند. تلفیق این دو دسته یافته، این جمع‌بندی را به دست می‌دهد که کارفرمایان اجرای برنامه کارورزی را در مهارت‌آموزی و افزایش مهارت هنرجویان مؤثر می‌دانند، زیرا از نظر آنان، هنرجویان هم از انگیزه بالایی برخوردار هستند و هم توان مهارتی آن‌ها در سطح خوبی قرار دارد و چون تلفیق این دو متغیر با یکدیگر می‌تواند فرایند یادگیری را بسیار تقویت کند، لذا از دیدگاه کارفرمایان، اجرای برنامه کارورزی اثربخشی لازم را دارد و می‌تواند در ارتقای توان مهارتی هنرجویان مؤثر باشد.

پرسش پنجم پژوهش مبنی بر این است که: نقاط ضعف (مشکلات) اجرای برنامه کارورزی از دیدگاه کارفرمایان کدام‌اند؟ بخشی از آنان مواردی از جمله ناآشنایی هنرجویان با قوانین و مقررات سازمانی و حضور نامنظم هنرجویان در محل کارورزی را به عنوان مشکلات اجرای برنامه کارورزی ذکر کرده‌اند. این موضوع که اغلب کارفرمایان در ارتباط با اجرای برنامه کارورزی مشکلی را مطرح نکرده‌اند، می‌تواند نشانگر آن باشد که آنان از مشارکت در اجرای برنامه کارورزی ناراضی نیستند. این نشان می‌دهد که زمینه برای مشارکت بخش‌های بیرون از آموزش و پرورش برای اجرای برنامه کارورزی فراهم است و این وظیفه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این

اجرای درس کارورزی از نظر زمان اجرا و طول دوره کارورزی با مشکل مواجه است

دفترچه‌های گزارش کار هنرجویان نشان‌دهنده آن بود که بخش عمده‌ای از سرپرستان کارورزی و مربیان در نمره‌گذاری واقعی و دقیق با حساسیت و جدیت عمل نکرده‌اند

وزارت است که از این ظرفیت مناسب و موجود به نحو لازم بهره‌برداری کنند.

درمورد پرسش ششم پژوهش، اکثر والدین از میزان همکاری مؤسسات محل کارورزی رضایت داشته و بخش عمده‌ای از آن‌ها اظهار کرده‌اند که در اجرای برنامه کارورزی فرزندان مشکلی نداشته‌اند. از طرف دیگر، بنا به اظهار اکثریت والدین، فرزندان آن‌ها از انجام کارورزی رضایت کامل داشته‌اند. جمع‌بندی این یافته‌ها نشان می‌دهد که نحوه و کیفیت اجرای برنامه کارورزی از نظر والدین در حد قابل قبولی قرار دارد. والدین هنرجویان در مورد مشکلات برنامه کارورزی و نقاط ضعف آن، مواردی همچون کمبود امکانات رفاهی در تابستان (تأمین وسایل سرمایشی)، دوری راه، تناسب نداشتن کارورزی با رشته مهارتی فرزندان و هم‌زمانی و تقارن زمان کارورزی با آماده شدن فرزندان برای شرکت در آزمون ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را معرفی کرده‌اند.



در مورد پرسش هشتم پژوهش، بیش از ۷۰ درصد کارورزان تأثیر انجام کارورزی را در تقویت و افزایش مهارت‌های تخصصی خود در سطح زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و حدود ۶۲ درصد، میزان رضایت خود را از انجام کارورزی در حد زیاد و خیلی زیاد مطرح کرده‌اند. از سوی دیگر، ۷۰ درصد آنان ارتباط کارورزی را با رشته تحصیلی‌شان زیاد و خیلی زیاد عنوان کرده‌اند. تلفیق این یافته‌ها نشان می‌دهد که هنرجویان (کارورزان) ارزیابی مثبتی از اجرای برنامه کارورزی دارند.

پرسش یازدهم پژوهش مبنی بر این است که: هنرجویان در ارتباط با برنامه کارورزی با چه مشکلاتی مواجه بوده‌اند؟

هنرجویان شرکت‌کننده در برنامه کارورزی، با وجود آنکه ارزیابی مثبتی از انجام کارورزی خود داشته‌اند، اما بخشی از آنان مشکلاتی را که در حین اجرای کارورزی خود با آن‌ها برخورد داشته‌اند بیان کرده‌اند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: گرمای هوا در فصل تابستان؛ تداخل با کنکور و فصل کار و تقارن با ماه رمضان (در سال‌های اخیر)؛ طولانی بودن زمان انجام کارورزی. این یافته‌ها با یافته‌های **اکرام‌نیا (۱۳۸۱)** هم‌خوانی دارد. او از مطالعه خود نتیجه گرفته است که اجرای درس کارورزی از نظر زمان اجرا و طول دوره کارورزی با مشکل مواجه است.

یافته‌های مطالعه در مورد پرسش دوازدهم نشان می‌دهد که ارزشیابی و نمره‌گذاری درس کارورزی از نظر شکلی کاملاً منطبق بر دستورالعملی است که در این رابطه به هنرستان‌ها ابلاغ شده است. اما از بعد کیفی، نمره‌گذاری و ارزشیابی از درس کارورزی هنرجویان با اشکالات و ایراداتی مواجه است که از آن جمله می‌توان به سهم‌بندی نامناسب نمرات سرپرست کارورزی، مربی ناظر و دفترچه گزارش کار اشاره کرد. به نظر می‌رسد این سهم‌بندی سبب تسهیل روند قبولی هنرجویان در درس کارورزی می‌شود، به‌ویژه آنکه مشاهدات مجری و سایر مشاهده‌کنندگان از محل‌های کارورزی و بررسی و مشاهده دفترچه‌های گزارش کار هنرجویان نشان‌دهنده آن بود که بخش عمده‌ای از سرپرستان کارورزی و مربیان در نمره‌گذاری واقعی و دقیق با حساسیت و جدیت عمل نکرده‌اند، بلکه با مسامحه و اغماض و نوعی تساهل برخورد کرده‌اند. اشکال دیگری که باید بدان اشاره و بر آن تأکید شود آن است که محتوای دستورالعمل کارورزی درمورد

برنامه درسی در حال اجرا هم خوانی لازم را با اهداف برنامه قصد شده ندارد و همین امر سبب می شود که اجرای برنامه کارورزی از اثربخشی لازم بر خوردار نباشد

توجه به مشکلاتی که در حین اجرای برنامه کارورزی طی سال های متمادی مشاهده کرده اند، مواردی از جمله اجرای غیر متمرکز و منعطف برنامه کارورزی و اجرای آن در طول سال تحصیلی، پرداخت به موقع حق الزحمه برنامه ریزان و مجریان کارورزی، همکاری بیشتر آموزش و پرورش در شناسایی و معرفی مراکز کارورزی، نظارت بیشتر در اجرای برنامه کارورزی و توجیه هنرجویان و والدین آنها نسبت به اجرای برنامه کارورزی پیشنهاد کرده اند.

کارفرمایان نیز پیشنهاد کرده اند که زمان اجرا از تابستان به طول سال تحصیلی منتقل شود تا برنامه کارورزی بهتر اجرا شود. والدین هنرجویان اجرای کارورزی در نزدیکی محل سکونت هنرجویان و حتی الامکان در داخل هنرستان محل تحصیل هنرجویان را پیشنهاد داده اند. هنرجویان نیز پیشنهاد کرده اند، کارورزی در طول سال تحصیلی انجام شود و در صورت اجرا در تابستان، محل کارورزی به وسایل سرمایشی مجهز شود و طول دوره کارورزی کاهش یابد.

از تلفیق نتایج و یافته های حاصل از نظرات و دیدگاه های گروه های درگیر در برنامه کارورزی درباره نحوه و کیفیت برنامه کارورزی، شناسایی برخی از نقاط قوت و ضعف اجرای برنامه و مشکلات اجرایی آن و مطالعه اسناد و مدارک برنامه درسی رشته های کاردانش و مطالعات و پژوهش های انجام گرفته در این زمینه می توان به این جمع بندی رسید که چالش ها، نقاط ضعف و مشکلات برنامه درسی کارورزی در حال اجرا، از دو مؤلفه «برنامه قصد شده» و «برنامه در حال اجرا» ناشی می شود.

* پی نوشت ها

1. Aysit
2. Glanda

* منابع

1. Aysit Tansel (2004) The effects of Apprenticeship Training scheme on Employment probability in Turkey Revised (2008) www.iza.org/ conference Improving The effectiveness of Transitioning from education to work 1.
2. www.journals.sfu2010Effectiveness, Efficiency and Impact of Indonseia, Apprenticeship program (2010) International Labor organization.
3. Wilson, Alls (1994), Technician Training, The Encyclopedia of education, second edition.

پیشنهادهای

- تمرکززدایی در اجرای برنامه کارورزی
- اجرای کارورزی در طول سال تحصیلی
- اصلاح ساز و کار ارزشیابی
- تشکیل بانک اطلاعاتی درمورد مراکز کارورزی
- طراحی و تدوین سازوکارهایی به منظور تشویق و ترغیب کارفرمایان به همکاری با آموزش و پرورش
- اعمال نظارت بیشتر بر اجرای برنامه کارورزی
- تشکیل کلاس های توجیهی برای مدیران، هنرجویان و اولیای آنها

شیوه ارزشیابی از کارورزی و کسب نمره قبولی هنرجویان بسیار منعطف است، به طوری که هرگاه هنرجویی در خردادماه و یا شهریورماه و حداکثر در دی ماه نتواند در درس کارورزی نمره قبولی کسب کند، می تواند با ثبت نام در دوره بزرگسالان، درس کارورزی را در قالب ۲ واحد درس نظری بگذارند. پرسش سیزدهم پژوهش مبنی بر این است که: در مجموع، نقاط ضعف (مشکلات) برنامه درسی در حال اجرا کدامند؟

نتایج حاصل از اجرای مصاحبه ها و پرسش نامه ها با گروه های درگیر در اجرای برنامه کارورزی، شامل برنامه ریزان، کارشناسان، مدیران، کارفرمایان، والدین هنرجویان و مشاهدات به عمل آمده از محل های کارورزی نشان می دهند که کاستی ها و مشکلات متعددی برنامه در حال اجرای کارورزی در شاخه کاردانش را رنج می دهد. این مشکلات (نقاط ضعف) که از زبان پاسخگویان (هر یک از گروه های ذی نفع) اعلام و بیان شده اند، در ادامه به اجمال معرفی می شوند:

از نظر برنامه ریزان، کارشناسان و مدیران، محدود بودن تعداد مراکز کارورزی و پراکندگی آنها، عدم همکاری لازم مؤسسات در پذیرش کارورزان، عدم پرداخت به موقع حق الزحمه عوامل اجرایی برنامه کارورزی و توجیه نبودن هنرجویان، والدین و کارفرمایان نسبت به اهداف و اجرای برنامه کارورزی مهم ترین کاستی ها و دشواری های برنامه کارورزی هستند

کارفرمایان به عنوان نیروهای صف و خط مقدم اجرای برنامه کارورزی که از نزدیک با اجرای برنامه کارورزی درگیر هستند، ناآشنایی هنرجویان با قوانین و مقررات سازمانی و حضور نامنظم هنرجویان (کارورزان) در محل کارورزی را مهم ترین مشکلات و کاستی های اجرای برنامه کارورزی عنوان کرده اند. والدین کاستی ها و مشکلات اجرای برنامه کارورزی را از این قرار دانسته اند: کمبود امکانات رفاهی در محل کارورزی؛ دوری راه؛ تناسب نداشتن برنامه کارورزی با رشته تحصیلی هنرجویان؛ هم زمان بودن اجرای برنامه کارورزی با آزمون ورودی دانشگاه ها. پرسش چهاردهم پژوهش مبنی بر این است که: برای ارتقای کیفیت برنامه قصد شده و در حال اجرای کارورزی چه اصلاحاتی باید در آنها به عمل آورد؟ برنامه ریزان و کارشناسان و مدیران که مسئولیت اجرای برنامه کارورزی را بر عهده دارند، با

راهکارهای

سازنده و مفید

برای افزایش کارایی

هنرجویان

و هنرآموزان

سیامک تقی‌پور بروجنی

مدیر هنرستان کار دانش خلیج فارس منطقه گندمان

نگار ستار بروجنی

کارشناس ارشد تربیت بدنی و هنرآموز هنرستان

اشاره

باعث شده‌اند که ما در معرض هجوم انواع بیماری‌های جسمی و روحی مانند فشار خون، تنگی نفس، گرفتگی عروق، اضطراب و استرس و سایر بیماری‌ها قرار بگیریم. در کنار تمام موارد فوق، شعار و تکیه مقام عالی وزارت مبنی بر کیفیت بخشی به فعالیت‌های آموزشی اهمیت مطلب را چندین برابر می‌کند.

در این میان، همکاران و هنرجویان عزیز نیز که علاوه بر موارد فوق با خستگی‌های ناشی از فعالیت‌های درسی روزانه درگیر هستند، هشت ساعت در روز می‌باید در کلاس یا کارگاه حضور داشته باشند، دچار انواع عارضه‌های جسمانی و روانی می‌شوند. تحرک نداشتن، نشستن کاملاً ساکن پشت میز یا نیمکت، عادات غلط در نشستن و راه رفتن و مدت زیاد کلاس‌ها و کارگاه‌ها از جمله عواملی هستند که هنرجو را شدیداً در معرض خطر قرار می‌دهند و با انواع بیماری‌های قلبی - عروقی، تنفسی، کاهش انعطاف مفاصل، ناهنجاری‌های جسمی و ... روبه‌رو می‌سازند.

امروزه گرایش‌های عملی و کاربردی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. به خصوص در کشور ما، با توجه به حقایق پیش‌رو نظیر اشباع شدن رشته‌های نظری، افزایش بی‌رویه افراد تحصیل کرده با مدارک مختلف دانشگاهی، کمبود نیروی ماهر و متخصص برای انجام کارهای تخصصی و ... این گرایش‌ها در کانون توجه قرار گرفته‌اند. از دیدگاهی دیگر، یکی از مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت کشورها، میزان رعایت موازین بهداشتی است. بهداشت خود دارای مؤلفه‌های گوناگونی نظیر بهداشت فردی و اجتماعی است و بهداشت فردی نیز شامل بهداشت روانی، جسمانی و ... می‌شود.

تغییر روش زندگی در جوامع امروزی نیز زنگ خطری است که همگان می‌باید برای اصلاح آن دست‌به‌دست یکدیگر دهند. در عصر حاضر نحوه غلط زندگی ما انسان‌ها به واسطه وابستگی شدید به فناوری، فقدان تحرک بدنی لازم، فشارهای ناشی از استرس‌های روزمره، خستگی‌های جسمانی و روحی و روانی و ...

کلیدواژه‌ها:
افزایش کارایی، ورزش،
بهداشت، فرهنگ‌سازی،
کشتش و نرمش

امکان متمایل به تمرینات کششی «تسهیل عصبی-عضلانی عمیق»^۱ باشند تا بالاترین و بهترین تأثیرات را بر جسم و روح بگذارند.

تسهیل عصبی - عضلانی عمیق

شیوه‌ای از تمرینات کششی است که در آن از انقباضات ایزومتریک پیش از کشش ایستاتیک و ساده استفاده می‌شود. این نوع تمرینات، با استفاده از سازوکارهای عصبی، کشش عضله را تا حداکثر اندازه و طول امکان‌پذیر می‌سازد. شایان ذکر است که این تحقیق برای هنرجویان رشته‌های نقشه‌کشی سازه و معماری، تابلوساز برق صنعتی و تصویرسازی رایانه انجام پذیرفته، ولی قابل تعمیم به اکثر گرایش‌هاست.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی و مقایسه کلاس‌هایی که نرمش و حرکات کششی را انجام دادند با کلاس‌هایی که آن‌ها را انجام ندادند، موارد زیر مشاهده شد:

● هنرآموزانی که طی روز به انجام حرکات مبادرت ورزیدند، تا آخرین لحظه کلاس و یا کارگاه هشت ساعته قابلیت یادگیری و پذیرش مطلب داشتند. این در حالی بود که در کارگاه و کلاسی که این نرمش‌ها و حرکات کششی انجام نشد، ظرفیت بالایی برای یادگیری و یاددهی در ساعات پایانی مشاهده نشد و طی همین مدت بی‌حوصلگی و خستگی مفرط هنرجویان مشاهده شد.

● شادی و نشاط در کلاس‌ها و کارگاه‌هایی که نرمش کششی را انجام می‌دادند، بسیار مشهود بود. در صورتی که برعکس، در کلاس و کارگاه‌هایی که این حرکات را انجام ندادند، شادی و نشاطی وجود نداشت.

● در کلاس‌ها و کارگاه‌هایی که حرکات کششی را انجام دادند، گاه شاهد اصلاح رفتارهای غلط و اخلاق تند و پرخاشگری بودیم که طی مدت حضور دبیر و یا هنرآموز در کلاس، کنترل کلاس و کارگاه برای ایشان بسیار راحت‌تر بود.

● در پایان دوره اجرای طرح، اصلاح شیوه‌های غلط حرکتی، مانند گوزپشت شدن، قوز کردن و ... مشاهده شد.

نحوه انجام حرکات

شروع حرکات با کشش‌ها آغاز و به نرمش‌ها ختم می‌شود. در انجام حرکات کششی به میزان ۱۲ ثانیه مکث نیاز است.

در تحقیق حاضر سعی بر آن بوده است که با طراحی تعدادی از حرکات کششی نرمشی پشت میز و داخل کلاس و کارگاه، نه تنها مانع از ایجاد بیماری‌های جسمانی شویم، بلکه بتوانیم با تقویت روحیه و ایجاد شادابی در محیط کلاس، به پیشبرد اهداف والای آموزش یاری رسانیم و در نهایت در راستای فرهنگ‌سازی و ایجاد تندرستی و شادابی در جامعه گام بلندی برداریم.

مقدمه

تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که انجام تمرینات ورزشی و حرکات کششی نرمشی باعث افزایش کارایی جسمانی و روانی خواهد شد. انجام حرکات کششی و نرمشی، علاوه بر افزایش انعطاف‌پذیری مفاصل، باعث تقویت عضلات، افزایش ضربان قلب و فشار خون، افزایش تعداد تنفس حین انجام حرکات و در نهایت تقویت سیستم قلبی-عروقی و تنفسی بدن می‌شود. ضمن اینکه انجام این حرکات از استرس و اضطراب می‌کاهد و در مقابل میزان دقت و هوشیاری و آگاهی فرد را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. با توجه به تحقیقات انجام شده در بخش مشاوره، برای هر ۴۵ دقیقه فعالیت آموزشی و یادگیری، هفت تا هشت دقیقه استراحت و یا فعالیت‌بدنی پیشنهاد شده است. تحقیق حاضر نیز به دنبال بررسی اثرات اجرای از قبل برنامه‌ریزی شده تمرینات کششی و نرمشی است به‌خصوص در کارگاه‌ها و کلاس‌های مدارس کاردانش، با توجه به هشت ساعته بودن زمان کلاس‌ها و کارگاه‌ها، به بررسی اثرات هفت تا هشت دقیقه فعالیت کششی نرمشی در پایان ۴۵ دقیقه اول کلاس پرداخته شده است.

امید که انجام این تحقیق هر چند ناچیز، ضمن ایجاد سلامتی و شادی و نشاط، باعث بهبود کارایی و کیفیت‌بخشی امور آموزشی و پرورشی و اهداف والای تعلیم و تربیت شود.

برنامه‌ریزی

در انتخاب حرکات کششی و نرمشی سعی شده است ترتیب خاصی رعایت شود، به‌طوری‌که حرکات از عضلات و مفاصل بزرگ شروع و به عضلات و مفاصل کوچک ختم می‌شوند. همچنین، تمرینات از پایین تنه شروع و به بالاتنه ختم می‌شوند. در اجرای اکثر این تمرینات از میز و صندلی به عنوان یار کمکی و یا وسیله کمکی استفاده شده است، چرا که در نظر محقق این تمرینات باید تا حد

**انجام حرکات
کششی و نرمشی،
علاوه بر افزایش
انعطاف‌پذیری
مفاصل، باعث تقویت
عضلات، افزایش
ضربان قلب و فشار
خون، افزایش تعداد
تنفس حین انجام
حرکات و در نهایت
تقویت سیستم
قلب-عروقی و
تنفسی بدن می‌شود**

ترتیب حرکات به شرح زیر است:

۱. کشش عمومی بدن: در انتهای صندلی در حالتی که کمر راست و کشیده است، بنشینید. دست‌ها را در یکدیگر قلاب کنید و به بالا بکشید. زمان لازم برای این حرکت ۱۲ ثانیه است (تصویرهای ۱ و ۲)



۲. کشش عضلات کمر، دوزنقه و سرینی: جلوی صندلی بنشینید و دست‌ها را روی میز کاملاً کشیده، به‌صورتی که سر با میز تماس یابد، قرار دهید. زمان لازم برای این حرکت ۱۲ ثانیه است (تصویرهای ۳ و ۴)



۳. کشش عضلات کتف و دلتوئید: یکی از دست‌ها را به سمت جلو میز به‌صورت کشیده قرار دهید. دست دیگر را از زیر آن عبور دهید و با زاویه قائمه به سمت لبه میز بکشید؛ به اندازه‌ای که عضله دلتوئید دچار کشش شود. این حرکت را به مدت ۱۲ ثانیه انجام دهید. این حرکت برای هر دو عضله دلتوئید چپ و راست اجرا می‌شود (تصویرهای ۵ و ۶)



۴. کشش عضلات دست، دوقلو، سرینی و کمر: لبه صندلی بنشینید و در حالتی که زانوها صاف هستند، دست‌ها را به انگشتان پا نزدیک کنید. زمان مورد نیاز برای این حرکت ۱۲ ثانیه است. (تصویرهای ۸ و ۷)



۵. کشش عضلات پشت ران و سرینی میان: وسط صندلی بنشینید و زانوی پای راست را به داخل بدن بکشید. پای مخالف می‌باید روی زمین باشد و از زمین جدا نشود. این حرکت را برای پای چپ نیز به همین شکل انجام دهید. زمان مورد نیاز برای این حرکت ۱۲ ثانیه است. (تصویرهای ۹ و ۱۰).



۶. کشش عضلات کمر، دست، کتف و جلو ران: لبه صندلی بنشینید، پای راست را پشت زانوی چپ قرار دهید و بالا تنه را به سمت چپ بچرخانید. عکس این حرکت را نیز با قرار دادن پای چپ پشت زانوی راست و چرخش به سمت راست انجام دهید. به مدت ۱۲ ثانیه این حرکت را انجام دهید (تصویرهای ۱۱ و ۱۲).



۷. کشش عضلات سه سر بازو، دورکننده کتف و بین دنده‌ای: دست راست را از پشت، بین کتف‌ها قرار دهید و با دست چپ آرنج را به سمت چپ بکشید. همین حرکت را با قرار دادن دست چپ بین دو کتف و کشش آرنج آن با دست راست نیز انجام دهید. ۱۲ ثانیه برای انجام این حرکت در نظر گرفته می‌شود (تصویرهای ۱۴ و ۱۵)



۸. کشش عضلات خم‌کننده انگشتان و خم‌کننده مچ دست: دست راست را کاملاً بکشید و با دست چپ پنجه دست راست را به سمت عقب فشار دهید. این حرکت را برای دست چپ نیز انجام دهید. زمان انجام این حرکت ۱۲ ثانیه است (تصویرهای ۱۶ و ۱۷)



۹. کشش عضلات کتف، دلتوئید، سه سر بازو، تحت خاری و تحت کتفی: دست راست را کاملاً بکشید و با پنجه دست چپ پشت آرنج دست راست را به داخل بدن بکشید. این حرکت را برای دست راست نیز به همین روش انجام دهید. زمان لازم برای این حرکت ۱۲ ثانیه است (تصویرهای ۱۸ و ۱۹)



۱۰. **کشش عضلات گردن:** کف دست راست را به سمت راست صورت بگیرید و با سر به کف دست فشار وارد کنید. سمت چپ را نیز با دست چپ انجام دهید و قسمت‌های جلو و عقب سر را نیز به همین ترتیب به کشش وادارید. زمان مناسب برای هر حرکت ۱۲ ثانیه است (تصویرهای ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳).



در این مرحله کشش‌ها به پایان می‌رسند و نرمش‌ها را آغاز می‌کنیم:
۱. **نرمش پای دوچرخه:** روی صندلی بنشینید و با دست‌ها لبه محل نشستن روی صندلی را بگیرید و پاها را به صورت دورانی همانند پازدن دوچرخه حرکت دهید. برای هر پا ۱۵ تکرار انجام دهید (تصویرهای ۲۴ و ۲۵).



۲. **نرمش پای قیچی:** لبه صندلی بنشینید، زانوها را صاف کنید و پاها را به صورت قیچی حرکت دهید. این حرکت را ۱۵ بار تکرار کنید (تصویر ۲۶)



۳. **نرمش کمر (مربوط به عضلات راست و مورب شکمی و بین دنده‌ای):** آرنج‌ها را خم کنید و نوک انگشتان دو دست را در طرفین صورت قرار دهید؛ به نحوی که بازوها موازی زمین قرار گیرند. در این حالت بدن را از قسمت کمر به سمت راست و چپ بچرخانید. این حرکت را ۱۵ بار تکرار کنید (تصویر ۲۷).



۲۶



۲۵

۴. **نرمش عضلات دست:** دست‌ها را به صورت کشیده به موازات زمین قرار دهید، پنجه دست‌ها را جمع و مشت کنید و با حرکت و چرخش دست‌ها از ناحیه کتف، دایره کوچکی تشکیل دهید. این نرمش را ۱۵ بار تکرار کنید (تصویرهای ۲۸ و ۲۹).



۲۸



۲۷

۵. **نرمش عضلات دست و سینه:** دست‌ها را به صورت کشیده به موازات زمین قرار دهید، کف دست‌ها را به سمت جلو بگیرید و دست‌ها را از کتف به موازات زمین به جلو و عقب، موازی «محور ساجیتال» بدن حرکت دهید. این حرکت را ۱۵ بار تکرار کنید (تصویر ۳۰).



۳۰



۲۹

۶. **نرمش کمر (مربوط به عضلات مورب شکمی و بین دنده‌ای):** دست‌ها را باز کنید و کاملاً کشیده، نگه دارید. کف دست‌ها به سمت رویه‌رو باشند. اکنون بدن را از کمر به سمت راست و چپ خم کنید. این حرکت را ۱۵ بار تکرار کنید. (تصویرهای ۳۱ و ۳۲).



* پی‌نوشت‌ها

1. proprioceptive Neuromuscular Facilitation

۲. محور سهمی یا ساجیتال محوری است که از جلو به طرف عقب بدن عبور می‌کند و بر سطح عرضی عمود است. برای دیدن حرکات حول این محور باید از رویه‌رو یا پشت به بدن انسان نگاه کرد (پایگاه علمی تندرستی و علوم ورزشی - <http://sportse.ir>).

* منابع

۱. میرفتاح، فاطمه (۱۳۷۰). فیزیوتراپی ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۲. دبلیو، فلویید (۱۳۸۳). اصول حرکت‌شناسی ساختاری.
۳. دانشمند، حسن، قراخانلو، رضا و عزیزآبادی، فراهانی، ابوالفضل (۱۳۷۰). حرکات اصلاحی و درمانی. جهاد دانشگاهی، تهران.
۴. عزیز آبادی فراهانی، ابوالفضل (۱۳۷۴). حرکات اصلاحی. دانشگاه پیام نور.
۵. لارنس ای هالت، لارنس (۱۳۶۹). تمرینات کششی PNF. دانشگاه تهران.
۶. لطافت کار، امیر و دانشمندی، حسن (حرکات اصلاحی پیشرفته).
۷. سخنگویی، یحیی، کلیات تمرینات اصلاحی.
۸. موسوی ساداتی، سید کاظم، اصلاح ناهنجاری‌های جسمانی با حرکات ورزشی، انتشارات علم و ورزش.
۹. لطافت کار، خداداد، بخششی هریس، مهدی، و قربانی، سهراب، حرکات اصلاحی و درمانی. انتشارات بامداد کتاب.
۱۰. داوودی، نسرين، حرکت اصلاحی کاربردی در خانه و مدرسه.



**ایجاد سلامتی و شادی
و نشاط، باعث بهبود
کارایی و کیفیت بخشی
امور آموزشی و
پرورشی و اهداف والای
تعلیم و تربیت می‌شود**



اشاره

حجم سنگین کارها و برنامه‌های آموزشی نظام جدید در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آستانه شروع سال تحصیلی، وظایف و دغدغه‌های فراوانی را برای کارشناسان برنامه‌ریزی و مؤلفان بسته‌های آموزشی به وجود آورد که به یاری خداوند وظایف محوله به بهترین نحو انجام خواهند گرفت. البته لازم است با خلاقیت و به کار گرفتن شیوه‌های گوناگون اجرایی و مدیریتی شرایط را برای استفاده بهینه و با کیفیت‌تر از وقت و زمان مهیا کرد. یکی از شیوه‌هایی که کمک شایانی به استفاده بهینه از وقت می‌کند، عامل مؤثری در جلوگیری از هدر رفت زمان است و سبب کیفیت بخشی کار کارشناسان در حوزه برنامه‌ریزی درسی می‌شود، «برگزاری نشست تخصصی کارشناسان، گروه‌های تألیف و اعضای کمیسیون‌های تخصصی»، برای جمع‌بندی مراحل از فرایند تدوین و تألیف است.

در همین راستا، «دفتر تألیف کتب درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش» در طول سال در چند نوبت به برگزاری این قبیل نشست‌ها اقدام می‌کند که تاکنون بیش از ۳۰ نشست در زمینه مهارت‌های فنی و غیرفنی، برنامه‌ریزی درسی و آموزشی و تألیف برگزار شده است. آخرین آن‌ها نشست پنج روزه‌ای با عنوان «گردهمایی کارشناسان برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش» بود که از ۱۸ تا ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ در مجتمع آموزشی-فرهنگی رشد در شهرستان تنکابن با حضور ۶۲ نفر از کارشناسان، اعضای کمیسیون‌های تخصصی، مؤلفان و کارکنان دفتر و سازمان برگزار شد. در ادامه به گوشه‌ای از چگونگی برگزاری این نشست اشاره می‌شود.

حلقه‌ای مهم در برنامه‌ریزی درسی

نشست‌های تخصصی کارشناسان برنامه‌ریزی و تألیف در فرایند برنامه‌ریزی درسی و آموزشی

محمد کفاشان

چرایی نشست‌ها

فلسفه نشست‌های کارشناسی را می‌باید با توجه به اهداف، مأموریت‌ها و شیوه‌های عملکردی کارشناسان تعریف و تبیین کرد. هر چه فرایند عمل کارشناسی عمیق‌تر و پیچیده‌تر باشد، ضرورت این نوع نشست‌ها برای هماهنگی و استانداردسازی عملکرد مجریان بیشتر است. البته هدفمندی، مبتنی بر برنامه بودن، به موقع بودن و ... از نکات مهمی است که باید این نشست‌ها داشته باشند. در این صورت می‌توان امیدوار بود که نشست تخصصی باعث هماهنگی، انسجام، انضباط، همدلی، اعتمادبه‌نفس، تمرکز مثبت و مولد، سرعت عمل و به نتیجه رسیدن مطلوب امور شود. در آخرین نشست دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای و کاردانش هم همین مؤلفه‌ها باعث تسریع، استفاده بهینه از وقت و ارتقای کیفیت برنامه‌های دفتر شد که به صورت خاص به بعضی از اهدافی که دفتر برای این نشست در نظر داشت، به اجمال اشاره می‌شود:

اهداف نشست

- تبیین برنامه درسی جدید آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ابلاغی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش؛
- تبیین، بحث، تبادل نظر، جمع‌بندی و تصویب برنامه و چارچوب کلی کتاب دانش فنی پایه در راستای جلسات و نشست‌های تخصصی کارشناسان دفتر؛
- جمع‌بندی اولیه مطالب و تألیفات مرتبط با دانش فنی پایه توسط کمیسیون‌های تخصصی، در ادامه جلسات ذی‌ربط در دفتر و ارائه ویرایش اول کتاب دانش فنی هر رشته؛
- تبیین، بحث، تبادل نظر، جمع‌بندی و تصویب برنامه و چارچوب کلی درس‌های مشترک گروه‌ها در راستای جلسات و نشست‌های تخصصی کارشناسان دفتر؛
- بررسی فصل اول کتاب درسی مشترک گروه‌ها،

براساس برنامه درسی و الگویی که قبل از آن در شورای راهبری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دفتر تهیه شده است؛

- ارائه مدل اجرایی برای مدیریت علمی و کارشناسی نتایج اعتباربخشی کتاب کارگاه تخصصی اول پایه دهم و نیز چگونگی تکمیل فرایند تهیه فیلم آموزش مدرسان، فیلم آموزشی هنرجو و نرم‌افزار آموزشی هنرجو.

چگونگی برگزاری این نشست‌ها

نحوه برگزاری نشست‌های تخصصی از جهات مختلف، متناسب با اهداف نشست متفاوت است. بعضی یک روزه، بعضی چندروزه، بعضی به شکل کارگاهی، بعضی به صورت میزگرد و ... برگزار می‌شوند. اما در هر صورت معمولاً هر فعالیت هدف محور دارای سه مرحله اساسی است: مرحله قبل از اجرا، مرحله حین اجرا و مرحله بعد از اجرا. بر همین اساس، نشست کارشناسان دفتر فنی و حرفه‌ای هم مطابق این سه مرحله کارش را برنامه‌ریزی و اجرا کرد که در ادامه خلاصه‌ای از آن را آورده‌ایم:

برنامه پنج روزه کارگاه به گونه‌ای طراحی شده بود که ۱۶ جلسه ۲/۵ ساعته را در خود جای داده بود. برنامه از بعد از ظهر روز شنبه شروع شد و تا ظهر روز چهارشنبه همان هفته ادامه یافت. روال کار این گونه بود که ابتدای کارگاه جلسه افتتاحیه برای توجیه و هماهنگی کارشناسان از حیث چگونگی اجرا در محل سالن جلسات کارگاه آموزشی مجتمع برگزار شد و متعاقب آن رشته‌های مختلف در گروه‌های مجزا تقسیم و کار خود را شروع کردند. برنامه روزانه کارگاه به این صورت بود که در آغاز هر روز، یک نشست هماهنگی و ارائه عملکرد برگزار می‌شد و کارشناسان گزارش عملکرد روز قبل خود را بیان می‌کردند و مدیران نیز به تبیین برنامه روز جاری می‌پرداختند.

می‌توان امیدوار بود که نشست تخصصی باعث هماهنگی، انسجام، انضباط، همدلی، اعتمادبه‌نفس، تمرکز مثبت و مولد، سرعت عمل و به نتیجه رسیدن مطلوب امور شود



پس از پایان نشست، بلافاصله و از روزهای پنج‌شنبه و جمعه، اکثر کمیسیون‌ها در دفتر تشکیل شدند و به کمک اعضای کمیسیون مربوط مسائل مرتبط بررسی شدند و نسبت به آماده‌سازی کتاب دانش فنی پایه و سایر برنامه‌های دیگر اقدام شد.

نتیجه این نشست‌ها

دست‌آورد هر نشستی در راستای اهداف خود تعریف می‌شود که با توجه به جامعیت برنامه و مطلوبیت اجرا میزان رسیدن به هدف نشست متفاوت خواهد بود. در خصوص آخرین نشست کارشناسان فنی و حرفه‌ای می‌توان گفت تمامی اهدافی که برای این نشست پیش‌بینی شده بود، محقق شدند؛ از جمله مواردی به شرح زیر:

۱. پیشبرد امور و به روز شدن فعالیت‌های کارشناسان در رشته‌های مختلف متناسب با اهداف

از پیش تعیین شده.

۲. آماده‌سازی و انجام ویرایش اول کتاب دانش فنی پایه، درس مشترک گروه‌های مختلف فنی و حرفه‌ای که عبارت‌اند از:

الف) برای گروه کشاورزی، درس آب، خاک، گیاه

ب) برای گروه هنر، درس طراحی و عناصر بصری

ج) برای گروه خدمات، درس ارتباط مؤثر

د) برای گروه صنعت، درس نقشه‌کشی رایانه‌ای

۳. نهایی شدن چگونگی جمع‌بندی نتیجه اعتباربخشی کتاب کارگاه تخصصی (۱) که توسط هنرآموزان استان‌ها از طریق سامانه اعتباربخشی سازمان در حال انجام است.

۴. مشخص شدن چگونگی تکمیل فرایند تهیه فیلم آموزش مدرسان، فیلم آموزشی هنر جو و نرم‌افزار آموزشی هنر جو.



یادی از زنده‌یاد مهندس داود نجف‌زاده، داور کتاب‌های آموزشی در حوزه مکانیک

فقدان پشتمانهای قوی در گروه داور کتاب‌های آموزشی



طبق معمول هر روز صبح، نیم‌نگاهی به تابلوی اعلامیه‌های دفتر داشتم تا شاید از برنامه سخنرانی‌ها، میزگردها و... خبری کسب کنم. ولی آن روز تابلو را متفاوت از روزهای قبل دیدم. چهره‌ی مردی که می‌شناختمش، داشت مرا از پشت در شیشه‌ای تابلو فرامی‌خواند. جلوتر که آمدم، باورم شد که خبر تابلو واقعاً متفاوت از روزهای قبل است، زیرا تصویری که می‌دیدم، چهره‌ی شناخته شده‌ی مرحوم مهندس نجف‌زاده بود.

تابلوی خبرهای دفتر، خبر رحلت و کوچ او را در معرض دیدگان قرار داده بود!

تازه بازنشسته شده بود، ولی همچنان کارایی و توانمندی او را که همیشه تبسمی هم بر چهره داشت، شاهد بودیم. قریب ۱۴ سال بود که او را در کار داور کتاب‌های حوزه فنی و حرفه‌ای و کار دانش می‌شناختم. انصافاً پشتمانهای قوی در تیم داور سامان بخشی کتاب‌های آموزشی بود. مرحوم نجف‌زاده، به مدد متانت و خوش‌رویی وصف‌ناپذیرش توانسته بود با ناشران، مؤلفان و صاحب‌نظران تعامل خوبی به‌وجود آورد. شناخت او از معیارها و استانداردهای کتاب‌های آموزشی در حوزه فنی و حرفه‌ای سبب شد که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی او را به‌عنوان متولی تدوین «سند فنی و حرفه‌ای و کار دانش» انتخاب کند و نخستین سند این حوزه به ابتکار ایشان تدوین شد.

عملکرد خوب مرحوم نجف‌زاده در داور کتاب‌ها فرصتی به‌وجود آورد تا باب گفت‌وگو با ناشران و مؤلفان باز شود. به یاد دارم که در دفتر، قریب به ۲۰ تا ۳۰ جلسه با ناشران فنی برگزار کردیم که به دلیل حضور ایشان تعامل خوبی برقرار شد.

مهندس نجف‌زاده یکی از مدعوین فعال نمایشگاه کتاب بود و هنگامی که با ناشران برای دعوتشان به نمایشگاه تماس می‌گرفتم، حضورشان را مشروط به حضور ایشان اعلام می‌کردند. این دلبستگی نشان می‌دهد که نجف‌زاده بیش از یک دهه فعالیت در تیم داور سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی به عضو محبوب و پشتمانهای قوی در طرح مذکور تبدیل شده بود.

روحش شاد و یادش گرامی باد!



را کناری گذاشتم
و در فاصله‌ای ۲۰
متری مشغول چیدن
پونه شدم.

کمی که چیدم، سرم
را بالا گرفتم و به طرف
دستمال نگاهی کردم. دیدم
سه کلاغ بر سر دستمال نان در
حال جدال هستند. به طرف آن‌ها
دویدم. دو تا از آن‌ها پرواز کردند و کلاغ
سوم دستمال نان را به منقار گرفت و پرواز کرد.
دو کلاغ دیگر روی آسمان از چپ و راست به او
حمله می‌کردند و من به امید اینکه شاید جدال
هوایی آن‌ها که گاهی هم چرخشی بود، سبب شود
که کلاغ دستمال را رها کند، روی زمین در مسیر
آن‌ها می‌دویدم.

ناگهان کلاغ صاحب دستمال نان، در یک حرکت
عمود پرواز، اسیر شیرجه کلاغ چهارمی شد و
دستمال را رها کرد. دستمال نان رقص کنان به طرف
زمین آمد و داخل جویبار افتاد. آب دستمال را به
سرعت می‌برد و من در حاشیه جویبار می‌دویدم.
اما جویبار گود بود و علف‌های هرز کنار جویبار مانع
از رسیدن دست به دستمال می‌شدند. پیچ و خم
رودخانه نیز مزید بر علت بود.

چندین بار خم شدم و کوشیدم که دستمال
را بگیرم، اما نشد. در حاشیه جویبار می‌دویدم و
حرکات دستمال را نگاه می‌کردم.

بالاخره جویبار وارد استخر آب بزرگی شد و
دستمال نان درست در وسط استخر روی آب
می‌چرخید. از گودی استخر خبر نداشتم و دستم
نیز به دستمال نمی‌رسید. در حاشیه استخر ایستاده
بودم و مشغول فکر کردن بودم که چگونه آن را
بگیرم که مرد زارعی با الاغ خود به حاشیه استخر
رسید. از الاغ پیاده شد و سلام و احوال‌پرسی کردیم.
به او خدا قوت گفتم و جریان را برایش توضیح
دادم. گفت کاری ندارد. به آخر استخر رفت و مقدار
خروجی آب را زیاد کرد. دستمال نان را در محل
خروج آب از استخر گرفت و آن را باز کرد. نان خمیر
شده بود، اما پنیر و ماست سالم بود. نان‌های خمیر را
روی سبزه‌ها پهن کرد و گفت قسمت کلاغ‌ها نبوده،
سه‌م پزندگان دیگر است. من خود را معرفی کردم
که معلم روستای خیرآباد هستم. ایشان هم گفت
من **حسنعلی** هستم و کارم کشاورزی است.

در حاشیه استخر چند درخت بیدمجنون کهنسال

شیطننت کلاغ و شناسایی چند گیاه خوراکی!

علی محمدبخشوده

سال ۱۳۳۷، من در روستای «خیرآباد» معلم بودم
و دوستم آقای **احمدی** در روستای دیگری به نام
«دوغ‌آباد». ما با هم قرار گذاشته بودیم، هفته‌ای یک
مرتبه نشستی داشته باشیم تا در خصوص روش‌های
تدریس و آموزش نکات اخلاقی، دینی و بهداشتی و
کارهای عملی در روستا با دانش‌آموزان کار کنیم. بدین
منظور و طبق قرار قبلی، یک روز صبح برای رفتن به
روستای دوغ‌آباد کمی پنیر محلی و مقداری ماست
چکیده و با کمی نان محلی در دستمالی گذاشتم و
گروه زدم و دوچرخه‌ام را برداشتم و عازم دوغ‌آباد شدم.
چند کیلومتری که رفتم، بین راه به جویباری رسیدم
که آب زلال و روانی داشت و در حاشیه آن گیاهان
بسیار و همچنین گیاه پونه روییده بود. دستمال نان



سبزی آشک: این گیاه رویش جهانی دارد و در روستا بیشتر در آش رشته، کوکو و بورانی از آن استفاده می‌کنند.

خرقه: برگ‌های گوشتی این گیاه را اغلب به صورت بورانی و یا با کشک و پیاز داغ استفاده می‌کنند که بسیار خوشمزه است. خرقه دارای فسفر، آب و املاح و ویتامین هاست.

سلمه تره: سطح برگ‌های این گیاه سبز و زیر برگ نقره رنگ است. برگ را که لمس می‌کنیم، تر به نظر می‌رسد و خنک است. این گیاه مثل اسفناج و از همین خانواده است. دارای آهن، ویتامین C و انواع دیگری از ویتامین هاست. این گیاه رویش جهانی دارد. **بومادران:** این گیاه هم خوراکی و هم دارویی است. میکروب کش و ضد عفونی کننده است. کمی از آن در آش رشته، آن را خوشمزه و مطبوع می‌کند. همچنین از عصاره این گیاه در کارخانه‌ها استفاده زیادی از نظر خوراکی و صنعتی می‌کنند.

پنیرک: این گیاه میوه گردی دارد و در روستا آن را به نام «نان» کلاغ می‌شناسند. در روستا بیشتر در آش، کوکو و بورانی از آن استفاده می‌کنند. **پنجه کلاغی یا پاغازک:** از این گیاه بیشتر در پلو استفاده می‌کنند و با جمع دیگر گیاهان در کوکو، حسنعلی می‌گفت بیشتر خوشمزگی کوکو به خاطر پنجه کلاغی است.

سیریش: این گیاه ۱۰ تا ۱۵ سانتی متر بلندی دارد و خوراکی است. زمانی که گل کرد، ریشه آن مصرف صنعتی پیدا می‌کند و غالباً در چسباندن اشیاء، در کفashi‌ها و غیره مصرف دارد.

پیچک صحرايي: ساقه آن بر سطح زمین می‌خزند و گل‌هایش قیفی شکل‌اند. با گیاهان دیگر استفاده غذایی دارد.

در روستا که بودم، در سال ۱۳۳۸ در کنکور دانشگاه تهران شرکت کردم و قبول شدم.

در دانشگاه تهران استادان گیاه‌شناسی ما، شادروان دکتر **علی زرگری** و شادروان دکتر **ناصر مفتاح** بودند که گیاهان را هم با نام لاتین و هم خواص دارویی آن‌ها در پنج رشته گیاهان خوراکی، دارویی، زینتی، سمی و صنعتی به ما معرفی می‌کردند. اکنون ۵۷ سال از آن زمان می‌گذرد در این مدت من با هزاران گونه گیاهی دیگر آشنا شده‌ام. به خاطر این همه نعمت‌های ارزشمند هر لحظه باید شاگرد درگاه با عظمت الهی باشیم و از یاد او غافل نشویم.

وجود داشت که انتهای شاخه‌های بلند و پریشان آن‌ها تا سطح آب استخر رسیده بود. انعکاس تصویر درختان بیدمجنون در آب زلال استخر، منظره زیبایی ترسیم کرده بود. من و حسنعلی زیر سایه این درختان مشغول غذا خوردن شدیم. گفتم: «آقای حسنعلی کوکوسبزی شما خیلی خوشمزه است!»

ایشان با دست اشاره‌ای به گستره سرسبز دشت و دمن کرد و گفت: «بین برادر، شما شهری‌ها سبزیجات را از مغازه می‌خرید، اما بازار خرید سبزیجات ما همین مزارع است و تعدادی گیاهان خودرو. شما فردا بعد از ظهر که مدرسه تعطیل شد، به خانه ما بیایید تا این گیاهان را به شما نشان بدهم. آخرین خانه به طرف کوهستان نه به طرف دشت خانه ماست.

ما این گیاهان خوراکی را سینه به سینه و از تجربه گذشتگان می‌شناسیم و یاد گرفته‌ایم که روزی خود را از دامن طبیعت به دست آوریم.»

فردا بعد از ظهر به خانه حسنعلی رفتم. با هم به مزارع رفتیم و هشت نوع گیاه خوراکی را چید و به من داد و گفت اگر به دامنه کوهستان هم برویم، انواع دیگری را می‌بینیم. تشکر کردم و به خانه آمدم. گیاهان را به ردیف روی یک پارچه سفید چیدم و به دقت به ریشه، ساقه، برگ‌ها، گل و انواع گل آذین تک لپه بودن یا دو لپه بودن و سایر اختصاصات آن‌ها توجه کردم.

روز بعد خودم به مزرعه رفتم و همان گیاهان را چیدم. شب که به آن‌ها نگاه می‌کردم، به فکرم رسید که این مهارت را به بچه‌های مدرسه یاد بدهم تا آن‌ها با شناخت این گیاهان خوراکی بتوانند به اقتصاد خانواده خود کمک کنند.

از فردای آن روز دانش‌آموزان کلاس‌های مدرسه را یکی بعد از دیگری به مزارع اطراف روستا که پدران آن‌ها هم در آنجا کار می‌کردند، می‌بردم. بچه‌ها با علاقه زیاد نام گیاهان و خصوصیات آن‌ها را یاد می‌گرفتند.

خود بچه‌ها هم برخی از این گیاهان را با نام محلی می‌شناختند. مثلاً به گیاه «شنگ» می‌گفتند «ریش‌بزی» و به گیاه دیگری از تیره گندم می‌گفتند «دُم روباهی». مردم محلی دوست دارند گیاهان را با توجه به شکل یک جانور نام‌گذاری کنند. مثلاً به گیاه «گل ماهور»، چون برگ‌های آن شبیه گوش خرگوش است، «خرگوشک» می‌گویند.

گیاهانی که در روستا حسنعلی کشاورز به من نشان داد، عبارت بودند از:



علی محمد بخشوده



کتاب بازیگری

نویسنده: جان ابوت
مترجم: اردشیر مهرآبادی
ناشر: نخستین
سال انتشار: ۱۳۹۴

چکیده

جان ابوت (John Abbott) بازیگری حرفه‌ای و مدیر مدرسه هنرهای آموزشی لندن و نویسنده کتاب بازیگری است. این کتاب دوره‌ای فشرده از تکنیک‌های ضروری برای بازیگران است که در آن به مجموعه‌ای از تجربه‌های عملی برای استفاده کردن از تکنیک‌های بازیگری اشاره شده است. همچنین راه‌های متنوعی را برای تجزیه و تحلیل متن و ساخت یک شخصیت با توجه به رهیافت‌ها و آموزه‌های استادان در کنار تکنیک‌های جدیدی که نویسنده، آن‌ها را سال‌ها آموزش داده است، ارائه می‌کند. کتاب حاوی طیف گسترده‌ای از تکنیک‌های تمرینی، بداهه‌سازی و مجموعه‌ای از تمرین‌های خلاقانه برای تحریک تخیل و ایجاد اعتمادبه‌نفس در بازیگری است. به همین دلیل برای استادان، مربیان و هنرجویان بازیگری در هر سطح ارزشمند و کاربردی است و به آنان برای تجربه تکنیک‌ها و روش‌های دانشگاهی کمک می‌کند.



چگونه مدیر بهتری باشیم

مؤلف: مایکل آرمسترانگ
مترجمان: امیررضا محمودی، کیوان ریاحین و کیوان سررشته
ناشر: فدک ایساتیس
سال انتشار: ویرایش نهم، ۱۳۹۴

چکیده

این کتاب راهنمای کاملی از مهارت‌های اساسی و تکنیک‌های کارآمد در مدیریت است. ۶۵ موضوع کلیدی در مدیریت، در کتاب به بحث گذاشته شده‌اند. چگونگی داشتن رفتار حرفه‌ای، نوآوری در مدل کسب‌وکار، خواندن ترازنامه، استفاده از نسبت‌های مالی، همراه کردن افراد ناسازگار در محیط کار، ارزیابی عملکرد خود، دستیابی به اعتمادبه‌نفس بالا، مؤثر و کارا بودن و... از جمله مطالبی هستند که مؤلف به آن‌ها پرداخته است. این کتاب راهنمایی است برای افرادی که به مدیریت، رهبری و توسعه علاقه‌مند هستند و در بخش توسعه مهارت‌های رهبری در کسب‌وکار مطالعه می‌کنند. این اثر ضمن آموزش نکته به نکته مهارت‌های مدیریت، به عنوان کتابی مرجع و کاربردی قابل اطمینان است. مطالعه آن را به مدیران بخش‌های مختلف و هنرآموزان علاقه‌مند به تدریس در زمینه فوق توصیه می‌کنیم.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد **کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه‌اول دوره آموزش ابتدایی

رشد **نخود** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد **دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد **نوجوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد **بهره‌بر** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد **جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد **پرواز** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و ... تهیه و منتشر می‌شود.

● نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

● تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

● وبگاه: www.roshdmag.ir



روند طراحی معماری

مؤلف: رندوایی yee Randow

مترجم: مهدی قاضی نسب

ناشر: فدک ایستاتیس

سال انتشار: ۱۳۹۳

چکیده

این کتاب به‌عنوان منبع و مرجع روش‌ها و شیوه‌های طراحی و ترسیم معماری در عصر کنونی می‌تواند برای تمامی علاقه‌مندان به حوزه‌های عمران، ساختمان، معماری، شهرسازی، طراحی شهری، طراحی و گرافیک و رشته‌های هنری، به‌ویژه هنرآموزان و هنرجویان، مفید و مؤثر باشد. همچنین به‌دلیل برخورداری از مراحل مقدماتی تا تکمیلی و به لحاظ مصور بودن و استفاده از تصویر و اسکیس‌هایی که عمدتاً به‌صورت **دست آزاد** انجام شده‌اند، روند آموزش را برای علاقه‌مندان به آموزش طراحی معماری، بسیار آسان و قابل فهم ساخته است. کتاب خودآموزی تخصصی است و مخاطب را از مراحل ابتدایی، شامل معرفی ابزار و وسایل ترسیم، طراحی حروف و صفحه‌آرایی، اسکیس‌های دستی، ترسیم انواع نما و برش، پرسپکتیوهای مختلف و... تا مراحل نهایی همراهی می‌کند.

سخننی با مخاطبان

رعایت اجزا و عناصر ساختاری مقالات علمی، حرفه‌ای و پژوهشی شرایطی دارد که یک پژوهشگر و نویسنده آگاه آن‌ها را به کار می‌بندد. به عبارت دیگر موفقیت مؤلف در ارائه مقاله به بهره‌مندی او از این قواعد و تسلط بر مبنای نگارش و آگاهی از اصول مقاله‌نویسی و مهارت در امر نوشتن وابسته است. مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش، نشریه‌ای آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است که با توجه به اهداف آن، به صورت فصل‌نامه منتشر می‌شود. بر این اساس از پژوهشگران، متخصصان تعلیم و تربیت، به‌ویژه هنرآموزان، دبیران و مدرسان دعوت می‌شود تا با توجه به موارد ذیل:

۱. اصالت موضوع/۲. عنوان/۳. چکیده/۴. کلیدواژه/۵. مقدمه/۶. بیان مسئله/۷. تبیین هدف/۸. پرسش/۹. پیشینه پژوهش/۱۰. معرفی پروژه تحقیقاتی/۱۱. تشریح روش‌شناسی مورد استفاده و تبیین رویکرد مقاله/۱۲. ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها/۱۳. توصیف ویژگی‌های جامعه پژوهش/۱۴. تبیین محدوده و محدودیت‌های پژوهش/۱۵. ارائه یافته‌های توصیفی و تحلیلی/۱۶. بحث و نتیجه‌گیری/۱۷. پیشنهاد/۱۸. منابع مورد استفاده
- حاصل پژوهش‌ها و مطالعات خود را در زمینه‌های زیر، جهت درج در مجله ارسال فرمایند.

- * مبانی نظری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش
- * آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سایر کشورها (تجارب)
- * روش‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش
- * کارآفرینی، خوداشتغالی، ارزش‌آفرینی (تجارب)

رویکردها و دیدگاه‌ها در برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای * برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای * پروژه‌محوری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای * معرفی مؤسسات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در ایران و سایر کشورها، معرفی پدیده‌های نو در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و معرفی کتاب‌ها و مجلات جدید در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای. * مقالات ارسالی مرتبط با موضوع مجله باشد و تاکنون در مجلات دیگری درج نشده باشد. * مطالب باید تایپ شده باشد. * شکل قرار گرفتن جدول‌ها نمودارها و تصاویر باید در مقاله مشخص باشد. * نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم می‌دول شود. * مقاله‌های ترجمه‌شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز ضمیمه مقاله ارسال شود. * در متن‌های ارسالی باید تا حد امکان از معادل‌های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود. * پی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، سال انتشار، نام اثر، نام مترجم، محل نشر، ناشر و شماره صفحه مورد استفاده باشد. * مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقالات رسیده مختار است. * آراء و نظرهای ارائه‌شده در مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌ها لزوماً بیانگر دیدگاه‌های دفتر انتشارات کمک‌آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

نشانی ارسال مقالات: تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵
پیام‌نگار: faniherfeievakarodanesh@roshdmag.ir



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

رشد برای رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۷۷۳۳۳۱۹۲. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

● عنوان مجلات در خواستی:

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان:
- شهرستان:
- خیابان:
- پلاک:
- شماره پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:

● اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۳۶۶۵۶ / ۷۷۳۳۳۱۱۰ / ۷۷۳۳۳۹۷۱۳-۱۴

- هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال